

۹۰ هزار زندانی متاهل

۱۵۲ نماینده مجلس در نامه‌ای به رئیس جمهور حمایت از خانواده زندانیان را خواستار شدند. برابر اعلام سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از مجموع زندانیان، ۹۰ هزار زندانی متاهل و سرپرست خانواده بوده اند که با



تحقیقات به عمل آمده ۷۰ درصد از خانواده‌های آنها نیازمند کمک‌های مالی اند، به نحوی که برای تأمین حداقل معیشت زندگی دچار بحران شده و تعداد قابل توجهی از فرزندان این خانواده‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی مجبور به ترک تحصیل شده‌اند. بر اساس ماده ۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه، سازمان زندان‌ها موظف گردیده است که تا پایان برنامه، صد در صد خانواده‌های زندانیان نیازمند و معدومین را تحت پوشش قرار دهد. این در حالی است که هیچ‌گونه امکانات و اعتباری برای این امر مهم و حساس پیش‌بینی نگردیده است. سازمان زندان‌ها با ایجاد و گسترش ۱۶۴ انجمن حمایت از خانواده‌های زندانیان صرفاً ۱۰ درصد از آمار فوق را تحت پوشش قرار داده است.

اعتراض به اختناق و فضای امنیتی

در پی تحصن شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه سیستان و بلوچستان،



حدود ۴۰۰ تن از دانشجویان به این تحصن پیوستند. متحصنین به عملکرد تبعیض آمیز هیات نظارت بر تشکلهای نسبت به انجمن اسلامی دانشجویان، جو اختناق و سرکوب در دانشگاه، برخوردهای امنیتی، غیر قانونی و غیر اخلاقی کمیته انضباطی و عدم تشکیل شورای صنفی پس از دو سال معترض هستند. قطعنامه پایانی این تحصن با اشاره بر زمینه‌های اعتراض دانشجویان گفته می‌شود: نگاه و رفتار تبعیض آمیز "هیات نظارت بر تشکلهای" (متشکل از ریاست دانشگاه، نماینده وزیر و ریاست نهاد نمایندگی) ولایت فقیه) به عنوان بالاترین رکن تصمیم گیرنده و هیات نظارت بر تشکلهای متاسفانه با در پیش گرفتن رفتار تقابلی با رنگ و بوی

سیاسی با برگزاری هرگونه فعالیت دانشجویی مستقل با تمام قوا مخالفت کرده است. به گونه‌ای که در طول ۲۰ ماه گذشته حتی با یک درخواست مجوز از طرف انجمن اسلامی کل موافقت نشده است. قطعنامه متحصنین همچنین از تعلیق تشکیل شورای صنفی انتقاد می‌کند و به پرونده سازی و جو امنیتی ناشی از اقدامات کمیته انضباطی بشدت اعتراض می‌کند

رابطه محکم‌تر مجاهدین خلق با آمریکا

به نوشته روزنامه «وال ستریت جورنال»، در حالیکه تنش میان آمریکا و ایران شدت بیشتری می‌گیرد، گروه تبعیدی مجاهدین خلق که به طور رسمی از سوی دولت آمریکا در فهرست سازمان‌های تروریستی جای گرفته، به تلاش‌های خود در میان محافل بانفوذ آمریکایی افزوده است تا نقش مهم‌تری را در مبارزه با جمهوری اسلامی بازی کند. طبق گزارش این روزنامه، مجاهدین در تلاش خود برای کسب حمایت کنگره آمریکا تا اندازه‌ای موفق شده‌اند. بنا به گزارش «وال ستریت جورنال» (۲۲ مه) مجاهدین برای جلب حمایت آمریکا مدعی‌اند که پیشرفته‌ترین شبکه اطلاعاتی را در داخل ایران و ناظر بر رهبری ایران به وجود آورده‌اند و می‌توانند دقیق‌ترین اطلاعات را از فعالیت‌های هسته‌ای ایران به چنگ آورند. مجاهدین همچنین مدعی‌اند که شبکه‌های آنها در داخل ایران قادرند تبلیغات مربوط به دموکراسی و ضرورت سرنگونی روحانیان حاکم را به سهولت در میان مردم بگسترانند. وال ستریت جورنال می‌نویسد، مجاهدین با چهارهزار رزمنده قادرند ایران را از طریق مرز عراق هدف قرار دهند.

«براد شرم» نماینده حزب دموکرات از ایالت کالیفرنیا می‌گوید: «این تنها سازمانی است که اسم‌اش در لیست تروریست‌هاست اما بیشترین کمک را به آمریکا کرده و بیشترین خسارت را به دشمنان ما وارد آورده است. همین سازمان نقش مهمی داشت در دادن اطلاعات در مورد تأسیسات هسته‌ای نطنز. ما می‌توانیم به طور روشن به آنها بفهمانیم که چه انتظاری از آنها داریم تا در عوض اسم‌شان را از فهرست تروریسم برداریم.»

وال ستریت جورنال می‌نویسد: «بیش از یک دهه است که سازمان مجاهدین همچون توپ فوتبال در بازی سیاسی میان آمریکا و

رئیس جمهوری آلمان و گونتر گراس، نویسنده نامدار آلمان و دارنده‌ی جایزه‌ی ادبیات نوبل در برلین گشایش یافت. این گردهمایی که تحت عنوان "نگارش در جهانی بیگانه با صلح" برگزار شد، پس از شش روز به کار خود پایان داد.

توقیف انتشار مجموعه‌ی آثار محمدجعفر پوینده

بنابر گزارش، طبق قرارداد خانواده‌ی این مترجم با نشر چشمه، قرار بر این بود تا مجموعه‌ی آثار او شامل ۲۸ جلد کتاب، پس از درگذشتش به صورت یک‌شکل منتشر شوند که از این مجموعه، ۱۴ جلد عرضه شد. اما به گفته‌ی خشیایار



دیپیمی به عنوان وکیل پوینده، انتشار این مجموعه از سال ۸۱ با قطع کمک وزارت ارشاد که در قراردادی به آن متعهد شده بود، متوقف شد و پیگیری‌ها نیز نتیجه‌ای نداد. پوینده ۱۷ خردادماه ۱۳۳۳ در یزد به دنیا آمد و آذرماه سال ۱۳۷۷ جسدش در حوالی تهران پیدا شد. عامل قتل این پژوهشگر و مترجم، عوامل خودسری از وزارت اطلاعات معرفی شدند.

اخراج ۵۰ هزار کارگر در ۲ ماه

براساس آمار رسمی از وزارت کار و امور اجتماعی، در فروردین و اردیبهشت‌ماه امسال جمعاً ۵۰ هزار و ۷۳۷ نفر کارگر به دلیل اتمام قرارداد کار یا اخراج بیکار شده و به وزارت



کار دادخواست ارائه کرده‌اند که در مقایسه با سال گذشته ۲۶ درصد رشد داشته است. این در حالی است که پیش از این مسوولان وزارت کار و امور اجتماعی مدعی بودند اخراج کارگران در اردیبهشت‌ماه سال ۸۵ نسبت به سال قبل با کاهش ۲۷ درصدی روبه‌رو بوده است اما حال با ارائه آمار و ارقامی از اخراجی‌های دو ماه ابتدای امسال معلوم می‌شود که محمد جهرمی فقط آمار اردیبهشت را ارائه کرده چرا که براساس این گزارش تعداد کارگران بیکار شده طی دو ماه نخست سال ۸۵ بر اساس آمار رسمی وزارت کار و امور اجتماعی در مقایسه با سال گذشته ۲۶ درصد و در مقایسه با سال ۸۳، حدود ۲۹ درصد افزایش داشته است. این در حالی است که تعداد کارگران بیکار شده در دو ماه

ایران به کار گرفته شده. دولت کلینتون که قصد کنار آمدن با رهبران میانه رو در درون حکومت تئوکراتیک را داشت، در ازای رابطه بهتر با تهران حاضر شد مجاهدین را در لیست سیاه نگه دارد. در سال ۲۰۰۳ نیز دولت بوش برای تثبیت اوضاع عراق سعی کرد معامله‌ای با ایران صورت دهد که طبق آن قرار بود اعضای القاعده در ایران با اعضای مجاهدین در عراق معاوضه شوند. اما به دلیل مداخلات بیشتر ایران در عراق، آن معامله سرنگرفت. با تلاش بیشتر آمریکا در مسیر تغییر حکومت در ایران، بار دیگر در هفته‌های اخیر نقشی که مجاهدین می‌توانند در این استراتژی بازی کنند مورد بررسی قرار گرفته است.

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران در مورد رامین جهاننگلو

مردم آزاده ایران! - در ماه‌های اخیر دستگیری و بازداشت روشنفکران و متفکران ایران شدت بیش‌تری گرفته است. روزی نیست که گروهی از اهل قلم و اصحاب مطبوعات به دادگاه



احضار نشوند. اخیراً رامین جهاننگلو، نویسنده و شخصیت دانشگاهی نیز بازداشت و زندانی شده است. کانون نویسندگان ایران به این نوع بازداشت‌های امنیتی و اعلام اتهام در رسانه‌ها، پیش از تفهیم اتهام به متهم و بدون احراز درستی و یا نادرستی آن در طول مراحل قضایی و با حضور وکیل مدافع، به شدت معترض است و خواهان روشن شدن وضعیت رامین جهاننگلو است.

کانون نویسندگان ایران ۱۳۸۵/۳/۲

قطعنامه‌ی انجمن جهانی قلم درباره ایران

انجمن جهانی قلم (پن)، در پایان کنگره‌ی سالانه‌ی خود در برلین، با تصویب قطعنامه‌ای، خواستار آزادی نویسندگان و روشنفکران دربند در



ایران، پیگیری جدی پرونده‌ی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای و پرونده‌ی قتل زهرا کاظمی شد. کنگره‌ی پن همچنین با ارسال نامه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، آزادی فوری دکتر رامین جهاننگلو و رفع اتهام از وی را خواستار شده است. این نامه را همه‌ی اعضای شرکت‌کننده در کنگره بجز نویسنده‌ای از فلسطین، امضا کردند. کنگره انجمن جهانی قلم روز سه‌شنبه‌ی گذشته (۲۳ می) با حضور شخصیت‌هایی چون هورست کوهلر،

گریختیم، پدرم را دیدیم که مرده بود. آنها به سوي ما نیز شروع به تیراندازی کردند.» «امان حسن» ۱۰ ساله نیز از جمله کودکانی است که در خانه اش شاهد جنایات سربازان آمریکایی بود. این کودک در مصاحبه ای دیگر با روزنامه انگلیسی تایمز لندن گفت: «سربازان آمریکایی، پدربزرگ، مادربزرگ، پدر، مادر، دو پسرخاله و یک پسرعموی ۴ ساله مرا کشته اند.»

زندانیان نوجوان در گوانتانامو

یک گروه هوادار حقوق بشر اعلام کرد بیش از ۶۰ نوجوان که برخی از آنان هنگام بازداشت بیش از ۱۴ سال نداشتند، در



بازداشتگاه آمریکایی گوانتانامو در کوبا به عنوان افراد مظنون به شرکت در فعالیت های تروریستی زندانی بوده اند. به گزارش خبرگزاری فرانسه گروه «ریپ ریو» که مقر آن در لندن است، در گزارش خود افزود این زندانیان هنگام بازداشت توسط نیروهای آمریکایی کمتر از ۱۸ سال داشتند. دست کم ده نفر از آنان را که هنوز زندانی هستند و هنگام بازداشت بیش از ۱۴ یا ۱۵ سال نداشتند، مدت ها در زندان انفرادی محبوس کردند، تحت بازجویی های مکرر قرار دادند و براساس برخی گزارش ها، شکنجه نیز کردند. روزنامه ایندپندنت که این گزارش را منتشر کرد، نوشت: این اتهامات می تواند روابط آمریکا با انگلستان را که نزدیک ترین هم پیمان آن کشور در جنگ با تروریسم است، تهدید کند. روزنامه مزبور به نقل از یک مقام دولت انگلیس نوشت: «اگر به واقع ثابت شود که در گوانتانامو افراد زیر سن قانونی زندانی بوده اند، ما نظری بسیار بسیار منفی پیدا خواهیم کرد.» مقامات دولت انگلیس که نامشان ذکر نشده، گفتند: اتهامات یاد شده کاملاً مغایر این تضمین های واشینگتن به لندن است که هیچ کودک یا نوجوانی در گوانتانامو زندانی نیست. «کلايو استافورد اسمیت» مدیر حقوقی این گروه و وکیل شماری از بازداشت شدگان به نشریه یاد شده گفت آمریکا با نگهداری کودکان در زندان های بزرگسالان، نه تنها قوانین خود بلکه تمامی کنوانسیون های حقوق بشر را نقض کرده است. او افزود: «زندانی کردن مجرمان زیر ۱۸ سال اشکال ندارد، اما مشکل زمانی روی می دهد که این افراد را

نخست سال ۸۴ نسبت به سال ماقبل آن تنها ۲ درصد رشد داشته است.

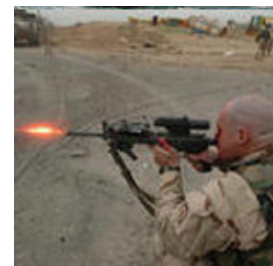
ایران دومین کشور پناهنده پذیر در سطح جهان

به گزارش «داون»، کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل طی گزارشی پاکستان و ایران را پناهنده پذیرترین کشورهای جهان معرفی کرد و اعلام کرد: این دو کشور در مجموع ۴۱ درصد از کل پناهندگان جهان را در خود جای داده اند.

بر اساس این گزارش در پایان سال ۲۰۰۵ پاکستان ۲۱ و ایران ۲۰ درصد از کل پناهندگان جهان را در خود جای داده اند و به این ترتیب به عنوان اولین و دومین کشور پناهنده پذیر در سطح جهان شناخته شده اند. در عین حال طی سال ۲۰۰۵ بیش از ۷۵۱ هزار پناهنده افغان از این دو کشور به کشور خود بازگشتند که بدین ترتیب تعداد جمعیت پناهندگان در پاکستان در این سال ۱۶ درصد و در ایران ۳۲ درصد کاهش داشته است. در مجموع چهار سال گذشته نیز به طور کلی ۴/۶ میلیون نفر پناهنده افغان از ایران و پاکستان به کشور خود بازگشته اند. کل پناهندگانی که طی این مدت در سطح جهان به کشور خود بازگشته اند شش میلیون نفر بوده است.

اظهارات دو کودک درباره جنایت آمریکا در حدیثه

دو کودک عراقی نجات یافته از فاجعه حمله نظامیان آمریکایی به شهروندان غیرنظامی عراقی در شهر «حدیثه» در مصاحبه ای که توسط شبکه خبری سی ان ان پخش شد، از جنایات



سربازان آمریکایی حکایت کردند. روزنامه اسپانیایی ال موندو نوشت: «دو کودک عراقی که از حمله تفنگداران آمریکایی در شهر حدیثه عراق در تاریخ ۱۹ نوامبر جان سالم به در برده اند، از جنایات آمریکا و کشتار ۲۴ شهروند غیرمسلح حکایت کردند.» «صفا یونس» ۱۲ ساله که از مرگ نجات یافته است، توضیح داد که یک گروه آمریکایی در تاریخ ۱۹ نوامبر به خانه وی حمله کرده و به سوي پدرش که سلاحی نداشت شلیک کردند و سپس ۸ عضو خانواده وی را به قتل رساندند. یونس در این مصاحبه که از سی ان ان پخش شد، گفت: «زمانی که ما به سوي آشپزخانه

توجه به اینکه اکنون ریاست شورای اروپا را برای مدت شش ماه بر عهده گرفته است، احترام خود به حقوق بشر را بیشتر نشان دهد. در این درخواست ذکر شده است که: «ما امیدواریم که در طول ریاست بر شورای اروپا، روسیه گام‌های مهمی برای ارتقای احترام و حمایت از حقوق بشر در کشور بردارد و چنین پیشرفت‌ها و گام‌هایی را در سراسر کشورهای عضو شورا تشویق کند. ما معتقدیم که روسیه با انجام معیارهایی که در زیر می‌آیند، می‌تواند تعهد واقعی خود را به اهداف شورای اروپا در ارتقاء و احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون و دموکراسی نشان دهد: ۱- به بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه سوء رفتار، ناپدید شدن اجباری و اعدام‌های ورا قضایی در قفقاز شمالی خاتمه دهد، ۲- گام‌های معنی‌داری برای پایان دادن به مصونیت‌های بی‌مورد در چچن بردارد، ۳- به سوء رفتارهای خشن در نیروهای مسلح روسیه خاتمه دهد، ۴- قوانین سازمان‌های غیر دولتی را اصلاح کند، ۵- در دادستانی کشور اصلاحات انجام دهد، ۶- با کمیته‌ی منع شکنجه همکاری کند، ۷- پروتکل ششم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های مدنی را تصویب کند و ۸- منشور اجتماعی اروپا را تصویب کند.»

۱۱ هزار کودک به عنوان سرباز در کلمبیا

براساس نوار ویدئویی به دست آمده در کلمبیا مشخص شده است که هنوز و در عین ناباوری صدها کودک که سن بسیاری از آنها به ۱۰ سال هم نمی‌رسد به عنوان کودکان سرباز و به زور آموزش‌های مختلف نظامی و جنگ‌های چریکی می‌بینند. سی‌ان‌ان گزارش داد: در این نوار ویدئویی دیده می‌شود که صدها کودک که بسیاری از آنها هم دخترچه هستند، مجبور به شرکت در تمرینات سخت نظامی از جمله سینه خیز رفتن در زمین‌های سخت و گل‌آلود هستند. این کودکان به عنوان کودکان فراموش شده معرفی شده‌اند و نوار آن در ماه مه به دست ارتش کلمبیا افتاد. این نوار ویدئویی نشان می‌دهد که بزرگترین نیروی شورشی و چریکی کلمبیا موسوم به نیروی مسلح آشوب طلب کلمبیا (FARC) همچنان به برنامه‌های خود جهت به کارگیری کودکان در جنگ‌ها و نبردهای چند دهه‌ای با هدف سرنگونی حکومت این کشور ادامه داده است. سازمان دیده بان حقوق بشر نیز اعلام کرده است که حداقل ۱۱ هزار کودک زیر ۱۸ سال و حتی برخی که ۱۰ سال سن بیشتر ندارند از سوی نیروهای چریکی

بدون محاکمه در شرایط تکان‌دهنده‌ای نگاه دارند و یا آنان را در برابر یک کمیسیون نظامی محاکمه کنند.» بنابه نوشته ایندپندنت، واشینگتن اذعان کرده است که تنها با سه زندانی گوانتانامو - که بعداً آزاد شدند - به عنوان کودک برخورد شده است. طبق این گزارش، وزارت دفاع آمریکا می‌گوید اکنون هیچ فردی که زیر سن قانونی باشد در گوانتانامو محبوس نیست و این بحث‌ها را که در زندان یاد شده قوانین جنایی عادی به کار گرفته می‌شود، رد می‌کند.

علیه سانسور دولتی اینترنت

سازمان عفو بین‌الملل که از مراجع عالی ناظر بر حقوق بشر در سرتاسر جهان محسوب می‌شود، روز یکشنبه کارزاری اینترنتی را در اعتراض به اعمال سانسور دولتی اینترنت آغاز

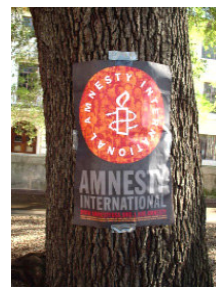


کرد. کارزاری تحت عنوان *irrepressible* یا «منع ناپذیر» که با جمع‌آوری امضا از کاربران اینترنت در تمامی جهان، از دولت‌های محدودکننده اطلاعات می‌خواهد تا به سانسور اینترنتی پایان دهند.

دفتر لندن این نهاد دفاع از حقوق بشر در بیانیه جدید خود از دولت‌های چین، ویتنام، تونس، عربستان سعودی، سوریه، مالدیو، اسرائیل و جمهوری اسلامی به عنوان بزرگترین دشمنان جریان آزاد اطلاعات در شبکه جهانی اینترنت نام برده است. این درحالیست که گفته‌ها از محافل اینترنتی داخل ایران، خبر از راه‌اندازی طرح یکسان‌سازی فیلترگذاری اینترنت در ابعاد وسیع می‌دهد.

دعوت روسیه به رعایت حقوق بشر

عفو بین‌الملل، مرکز دموکراسی، مرکز توسعه دموکراسی و حقوق بشر، کمیته‌ی مساعدت مدنی، دیده‌بان حقوق بشر، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، هلیسنکی، مرکز یادبود حقوق بشر، گروه هلیسنکی مسکو و اتحادیه‌ی



کمیته‌های مادران سربازان روسیه، مشترکا از روسیه خواستند که با

هدف تبلیغات صنعت دخانیات قرار می گیرند. آمار نشان می دهد که ۸۴ درصد از ۸/۱ میلیارد مصرف کننده دخانیات جهان در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند که نقش بسزایی در اجرایی کردن این کنوانسیون داشتند. دوسوم تصویب کنندگان، از کشورهای در حال توسعه هستند.

نقض حقوق بشر در بریتانیا

ایرنه خان دبیر کل سازمان عفو بین الملل از بریتانیا انتقاد می کند که با کشورهای مانند اردن و لیبی و لبنان (کشورهای غیر دمکراتیک) قراردادی امضا کرده است که به موجب آن مظنون به فعالیت های تروریستی را به آن کشورها ارسال دارد، بی آنکه از شکنجه یا قتل آنها بیمی داشته باشد.



در گزارش سازمان عفو بین الملل همچنین آمده است که دولت بریتانیا با مشارکت در زندانی کردن افراد بشمار بدون اتهام مشخص در عراق، اصول بنیادین حقوق بشر را نقض کرده است. تونی بلر نخست وزیر بریتانیا هفته گذشته دستگاه قضایی را دور از مردم خواند و خواهان تعدیل بنیادین آن شد. خانم می گوید: "ما عقیده داریم که نخست وزیر با طرح مسائل مربوط به حقوق بشر می کوشد انظار را از مسائل دیگر منحرف کند." در رابطه با آزادی خارجیانی زندانی بدون امکان اخراج آنها از کشور، خانم از مردم خواست به این تصور دل نسیارند که تمام مهاجران صاحب پرونده جنایی هستند. خانم گفت: "ما نگران هستیم که دولتها و احزاب سیاسی از موضوع مهاجرت برای اهداف کوتاه مدت خود بهره برداری کنند."

محکومیت آمریکا و اسراییل در نقض حقوق بشر

سازمان عفو بین الملل در گزارش خود، سوریه را به ادامه ی قید و بندها در زمینه ی آزادی بیان و اندیشه، بازداشت سیاستمداران و اندیشمندان و تبعیض بین اقلیت کردها در این کشور متهم کرده است. در این گزارش همچنین نقض حقوق زندانیان در عراق از سوی نیروهای اشغالگر و نیروهای امنیتی عراق و آزار و شکنجه ی



در کلمبیا به عنوان سرباز به کار گرفته شده اند. این درحالی است که سازمان ملل این رقم را بالغ بر ۱۴هزار کودک عنوان کرده است و بر اساس این گزارش این کشور یکی از وخیم ترین نقاط جهان برای کودکان محسوب می شود.

سوء تغذیه ۴۷ درصد از کودکان زیر ۵ سال در هند

گزارش یونیسف حاکی است که ۵۷ میلیون کودک هندی گرفتار سوء تغذیه هستند. این رقم حتی از صحرای آفریقا هم بیشتر است. در منطقه صحرای آفریقا ۳۳ در کودکان به سوء تغذیه مبتلا هستند. گزارش روز سه شنبه دیروز یونیسف همچنین اعلام کرد که ۲۷ در صد کودکان آسیای جنوبی در خطر مرگ قرار دارند که بیش از هفتاد درصد از آنها در سه کشور بنگلادش، هند و پاکستان اقامت دارند. دکتر پتریک سوترا، نماینده یونیسف در هند گفت دلیل عمده سوء تغذیه و کم وزنی کودکان در کشورهای آسیای جنوبی کیفیت پائین مواد غذایی، پائین بودن سطح اجتماعی زنان، ازدواج های زودرس، کیفیت نامطلوب بهداشت و بیسوادی دانست.



کنوانسیون دخانیات

کنوانسیون کنترل دخانیات سازمان بهداشت جهانی فوریه سال گذشته ضمانت اجرایی یافت. سازمان بهداشت جهانی این کنوانسیون را - که مدت ده سال در دست بررسی بود - به امید پیشگیری از پنج میلیون مرگ سالیانه ناشی از مصرف دخانیات به اجرا درآورده است. این سند اولین معاهده جهانی درباره بهداشت عمومی است و کشورهای عضو سازمان بهداشت جهانی ملزم به اعمال مفاد آن هستند. کشورهایی که این کنوانسیون را تصویب کرده اند، اکنون سه سال وقت دارند تا روی بسته های سیگار هشدارهای جدی بهداشتی بچسبانند و پنج سال فرصت دارند تا تبلیغات دخانیات را ممنوع کنند. آنها باید پیروی خود از این معاهده را بصورت منظم به سازمان بهداشت جهانی گزارش کنند. این کشورها می توانند علیه کشورهایی که این کنوانسیون را تصویب نکرده اند و کشورهای تولید کننده دخانیات که مبارزه شان را تضعیف می کنند، به سازمان بهداشت جهانی شکایت کنند. سازمان بهداشت جهانی امیدوار است که این معاهده به ویژه در کشورهای در حال توسعه مفید باشد، زیرا این جوانان کشورها

ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن) در برابر این که میانمار به ریاست این سازمان برسد ایستادند. به همین دلیل بود که اتحادیه اروپا نهایتاً تصمیم گرفت که ممنوعیت فروش اسلحه به چین را لغو نکند. از همین رو است که هند در برخوردش با نپال، حقوق بشر را یکی از عناصر آن قرار داده است.

هم از نظر اصولی و هم به دلایل عملی، باید به حقوق بشر به عنوان یک عنصر اساسی استراتژی‌های جهانی و منطقه‌ای نگریست و نه به عنوان یک گزینه اضافی برای اوقات خوب. من شکی ندارم که وقایع ۲۰۰۵ نشان داد که اعتبار سیاسی و اخلاقی حکومت‌ها به طور روزافزونی با معیار موضع آنان در مورد حقوق بشر در داخل و خارج کشور سنجیده خواهد شد. یکی از مهمترین دست‌آوردهای جنبش حقوق بشر در دوران‌های اخیر همین است. چالش‌های روشنی در پیش است. حملات وحشیانه گروه‌های مسلح، افزایش بی‌ثباتی در خاورمیانه، خشم و انزوای روزافزون جوامع مسلمان در سراسر جهان، درگیری‌های فراموش شده در آفریقا و نقاط دیگر، افزایش نابرابری و فقر خیره‌کننده - همه این‌ها گواهی از دنیای خطرناک و جدا شده‌ای است که در آن حقوق بشر روزانه در معرض تهدید است. ولی به جای این که مأیوس شویم، من معتقدم این چالش‌ها انگیزه عمل را بیشتر هم خواهد کرد.

در تنظیم برنامه خود برای ۲۰۰۶، عفو بین‌الملل و میلیون‌ها عضو و پشتیبان آن از موفقیت‌های برجسته جنبش حقوق بشر و ایمان مردم عادی به قدرت حقوق بشر قوت قلب می‌گیرند. ما در عفو بین‌الملل این قدرت را دست کم نمی‌گیریم. ما آن را برای مبارزه با کسانی که ترس و نفرت را عرضه می‌کنند، و برای به چالش کشاندن کوتاه‌بینی قدرتمندترین رهبران جهان، و برای به محاسبه کشاندن حکومت‌ها، به کار می‌گیریم.

بقیه از صفحه ۳۵

طریق کمک و حمایت (مانند پناهندگی و غیره) آنان را در پناه خود گیرند. چنین کمک‌هایی بویژه در زمانی که حق بشری شهروندان کشوری از طریق کشور متجاوز نقض می‌گردد، از اهمیت زیادی برخوردار است. در اینگونه موارد باید تلاش کرد تا صلح میان دو کشور متخاصم هر چه زودتر دوباره برقرار گردد. چرا که تجربه تاریخی می‌آموزد که حقوق بشر در شرایط جنگی میان دولت‌ها، از هر زمان دیگر آسیب پذیرتر است.

آنها که به کشته شدن تعداد زیادی از مردم و هم‌چنین صدور حکم اعدام برای بسیاری از زندانیان منجر شده، محکوم شده است.

عفو بین‌الملل هم‌چنین اعمال خشونت برای متفرق ساختن تظاهرکنندگان و قانون پر قید و بند احزاب، بازداشت بسیاری از اعضای گروه‌های اسلامی و شکنجه‌ی آنها و هم‌چنین تصویب مجدد قانون منع آمد و شد در مصر را محکوم کرده است. در این گزارش افزایش خشونت در عربستان میان نیروهای امنیتی و شبه نظامیان، بازداشت بی‌قید و بند افراد، تبعیض و آزار و اذیت زنان و کارگران خارجی و اعدام ۸۶ زن و مرد که نیمی از آنها از اتباع خارجی بودند، نیز محکوم شده است. گزارش مذکور هم‌چنین درگیری‌های بین نیروهای دولتی و شورشیان دارفور را که شهروندان بی‌گناه را نیز مورد هدف قرار می‌دهد، محکوم کرده و از ادامه‌ی بازداشت صدها زندانی سیاسی انتقاد کرده است. سازمان عفو بین‌الملل در ادامه‌ی گزارش خود به شدت از اقدامات دولت آمریکا مبنی بر بازداشت هزاران تن بدون انجام محاکمه، شکنجه‌ی این افراد در عراق، افغانستان و زندان گوانتانامو در کوبا انتقاد کرده است. در این گزارش هم‌چنین به بازداشت‌گاه‌های محرمانه‌ای که از سوی آمریکا اداره می‌شود، اشاره شده و از اعمال خشونت پلیس و نیروهای امنیتی در آمریکا نیز که به کشته شدن ۶۱ تن منجر شده، انتقاد شده است. سازمان عفو بین‌الملل اقدامات نیروهای رژیم صهیونیستی مبنی بر کشتار بدون مجوز مردم بی‌گناه فلسطین، بازداشت هزاران فلسطینی که در میان آنها کودکان فلسطینی نیز وجود دارد و شکنجه‌ی آنها را محکوم کرده است.

بقیه از صفحه ۱۱

عمومی هستند، چه در آفریقا، اروپا یا جاهای دیگر، که از حکومت‌ها تعهد قویتری در مورد حقوق بشر در داخل کشور و خارج آن می‌طلبند. به شکرانه کار داعیان حقوق بشر و دیگران، و فشار افزایش‌دهنده افکار عمومی، جامعه بین‌المللی مجبور می‌شود حقوق بشر را به عنوان چهارچوبی که در درون آن باید امنیت و توسعه تصور شود و به مرحله اجرا درآید، بپذیرد. بدون احترام به حقوق بشر، نه امنیت و نه توسعه هیچ‌یک نمی‌تواند دوام بیاورد.

هم در سطح بین‌المللی و هم منطقه‌ای، حقوق بشر به تدریج به عنوان معیاری برای ارزیابی اعتبار و موقعیت نهادها و کشورها شناخته می‌شود. این یکی از دلایلی بود که کشورهای عضو انجمن

آیرین خان، دبیرکل سازمان عفو بین الملل

یک سال در چشم‌انداز: لیوانی نیمه پر



کریشنا پهادی، یکی از فعالان حقوق بشر در نپال، ۲۸ بار از طرف حکومت دستگیر شده است. موقعی که من او را در یک بازداشتگاه پلیس در کتماندو در فوریه ۲۰۰۵ در فاصله کوتاهی پس از بازداشت بیست و هفتمش دیدم پیام او به طور شگفت‌انگیزی خوش‌بینانه بود. او به من گفت رژیم هر چه که معترضان صلح‌طلبی مثل او را بیشتر دستگیر می‌کند موضوع حقوق بشر را قوی‌تر می‌سازد. ناآرامی‌های وسیع سیاسی، و محکومیت بین‌المللی اقدامات حکومت نپال، نظر کریشنا را تأیید می‌کند. با محرومیت از هر مطلب خواندنی به جز متون مذهبی، او یک دور کامل بگاواد گیتا را خوانده است و می‌خواست خواندن انجیل و سپس قرآن را شروع کند. او شکی ندارد که مبارزات او و کسانی مانند او موفق خواهد شد. او گفت، فقط مسئله زمان است. کریشنا نگران نیست. من نیز، علیرغم بدرفتاری‌ها و بی‌عدالتی‌ها، خشونت و تجاوزات در سرتاسر جهان که در گزارش سال ۲۰۰۶ عفو بین‌الملل آمده است، در این احساس با او شریکم.

منظره حقوق بشر آکنده از قول‌های عمل نشده و قصور رهبری حکومت‌هایی است که داعیه حمایت از حقوق بشر دارند ولی وقتی به عملکرد و سیاست‌های خود آنان مربوط می‌شود واکنش‌های سرکوبگرانه از خود نشان می‌دهند. بدرفتاری‌های شدید در افغانستان و عراق بر بیشتر مباحث مربوط به حقوق بشر سایه افکنده است، چرا که شکنجه و ترور در یک دور باطل از یکدیگر تغذیه می‌کنند. خشونت و شدت حملات گروه‌های مسلح در این کشورها و سایر کشورها بالا می‌رود و قربانی سنگینی از جان انسان‌ها می‌گیرد.

در عین حال، یک نگاه نزدیک‌تر به حوادث سال ۲۰۰۵ به من امید می‌دهد. نشانه‌های روشنی وجود داشت حاکی از این که پس از پنج سال ممکن است یک نقطه عطف در حملات علیه حقوق بشر به نام مبارزه با تروریسم در چشم‌انداز باشد. در طول یک سال گذشته، برخی از قدرتمندترین حکومت‌های جهان پیام بیداری

تکان‌دهنده‌ای در مورد خطرات کم بها دادن به بعد حقوق بشری در اقدامات خود در داخل و خارج کشور دریافت کردند. زبان دوگانه و فریب آنان در رسانه‌ها برملا شد، از سوی فعالان به چالش کشانده شد و دادگاه‌ها آن را رد کردند.

من هم‌چنین نشانه‌های دیگری از خوش‌بینی می‌بینم. مجموع کشمکش‌ها در سطح جهان، به شکرانه ابتکارات بین‌المللی سازندگی صلح، مدیریت کشمکش و جلوگیری از کشمکش، هم‌چنان رو به کاهش است، و این خود به میلیون‌ها انسان در کشورهایمانند آنگولا، لیبیا و سیرالئون امید بخشیده است.

اصلاحات نهادی در سازمان ملل برای تقویت تشکیلات حقوق بشری، علیرغم تلاش برخی از حکومت‌های بدبین و «سنگ‌انداز» که می‌خواستند مانع آن شوند، آغاز شد.

فراخوان اجرای عدالت در مورد برخی از بدترین جنایات تحت قوانین بین‌المللی در سرتاسر جهان، از آمریکای لاتین تا کشورهای بالکان، نیروی بیشتری یافت. گرچه نظام‌های قضایی فاسد در کشورهای، بی‌اثر و سیاست‌زده هم‌چنان مانعی بزرگ در راه اجرای عدالت هستند، در برخی از نقاط جهان جریان امر بر علیه مصونیت از مجازات شروع شده است. در ۲۰۰۵ کشورهای متعددی تحقیقاتی را در باره کسانی که مظنون به ارتکاب جنایات جنگی و جنایات ضد بشری هستند شروع کردند یا آنان را به محاکمه کشاندند. علیرغم مخالفت آمریکا، پشتیبانی از دادگاه جنایی بین‌المللی افزایش یافته است و مکزیکی صدمین کشوری بود که قرارداد رم مربوط به تأسیس این دادگاه را تصویب کرد. تصمیم شورای امنیت سازمان ملل برای ارجاع مسئله دارفور به دادگاه جنایی بین‌المللی یک رویه مهمی است و رابطه بین امنیت و عدالت را به نمایش می‌گذارد.

مردم عادی برای خواست تأمین حقوق خود و تغییرات سیاسی به خیابان‌ها ریختند. در بولیوی، فقیرترین کشور آمریکای جنوبی، تظاهرات وسیع جوامع بومی، دهقانان و معدنچیان به استعفای رییس جمهور و انتخاب اولین فرد بومی به ریاست کشور منجر شد. حتی حکومت‌های سرکوبگر خود را در برابر تظاهرات عمومی یافتند و مجبور شدند که امتیازاتی بدهند.

کسانی خواهند بود که احساس خوش‌بینی مرا به چالش بکشند. ولی من از این تحولات و، از همه مهمتر، از نمایش فوق‌العاده فعالیت جهانی و همبستگی انسانی از فرای مرزها؛ از انرژی و تعهد

زندانیان از سوی مقامات و کارگزاران آمریکایی، هر جا که باشند، تأکید کرد. نه فقط رییس جمهور تهدید کرد که لایحه را وتو خواهد کرد و بلکه معاون رییس جمهور سعی کرد که آژانس اطلاعاتی مرکزی (سیا) را از قانون مستثنا کند. سیا خود به کاربرد «آب سواری» (غرق کردن مصنوعی) به عنوان یک وسیله بازجویی اذعان کرده است، و دادستان کل ادعا کرد که آمریکا می‌تواند با بازداشتیان در خارج کشور، اگر تبعه آمریکا نباشند، بدرفتاری کند.

در آمریکا، ادعاهای حکومت بوش مبنی بر این که در جنگ علیه تروریسم می‌تواند خود را از ممنوعیت شکنجه و بدرفتاری استثنا کند به صورت مشابهی زیر سؤال رفت. یک اصلاحیه قانونی بر ممنوعیت شکنجه و رفتار فشن، نانسانی و تحقیرکننده همه زندانیان از سوی مقامات و کارگزاران آمریکایی، هر جا که باشند، تأکید کرد. نه فقط رییس جمهور تهدید کرد که لایحه را وتو خواهد کرد و بلکه معاون رییس جمهور سعی کرد که آژانس اطلاعاتی مرکزی (سیا) را از قانون مستثنا کند

در نهایت، رییس جمهور بوش کوتاه آمد و مجبور شد از مخالفت با لایحه دست بردارد. ولی این لایحه نبشی در دم داشت و یک اصلاحیه آن بازداشتیان گوانتانامو را از حق تجدید نظر احضار به دادگاه فدرال محروم کرد و آنان را از تقاضای بازنگری در یک دادگاه در مورد شرایط بازداشت یا رفتاری که با آنان می‌شود باز داشت. در عین حال، کوتاه آمدن علنی رییس جمهور نشانه‌ای از فشارهایی بود که از سوی بخش‌هایی از درون آمریکا و متحدان آن کشور در خارج بر حکومت وارد می‌شود.

حکومت‌های اروپایی در برابر گزارش‌هایی که از نقش آن‌ها به عنوان همکاران پایین رتبه آمریکا در «جنگ با ترور» یکی پس از دیگری پرده بر می‌داشت ناراحت شده بودند. پس از گزارش مطبوعات، حاکی از آن که احتمالاً بین حکومت آمریکا و برخی از حکومت‌های اروپایی در مورد «پایگاه‌های سیاه سیا» - مراکز

اعضای عفو بین‌الملل در سراسر جهان؛ از جمعیت عظیمی که در آستانه کنفرانس سران گروه ۸ برای «به تاریخ سپردن فقر» جمع شدند؛ و از حمایت فراوان مردم عادی از قربانیان سونامی در آسیا، توفان کاترینا در آمریکا و زلزله در کشمیر؛ قوت قلب می‌گیرم. از کشاورزان روستایی که علیه مصادره زمین در چین به اعتراض برخاستند تا زنانی که در دهمین سالگرد کنفرانس جهانی زنان سازمان ملل بر حق خود تأکید کردند، حوادث ۲۰۰۵ نشان داد که اندیشه حقوق بشر - همراه با جنبش جهانی مردمانی که آن را به پیش می‌برند - قویتر و پرتوان‌تر از همیشه است.

شکنجه و ضد تروریسم

موقعی که بمب‌گذاران انتحاری در جولای ۲۰۰۵ در مرکز لندن دست به عملیات زدند، نخست وزیر بریتانیا آقای تونی بلیر با اعلام برنامه‌هایی برای محدود کردن شدید حقوق بشر و نشان دادن این امر به جهان که «قوانین بازی تغییر کرده است» واکنش نشان داد. لرد ستاین، یک قاضی ارشد بازنشسته قضاییه بریتانیا به نحو مناسبی پاسخ داد: «حفظ حاکمیت قانون بازی نیست؛ و بلکه به دسترسی به عدالت، حقوق بشر بنیادین و ارزش‌های دموکراتیک مربوط است».

خوش‌بختانه در پارلمان، برخی از مواد بسیار فاحش قوانین پیشنهادی دولت بریتانیا بیرون انداخته شد. دولت دو بار در ۲۰۰۵ در مورد قانون ضد تروریستی خود شکست خورد - این اولین شکست پارلمانی نخست وزیر بلیر در دوره ۹ ساله حکومتش بود.

قوه قضاییه نیز با حکومت بریتانیا به مقابله برخاست. مجلس اعیان که عالیترین دادگاه کشور است، موضع دولت را مبنی بر این که می‌تواند از اطلاعات به دست آمده زیر شکنجه در کشورهای خارجی به عنوان مدرک در دادگاه‌های بریتانیا استفاده کند رد کرد. در یک مورد دیگر، دادگاه تجدید نظر ادعای دولت را مبنی بر این که نیروهای بریتانیایی در عراق مشمول قوانین حقوق بشری داخلی و بین‌المللی نمی‌شوند رد کرد. دادگاه هم‌چنین حکم صادر کرد که روند بررسی در مورد مرگ زندانیان عراقی در دست افراد نیروهای مسلح بریتانیایی شدیداً کمبود دارد.

در آمریکا، ادعاهای حکومت بوش مبنی بر این که در جنگ علیه تروریسم می‌تواند خود را از ممنوعیت شکنجه و بدرفتاری استثنا کند به صورت مشابهی زیر سؤال رفت. یک اصلاحیه قانونی بر ممنوعیت شکنجه و رفتار فشن، نانسانی و تحقیرکننده همه

بازداشت نگاه دارد. حکومت همچنان تلاش دارد تا برای بازگرداندن افراد به کشورهایی که ممکن است آنان در آنجا با شکنجه روبرو شوند «اطمینان دیپلماتیک» بگیرد.

«ارزش صادراتی» «جنگ با ترور» نیز پایین نیامده است. با تأیید ضمنی یا صریح آمریکا، کشورهایمانند مصر، اردن و یمن همچنان به بازداشت بدون اتهام یا محاکمه افراد مظنون به دست داشتن در تروریسم ادامه می‌دهند.

آنچه که در ۲۰۰۵ با سال‌های پیشین تفاوت کرده این است که، به شکرانه کار مدافعان حقوق بشر و دیگران، برخورد عمومی تغییر کرده است و این به نوبه خود حکومت‌های آمریکا و کشورهای اروپایی را به موضع دفاعی کشانده است. مردم دیگر آماده نیستند که استدلال‌های باطل را مبنی بر این که کاهش آزادی‌ها امنیت ما را بالا می‌برد بپذیرند. حکومت‌ها از سوی قانون‌گذاران، قاضیان و تریبون‌های عمومی به طور روزافزون تحت مؤاخذه قرار می‌گیرند. این نکته بیشتر و بیشتر می‌افتد که نادیده گرفتن حقوق بشر و حکومت قانون به جای این که «جنگ با ترور» را به پیروزی برساند فقط نفرت ایجاد می‌کند و جوامعی را که هدف این اقدامات قرار می‌گیرند به انزوا می‌کشاند، وسیله سوء استفاده افراطی‌ها شده و امنیت مشترک ما را به خطر می‌اندازد. خطوطی، گرچه شکننده، کشیده می‌شود. صداهایی بلند می‌گردد. این از یک نقطه عطف در بحث، و برخوردی اصولی‌تر در مورد حقوق بشر و امنیت در آینده، امید می‌دهد. بر خلاف اظهار نخست وزیر بریتانیا، قواعد بازی عوض نشده است. حکومت‌هایی که با این قواعد اساسی بازی می‌کنند نه به امنیت و نه به حقوق بشر خدمت می‌کنند.

ما باید همچنان و با شدیدترین عبارات ممکن، حملات جبهه‌ها و وحشیانه گروه‌های مسلح به شهروندان غیر نظامی را محکوم کنیم. با شدتی برابر، ما باید در برابر استراتژی‌های احمقانه و خطرناک حکومت‌ها که به دنبال آنند تا با کاربرد شکنجه با ترور مبارزه کنند بایستیم.

ابتکارات اصلاحی

نارضایی روز افزون و انتقادهای شدید از تشکیلات حقوق بشر سازمان ملل نهایتاً باعث شد که حکومت‌ها اصلاحات مهمی را به عنوان بخشی از یک بازاندیشی نقش سازمان ملل در اداره جهانی آغاز کنند.

مخفی بازداشت که بنا به ادعا در قلمرو اروپا ایجاد شده - همدستی وجود داشته است، یک اعتراض عمومی ایجاد شد. شواهد روزافزونی که نشان می‌داد زندانیان به صورت غیرقانونی از طریق فرودگاه‌های اروپایی به کشورهایی منتقل شده‌اند که در آنجا در خطر شکنجه هستند («بازگردانی فوق‌العاده») نیز محکومیت عمومی وسیعی را به دنبال داشت.

خواست بسته شدن مرکز بازداشت خلیج گوانتانامو با ندهای سازمان ملل، نهادهای مختلف اروپایی، و رهبران سیاسی و عقیدتی، از جمله شخصیت‌های برجسته آمریکایی، که فشارهای تازه‌ای وارد می‌کردند، تکانه بزرگتری یافت. چیزی که قبلاً صدای تنهای عفو بین‌الملل در برهوت بود اکنون به نقطه اوج صداهای محکومیت علیه فاحش‌ترین نماد سوء استفاده از قدرت آمریکا تبدیل شده بود. این امر عزم ما را بر ادامه مبارزه تا هنگامی که دولت آمریکا اردوی گوانتانامو را ببندد و واقعیات مربوط به مراکز مخفی بازداشت تحت کنترل خود را برملا کند و حق بازداشتیان را برای محاکمه بر مبنای استانداردهای بین‌المللی یا آزادی آنان بپذیرد تقویت کرده است.

سیا CIA خود به کاربرد «آب سواری» (غرق کردن مهنوعی) به عنوان یک وسیله بازجویی اذعان کرده است، و در استان کل ادعا کرد که آمریکا می‌تواند با بازداشتیان در خارج کشور، اگر تبعه آمریکا نباشند، بدرفتاری کند.

تحولاتی که من نام بردم به معنای آن نیست که حمایت از اقدامات محدودکننده از بین رفته است و یا تعرض به حقوق بشر به نام مبارزه با تروریسم محو شده است. آمریکا کاربرد انواع خاصی از شکنجه یا بدرفتاری را به طور قاطع رد نکرده است. همچنین آمریکا از انجام یک تحقیق مستقل در باره نقش مقامات عالی‌رتبه آمریکایی در بدرفتاری‌هایی که در زندان ابوغریب عراق و جاهای دیگر رخ داده است، علیرغم شواهد روزافزون دال بر دخالت مقامات بالا، خودداری کرده است.

موقعی که دادگاه‌های بریتانیا حکم کردند که بازداشت خارجیان بدون اتهام یا محاکمه خلاف قانون است، حکومت این کشور بلافاصله قانونی گذراند تا بتواند افراد را عملاً در خانه به صورت

بهبتر سازمان ملل برای اقدام در جلوگیری مؤثر از نسل‌کشی‌ها - رد شده یا به کلی به هم خورده است، اهمیت بیشتری می‌یابد. من هم‌چنین از برخی از موفقیت‌های دیگر سال گذشته که کمتر در خیرها آمده است قوت قلب گرفته‌ام. سازمان ملل پیش‌نویس یک میثاق در مورد محافظت همه انسان‌ها از ناپیدا شدن اجباری را برای برخورد به مسئله دستگیری‌ها، بازداشت‌ها، شکنجه و غالباً مرگ زندانیانی که به صورت اعلام نشده به دست عوامل دولتی انجام می‌شود، تکمیل کرد. عفو بین‌الملل که ۳۵ سال پیش پیکاری برای دفاع از «ناپدیدشدگان» را آغاز کرد از این اقدام مهم در حفظ حقوق بشر استقبال می‌کند.

سازمان ملل یک گزارشگر مخصوص برای مسئله حقوق بشر و شرکت‌های فراملیتی و سایر سازمان‌های بازرگانی منصوب کرد. گرچه شرکت‌ها می‌توانند نیرویی مثبت برای توسعه اجتماعی و اقتصادی باشند، ولی همان طور که از خشونت‌های برخاسته به دلیل منافع نفتی و معدنی در جاهایی مانند دلتای نیجر، جمهوری دموکراتیک کنگو و سودان و یا از آمادگی صنعت اطلاعات و فناوری برای همراهی با سیاست‌های محدود کننده آزادی بیان کشور چین بر می‌آید، اثر برخی از عملیات بازرگانی بر حقوق بشر بسیار مخرب است. در عین حال، ترکیبی قدرتمند از منافع سیاسی و بازرگانی موفق شده است در برابر تلاش‌های بین‌المللی برای پیشبرد حساب دهی قانونی بازرگانی در مورد حقوق بشر مقاومت کند. علیرغم بحث‌های پر سر و صدایی که در حول هنجارهای سازمان ملل در مورد بازرگانی و حقوق بشر مطرح است، مسئله حساب‌دهی شرکت‌ها هم‌چنان به صورت قاطع در برنامه بین‌المللی باقی است. با استفاده از تجربه هنجارها، در حال حاضر کار اصلی عبارت از این خواهد بود که موازین و اصول حقوق بشری بین‌المللی مشخصی برای عاملان شرکت‌ها تعیین شود.

حرف و واقعیت

هر نهادی به اندازه اراده سیاسی کسانی که آن‌ها را اداره می‌کنند قدرت پیدا می‌کند. غالباً حکومت‌های قدرتمند نهادهای سازمان ملل و منطقه‌ای را برای پیشبرد منافع ملی محدود خود به کار می‌گیرند. ایالات متحده یک نمونه برجسته آن است، ولی متأسفانه تنها نمونه نیست. کارنامه روسیه در قفقاز و آسیای مرکزی، یا

کشورهای عضو سازمان ملل موافقت کردند که بودجه دفتر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را دو برابر کنند و نقطه کانونی کار آن را بیشتر بر حفظ حقوق بشر از طریق حضور در صحنه متمرکز کنند.

کشورهای عضو تصمیم گرفتند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را که اعتبار خود را از دست داده است به دور اندازند و به جای آن شورای حقوق بشر را بنشانند که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل انتخاب می‌شود و در برابر آن پاسخگو است و می‌تواند همه کشورها و از جمله و در درجه اول اعضای خود را زیر نظر بگیرد. گرچه سازش‌هایی در این مورد صورت گرفت، این پیشنهاد فرصت مهمی برای بهبود تشکیلات حقوق بشری سازمان ملل ایجاد می‌کند. متأسفانه به هنگام نوشتن این گزارش، به دلیل خودداری آمریکا از حمایت از شورا با این توجیه که «کمبودهای» زیادی دارد، آینده آن درهاله‌ای از ابهام فرو رفته است. یک کشور، هرچه قدر هم که قدرتمند باشد، نباید مجاز باشد که یک توافق وسیع جهانی را تضعیف کند. من امیدوارم که سایر حکومت‌ها در برابر فشار آمریکا مقاومت کنند، از قطعنامه حمایت کنند و کار شورا را به راه اندازند.

کشورهایی که در شورای امنیت سازمان ملل بزرگترین مسئولیت را در حفظ امنیت جهانی دارند در ۲۰۰۵ نشان دادند که از جمله آثانی هستند که حاضرند بیش از دیگران کار شورای امنیت را مفلت کنند و نگذارند که این شورا اقدام مؤثری در مورد حقوق بشر انجام دهد. نمونه شفاف این امر موضع‌گیری آمریکا و بریتانیا در مورد عراق، و روسیه و چین در مورد سودان بود.

من از حمایت حکومت‌ها برای تغییر تشکیلات حقوق بشری سازمان ملل قوت قلب گرفته‌ام. این امر با توجه به این که بسیاری از برنامه‌های بلندپروازانه و آینده نگر دبیر کل سازمان ملل برای اصلاح سازمان ملل - از جمله پیشنهادهای مربوط به توسعه عضویت شورای امنیت، تقویت منع گسترش اسلحه و مجهز کردن

اتحادیه باید اراده بیشتری برای مقابله با کوتاهی‌های وحشتناک روسیه در مورد حقوق بشر در چین از خود نشان دهد، و باید همچنین در برابر فشارهای بازرگانی برای رفع تحریم اسلحه به چین مقاومت کند. این تحریم در ابتدا پس از سرکوب خشونت‌بار میدان تیانانمن در سال ۱۹۸۹ برقرار شد تا تعهد اتحادیه اروپا را به ترویج حقوق بشر در چین به نمایش بگذارد. تا موقعی که حکومت چین عقب‌نشینی‌های قابل ملاحظه‌ای در زمینه حقوق بشر نکرده است این تحریم نباید برداشته شود.

دورویی گروه ۸ به خصوص در ۲۰۰۵ برجسته بود. حکومت‌های گروه ۸ ادعا کردند که از بین بردن فقر در آفریقا را در صدر برنامه خود قرار داده‌اند، در حالی که خود هم‌پیمانان از صادرکنندگان عمده اسلحه به حکومت‌های آفریقایی هستند. شش کشور از اعضای گروه ۸ جزو ده کشور بالای صادرکننده اسلحه در سطح جهان هستند، و همه هشت کشور مقادیر زیادی اسلحه معمولی یا اسلحه سبک به کشورهای در حال توسعه صادر می‌کنند.

اتحادیه آفریقا چهارچوب پیشرفته‌ای در مورد حقوق بشر ایجاد کرده است و نقش مهمی در حل بحران توگو بازی کرد، ولی متأسفانه از ظرفیت و اراده سیاسی برای انجام تعهداتش به صورت پیوسته برخوردار نیست. در اثر محدودیت‌های لجستیکی، و سرکشی حکومت سودان و میلشایی مسلح از رعایت قوانین بین‌المللی، ناظران حقوق بشری اتحادیه آفریقا نتوانسته‌اند در دارفور منشأ اثری باشند. اتحادیه هیچ جرأتی برای حل وضع بسیار وحشتناک حقوق بشر در زیمبابوه از خود نشان نداد. همچنین، اتحادیه نتوانست نیجریه یا سنگال را به همکاری با تلاش‌هایی که برای به محاکمه کشاندن رؤسای جمهور پیشین لیبریا و چاد، چارلز تیلور و حسن حبره در جریان بود وادارد. رهبران آفریقا وقتی از هم‌بستگی آفریقایی به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری انجام عدالت و حسابرسی همدیگر به کار می‌گیرند، به خود و مردم آفریقا خدمتی نمی‌کنند. در برابر رخوت بنیادی و همچنین کوتاهی حکومت‌ها، این افکار

بقیه در صفحه ۶

همکاری فزاینده چین با تعدادی از سرکوبگرترین حکومت‌های آفریقا شواهد این مدعا است.

کشورهایی که در شورای امنیت سازمان ملل بزرگترین مسئولیت را در حفظ امنیت جهانی دارند در ۲۰۰۵ نشان دادند که از جمله آنانی هستند که حاضرند بیش از دیگران کار شورای امنیت را مختل کنند و نگذارند که این شورا اقدام مؤثری در مورد حقوق بشر انجام دهد. نمونه شاخص این امر موضع‌گیری آمریکا و بریتانیا در مورد عراق، و روسیه و چین در مورد سودان بود. آنان گویا این درس تاریخ را به فراموشی سپرده‌اند که راه تقویت امنیت جهانی از احترام به حقوق بشر می‌گذرد.

دورویی گروه ۸ به خصوص در ۲۰۰۵ برجسته بود. حکومت‌های گروه ۸ ادعا کردند که از بین بردن فقر در آفریقا را در صدر برنامه خود قرار داده‌اند، در حالی که خود هم‌چنان از صادرکنندگان عمده اسلحه به حکومت‌های آفریقایی هستند. شش کشور از اعضای گروه ۸ جزو ده کشور بالای صادرکننده اسلحه در سطح جهان هستند، و همه هشت کشور مقادیر زیادی اسلحه معمولی یا اسلحه سبک به کشورهای در حال توسعه صادر می‌کنند. این امر باید مسئولیت خاصی بر دوش گروه ۸ بگذارد که نظامی مؤثر برای کنترل انتقال اسلحه در جهان ایجاد کند. اما، علیرغم فشار از طرف حکومت بریتانیا، رهبران گروه ۸ در کنفرانس سران در گلینینگل در مورد نیاز به یک قرارداد تجارت اسلحه توافق نکردند.

با این وجود، فراخوان برای یک قرارداد جهانی به منظور کنترل سلاح‌های سبک دست کم از حمایت ۵۰ کشور در جهان برخوردار شده است. پیام این پیکار، که مشترکا به وسیله عفو بین‌الملل، آکسفام و شبکه جهانی اقدام در مورد سلاح‌های سبک رهبری می‌شود، روشن است: تجارت اسلحه خارج از کنترل است و باید به فوریت تحت کنترل درآید.

در مورد نهادهای منطقه‌ای، من از این که اتحادیه اروپا عمدتاً در باره حقوق بشر خاموش می‌ماند متأسفم. این اتحادیه اگر وقتی با سوء رفتار حقوق بشری به وسیله شریکان تجاری خود روبرو می‌شود سر خود را مشترکا زیر برف کند یا چشمانش را در برابر سیاست‌ها و کردارهای اعضای خود در مورد پناهندگان و پناهیجویان و مبارزه با تروریسم ببندد، نمی‌تواند اعتبار حقوق بشری خود را حفظ کند و یا مواضع بالای اخلاقی را اشغال نماید.

علی افشاری - محسن سازگارا - اکبر عطری

بی لیاقتی پشت بی لیاقتی

به نام خدا- در جمهوری اسلامی معلوم نیست رهبری چه نوع اشتباهی باید مرتکب شود تا مضمول حکم عدم لیاقت گردد! و از کار خود برکنار شود؟ در هفته ای که گذشت سه بی لیاقتی از سوی رهبری و عوامل تحت امرش منجر به سه حادثه بحرانی گردید که یکی از آنها در ابعادی بزرگ و خون آلود ملتی را به عزا نشانده. نخستین بی لیاقتی در دانشگاه امیر کبیر توسط عوامل امنیتی و نمایندگی رهبری شکل گرفت. اینان با اخلال در روند برگزاری انتخابات انجمن اسلامی منتخب دانشجویان و تمهید مقدمات برای مراسم نمایشی دفن شهدا در دانشگاه که در واقع سوء استفاده آشکار از شهداء برای سرکوب دانشجویان و توهین به تمامی شهداء و خانواده های گرامی آنان است، اعتراضات دانشجویان را برانگیختند. تظاهرات دانشجویان حسب معمول با نمایش قدرت بسیج و تهدید آنان مواجه شد. اما اتحاد و یکپارچگی و واکنش محکم دانشجویان آنها را متواری ساخت. آنگاه دانشجویان به عنوان اعتراض دفتر نهاد نمایندگی رهبری را تسخیر کردند و خواهان پاسخگویی مقامات و بخصوص شخص رهبری برای توهین به حریم دانشجو و دانشگاه شدند. این حرکت دانشجویان بلافاصله با عقب نشینی مقامات مواجه شد و از خیر آن مراسم توهین آمیز دفن شهدا هم گذشتند. رهبری باید پاسخگویی اصلی می بود که پاسخی نداشت و نداد.

حادثه دوم به دانشگاه تهران بر می گردد. در این دانشگاه که فردی روحانی و غیردانشگاهی به ریاست منصوب شده تا بیش از پیش استقلال دانشگاه را فدای خواسته های نیروهای امنیتی بکند، ۹ نفر از اساتید با سابقه و بعضا مخالف وضع موجود را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی به بهانه بازنشستگی از کار برکنار کردند. این عمل بلافاصله با اعتراض دانشجویان مواجه شد و وقتی دامنه این اعتراضات به کوی دانشگاه تهران کشید، حسب معمول نیروهای پیراهن شخصی و گروه های سرکوب گر شبه فاشیستی که مستقیما زیر نظر رهبر هدایت می شوند به تجمع دانشجویان حمله کردند، نزدیک بود که دوباره حمله آنان فاجعه ۱۸ تیر را تکرار کند اما این بار مقاومت سازمان دهی شده دانشجویان، لباس شخصی ها را وادار به فرار کرد. حاصل این رویارویی ده ها زخمی و کشته در کوی دانشگاه تهران بود. شعار های دانشجویان

علیه رهبری زبان حال ملتی بود که جاننش از زور گویی عوامل حکومت به ستوه رسیده و راه صلح آمیز برای انتقاد و اعتراض قانونی و عزل حاکمان بخصوص شخص رهبری را ندارد.

اما حادثه سوم به لحاظ بزرگی و ابعاد در تمامی تاریخ جمهوری اسلامی کم سابقه است. وقتی کاریکاتوری توهین آمیز نسبت به هموطنان ترک زبان در روزنامه دولتی ایران به چاپ رسید. ابتدا با اعتراض گسترده دانشجویان ترک در دانشگاه های سراسر کشور مواجه شد و آنگاه به تدریج تمامی شهرهای بزرگ و کوچک استان های زنجان و آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل و پاره ای از نقاط دیگر کشور به این اعتراض پیوستند. پاسخ مناسب به این اعتراضات، استعفای وزیر ارشاد و عذرخواهی رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت از مردم ترک زبان کشور بود. اما بلافاصله عوامل رهبری بحران را گسترش دادند. رهبری و عواملش دوباره تصمیم داشتند که سیاست مشت آهنین را تکرار کنند. رهبر معتقد است نباید به مردم رو داد چون در این صورت خواسته های بعدی را مطرح می کنند لابد انتهای خواست معقول و منطقی عزل و استعفای رهبری است. لذا تصمیم به سرکوب و چنگ و دندان نشان دادن به ملت گرفت. غافل از آنکه وقتی این مشت آهنین بر سندان پولادین یک ملت کوبیده شود، تو خالی از آب در می آید. ابتدا کاریکاتور بی گناه و یک روزنامه نگار بخت برگشته بازداشت شدند. آنگاه به مقابله و سرکوب ملت پرداختند. این کار بی خردانه در نقده به خون کشیده شد و ۱۳ نفر از مردم جان باختند. در سیستان و بلوچستان و کرمان گزارشها از کشته شدن و زخمی شدن ده ها نفر و بازداشت جمع کثیری حکایت می کنند. حسب معمول سانسور رادیو و تلویزیون و روزنامه ها و رسانه های خبری از اطلاع رسانی مردم جلوگیری می کنند. همان روش قدیمی استفاده از گروهی لباس شخصی و مزدور حکومتی برای سرکوب مردم در اینجا هم به کار گرفته شد. اما این بار با مقابله مردم، لباس شخصی ها مجبور به فرار شدند، ماشین تبلیغاتی رهبری شروع به اتهام زنی به مردم ترک زبان کرده و جالب تر آنکه در شرایطی دم از ملی بودن و تمامیت ارضی کشور می زند که نه رهبری و نه هیچ یک از دست اندر کاران حکومت تاکنون نشان نداده اند دلی در گرو ایران و ایرانیت دارند بخصوص رهبری که با سیاست نگاه به شرق که به وزارت خارجه ابلاغ کرده، نشان داده به چه راحتی دریای خزر را دو دستی تقدیم روسها می کند. او

دهند. او پاسخ جالبی داد و گفت "اعلیحضرت یک عمر به این مردم دهن کجی کردند حالا مردم به شما دارند دهن کجی می کنند". مقام رهبری ۱۷ سال است چشمش را بر خواسته های مردم بسته و گوشش را گرفته تا نشنود و به مردم دهن کجی می کند. ماشین سرکوبی درست کرده تا هر صدای مخالفی را خاموش کند. فکر می کند یک تنه به اندازه همه عالم و آدم می فهمد و مردم فقط باید همچون یک گله گوسفند مطیع منتظر رهنمودها و تحلیل های مقام رهبری باشند. گروهی بله قربان گو و کوتوله دور و بر خودش جمع کرده تا هرچه گفت بگویند سمعا و طاعتا. فرمایشات پیامبر گونه کردید و به چشم انجام می دهید و عده ای را هم بسیج کرده با اتوبوس به این طرف و آن طرف بروند و به نفعش شعار دهند و به مردم جمله کنند. می گویند وقتی اسکندر ایران را فتح کرد و به معلمش ارسطو نامه نوشت که چه صلاح می دانی من تمام مدیران این کشور بزرگ را جمع کنم و یک شبه همه آنان را بکشم و آدم های خودم را در تمام کار های کشور بگمارم تا بتوانم همه امور را در دستان خود بگیرم. ارسطو به او جواب داد هرگز این کار را نکن چون اولاً در تاریخ این ننگ برای تو باقی می ماند که بزرگان یک کشور را کشتی و ثانیاً وقتی این کار را کردی ناچار می شوی کارهای بزرگ را به دست آدم های کوچک بدهی و آنگاه آن مملکت خراب و ویران می شود و دیگر کشوری باقی نمی ماند تا تو به ریاستش دلخوش باشی. بدبختی ما اینست که مقام رهبری ما تاریخ نمی خواند و اگر هم بخواند چیزی یاد نمی گیرد چون خود را عقل کل و ده ها بار بهتر از ارسطو می داند ظاهراً او نیازی به نصیحت و شنیدن اندرز دیگران ندارد.

باید از مقام رهبری پرسید که آیا این دولت کوتوله و مجلس دست نشانده ای که درست کرده، در مواجهه با این بحران می توانند کار عاقلانه و مدبرانه ای بکنند یا همچون وزیر کشور خون ریز ایشان تنها سیاستی که بلد هستند سرکوب و آدم کشی و زندان هست. شعار او اینست که "هر ایرانی یک زندان داشته باشد". باید از مقام رهبری پرسید که چرا رئیس جمهوری منصوب او که انشاءهای بی سر و ته برای مقامات دنیا می نویسد و در شهرستان های مختلف شوهای تبلیغاتی می گذارد و وعده های صدمن یک غاز می دهد، الان به آذربایجان و شهرهای محنت زده ترک زبان کشور مسافرت نمی کند؟ چرا به نقده نمی رود تا ببیند

حاضر است برای حفظ خود با دادن امتیازات متعدد به روس ها و افزایش پرچم آنها بر سر در حکومت و بیت خودش خود را تحت الحمایه یک قدرت خارجی قرار دهد. وقتی حکومتی با ملت خودش قهر می کند و رو در روی آنها می ایستد، چاره ای جز تکیه به اجنبی نخواهد داشت.

حکایت اعتراض مردم ترک زبان کشور در واقع درد مشترک کردها، بلوچ ها، ترکمن ها و بالاخره تمامی فارس های کشور است. مردم ناراضی و خسته هستند، خسته از توهین های روزانه به شعور و عقلشان، خسته از بیکاری و گرسنگی، خسته از سرکوب و اختناق، خسته از تجاوز به حریم زندگیشان و دهها نارضایتی دیگر. مسئله قومیت ها یکی از مهمترین مسائل امروز جامعه ایران است و دستیابی به حقوق اقوام مختلف در چهارچوب خانواده بزرگ ملت ایران از اولویت های مهم جنبش اجتماعی مردم ایران است. شکل گیری ساختار دموکراتیک و غیرمتمرکز مناسب ترین راهکاری است که به ناملایمات موجود در حوزه قومیت ها پایان می دهد. ۱۷ سال است که آقای خامنه ای غرق در اوهام خودش مشغول جنگ با دشمن خیالی جهانی است. هر مخالف و ناراضی را با مارک و اتهام جاسوسی و مزدور خارجی دستگیر و سرکوب می کند. حتی اگر کسی نظری غیر از او داشته باشد هم با همین اتهام مواجه می شود. این مالیخولیای "دشمن بازی" تبدیل به بیماری مفرط و پارانوئیبی شده که در تاریخ ایران به بیماری شاهان معروف است. او به زمین و زمان مشکوک است. پشت هر نوشته و کتاب و نمایشنامه و سخنرانی و اعتراضی دست دشمن عجیب و غریبی که ساخته و پرداخته ذهن بیمار او است، می بیند. و البته هزینه این بیماری را نیز ملت ایران با دستگیری، زندان، شکنجه و کشتار می پردازد. نادر شاه در اواخر عمرش همین بیماری را گرفته بود و دمار از روزگار ملت ایران در آورد تا جایی که بالاخره سردارانش او را کشتند و ملت نفس راحتی کشید. به همین دلیل مقام رهبری ما از این ترس فرماندهان قشون را دائماً تعویض می کند. غافل از آنکه از دست سرنوشت نمی تواند فرار کند. و آنچه در حق مردم بدی کرده گریبانش را خواهد گرفت. محمد رضا شاه پهلوی در آبان سال ۵۷ وقتی که از اعتراضات مردم مستاصل شده بود به سراغ مخالفین خودش رقت و از آنها پرسید که چرا وضع اینجوری شده و از آنها کمک خواست. معروف است که وقتی از دکتر امینی پرسید که چرا مردم علیه او شعار می

و مدیریت سالم و عقلایی خارج می شود، راهی برای عزل او نداریم. تنها چاره کشور فشار بر حکومت از راه اعتراضات مدنی و مسالمت آمیز است تا بتوان در نهایت از طریق یک همه پرسی با نظارت نهادهای بین المللی و بی طرف تکلیف این نظام و رهبری آن را معلوم کرد. حرف و سؤال بسیار است اما لاجرم باید قلم در کشید. طولانی شدن این مطلب یکی به این دلیل است که هر قسمت آن با نظر بخشی از دوستان ما در ایران نوشته شده است که در حال حاضر از ترس جو دستگاه امنیتی رهبری صلاح نمی دانند که اسم خود را زیر این نوشته بگذارند ولی حال که ما سه نفر موقتا خارج از ایران و دور از دسترس بازجویان و امنیتی های قوه قضائیه رهبری هستیم از ما خواسته اند تا حرف دل آنها را بنویسیم و امضا کنیم. والسلام

بقیه از صفحه ۲۰

کل، کنفرانسی تحت نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه ای که به اکثریت آرای کشورهای عضو حاضر و رای دهنده در کنفرانس پذیرفته شود (آن اصلاحیه) برای تصویب به مجمع عمومی ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲- اصلاحیه ها زمانی قدرت اجرایی پیدا خواهند کرد که به تصویب مجمع عمومی ملل متحد و پذیرش (رای اکثریت) دو سوم کشورهای عضو این پروتکل و مطابق پروسه قانونی آن کشورها پذیرفته شده باشد.

۳- هنگامیکه این اصلاحیه ها قدرت اجرایی پیدا کردند برای کشورهای آنرا پذیرفته اند، الزامی خواهد شد. دیگر کشورهای عضو کماکان به مقررات این پروتکل و هر اصلاحیه قبلی که پذیرفته اند، ملزم خواهند بود.

ماده دوازدهم

۱- هر کشور عضو می تواند هر زمان خاتمه (عضویت) خود را به این پروتکل بوسیله یادداشت کتبی خطاب به دبیر کل سازمان ملل، اعلان دارد. خاتمه عضویت سه ماه پس از تاریخ وصول یادداشت به دبیر کل اجرا میشود.

۲- خاتمه عضویت (خروج از میثاق) به ادامه اجرای مقررات این پروتکل و هر شکایتی که بموجب ماده ۲ قبل از تاریخ به اجرا درآمدن خاتمه عضویت، ارائه شده باشد، خللی وارد نمی کند

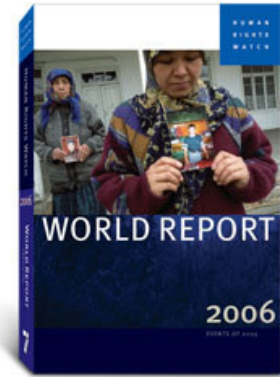
بقیه در صفحه ۲۹

ماده سیزدهم

چگونه مردم را از دم تیغ گذرانده اند؟ چرا بدتر از سلف خود که در بحران های کشور یا ساکت بود یا غایب صدایش در نمی آید؟ به راستی رهبری و رئیس جمهور منتخبش جرات می کنند در همین تهران به یکی از دانشگاه ها بروند و به سئوالات دانشجویان بخصوص دانشجویان ترک زبان پاسخ بدهند. البته به دانشجویان واقعی نه دانشجویان وارداتی که مقام رهبری با اتوبوس از این دانشگاه به آن دانشگاه دنبال خودش می کشید و سالن را از آنها پر می کرد. دانشجویان واقعی هم ناچار می شدند که کارت عضویت آنها در بسیج را به در و دیوار دانشگاه بزنند.

اگر در هر کجای دنیای دموکراتیک بود با بی لیاقتی هایی بسیار کمتر از این هم رئیس حکومت استیضاح و ناچار از استعفا می شد. اما متأسفانه به موجب قانون اساسی فعلی کشور، رهبری همچون قمری است که وقتی از مدار زمین خارج شد، کسی به او دسترسی ندارد. یک بار که رهبر شد، کسی نمی تواند او را عزل کند. مجلس خبرگان هم که اسما مسئول این کار است، بدلیل آنکه از فیلتر شورای نگهبان منصوب رهبری رد شده، یک کاسه مطیع و فرمانبردار رهبری و منتظر رهنود های او است. جالب است که این مجلس بی خاصیت تاکنون برای نمونه و لااقل دلخوش کردن مردم، حتی یک سؤال هم از این همه ندانم کاری و خرابکاری رهبری نکرده است. واقعا مگر می شود رهبری که این همه سازمان و تشکیلات مملکت از رادیو و تلویزیون تا سپاه، از ارتش تا نیروی انتظامی از قوه قضائیه تا بنیاد مستضعفان و ده ها سازمان ریز و درشت دیگر مستقیما و به موجب قانون زیر نظر اوست. در طی ۱۷ سال، حتی یک اشتباه هم نکرده باشد؟ واقعا چگونه است این آقایان روحانی که آبروی خودشان را با عضویت در مجلس خبرگان برده اند، حتی زحمت یک سؤال از رهبری را هم تا کنون به خود نداده اند؟ در همین ماجرای سرکوب هم وطنان ترک زبانمان آیا نباید پرسید که چرا حداقل نمایندگان آذربایجان در مجلس خبرگان از رهبری یک سؤال علنی نمی کنند؟ درست است که مجلس خبرگان از وکلای سفارشی و فرمایشی مقام رهبری پر شده است ولی حداقل از باب انسانیت و آزادگی انسانی هم که شده یک وکیل فرمایشی هم می تواند با هموطنان هم زبانش همدردی کند و بپرسد که آخر چرا؟ این چنین است که رهبری که به موجب قانون اساسی تمام اختیارات مملکت را بدست دارد و به هیچکس هم پاسخگو نیست، وقتی از دایره عدالت

گزارش سالانه ۲۰۰۶ عفو بین‌الملل در مورد ایران



- جمهوری اسلامی ایران
- رهبر کشور: رهبر
جمهوری اسلامی ایران:
آیت الله سید علی خامنه ای
- رئیس دولت: دکتر
محمود احمدی نژاد (در ماه
اوت جانشین حجت‌الاسلام
والمسلمین سید محمود
خاتمی شد) - مجازات
مرگ: امضاء کرده است -

ادگاه بین المللی جنایی: ملحق شده است - کنوانسیون سازمان ملل متحد و پروتکل اختیاری آن: امضاء نکرده است

در پی محاکمه‌های غیر منصفانه در سال‌های گذشته شمار قابل توجهی از زندانیان سیاسی، از جمله زندانیان عقیدتی همچنان حبس‌های طولی‌مدت را در زندان می‌گذرانند. در سال ۲۰۰۵، صدها نفر دیگر و بیشتر در ارتباط با نا آرامی‌های مدنی در مناطقی که جمعیت اقلیت‌ها زیاد است دستگیر شدند. نویسندگان سایت‌های اینترنتی و فعالان حقوق بشر از جمله کسانی بودند که به طور خود سرانه و بدون این که دسترسی به فامیل یا وکیل داشته باشند دستگیر شده و غالباً در بدو امر در بازداشتگاه‌های مخفی نگاهداری می‌شدند. اعمال شکنجه همچنان رایج بود. دست کم ۹۴ نفر اعدام شدند از جمله دست کم ۸ نفر که در حین ارتکاب جرم انتسابی کمتر از ۱۸ سال داشتند. مجازات شلاق در موارد متعدد به اجرا درآمد. تصور می‌شود شمار واقعی کسانی که اعدام شده یا تنبیهات بدنی در مورد آنان اعمال شده به مراتب بیشتر از مواردی باشد که گزارش شده است.

سابقه

تا هنگام انتخاب یک رئیس جمهور جدید در ماه ژوئن، بن بست سیاسی همچنان ادامه داشت. شورای نگهبان که وظیفه تایید صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری را به عهده دارد و قوانین و سیاست‌ها را برای تضمین حفظ اصول اسلام و قانون اساسی بررسی می‌کند ۱۰۰۰ کاندیدای ریاست جمهوری را فاقد صلاحیت اعلام کرد. براساس رویه تبعیض آمیز موسوم به گزینش تمام ۸۹ کاندیدای زن به خاطر جنسیت کنار گذاشته شدند. گزارش شده که در جریان تظاهرات کسانی که علیه انتخابات شعاری دادند، عده‌ای دستگیر شده‌اند. در جریان انفجارهای بمب قبل از انتخابات،

در حدود ۱۰ نفر در تهران و اهواز کشته شدند و در جریان انفجار یک بمب در ماه اکتبر در اهواز ۶ نفر دیگر به قتل رسیدند. مقامات با مخالفت‌های مسلحانه از جانب کردها و گروه‌های دیگر روبرو شدند. انتخاب دکتر محمود احمدی نژاد عضو سابق نیروهای ویژه سپاه پاسداران، به عنوان رئیس جمهور در ماه اوت به کنار گذاشتن کامل طرفداران اصلاحات از روند سیاسی انجامید و سبب تمرکز قدرت در دستگاه آیت الله سید علی خامنه‌ای رهبر مذهبی کشور شد. در ماه اکتبر رهبر مذهبی ایران بخشی از اختیارات نظارتی خود بر دولت را به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار کرد که ریاست آن با حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، کاندیدای شکست خورده در انتخابات ریاست جمهوری بود.

مسئله حقوق بشر و برنامه هسته‌ای ایران سبب شد که تنش‌ها در روابط ایران با جامعه بین‌المللی، بر سر حقوق بشر و برنامه هسته‌ای ایران افزایش یابد. به خصوص پس از آنکه ایران در ماه اوت اعلام کرد که برنامه غنی سازی اورانیوم برای مصارف غیرنظامی را از سر می‌گیرد. ایران دولت‌های خارجی به خصوص آمریکا و بریتانیا را متهم کرد که نا آرامی‌ها در مناطق مرزی را برمی‌انگیزند. بریتانیا نیز ایران را متهم کرد که به فعالیت‌های ضد بریتانیایی شورشیان در عراق کمک می‌کند. تنش‌های دیپلماتیک سبب شد که مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا درباره حقوق بشر به حال تعلیق درآید. در ماه دسامبر مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در محکوم کردن ایران در ارتباط با وضعیت حقوق بشر صادر کرد.

سرکوب کردن اقلیت‌ها

قوانین تبعیض آمیز و اجرای آن همچنان عامل ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی و نقض حقوق بشر در ایران بخصوص علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی بود. در ماه ژوئیه گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حقوق برخورداری از مسکن مناسب، از ایران دیدن کرد. مشاهدات او حاکی از این بود که در توزیع امکانات و دسترسی برابر به مسکن - آب - و تسهیلات بهداشتی در مناطقی که اقلیت‌ها در آنجا زندگی می‌کنند تبعیض گذاشته می‌شود.

عرب‌ها

در ماه آوریل، در جریان زد و خورد پلیس و تظاهرکنندگان در شهر اهواز و سایر نقاط استان خوزستان، دست کم ۳۱ نفر کشته و صدها نفر مجروح شدند. صدها نفر نیز بازداشت شدند.

نیز دستگیر شدند. در جریان زد خورد‌های بیشتر در ماه‌های اکتبر و نوامبر دست کم یک نفر به نام شورش امیری کشته و چندین نفر زخمی و عده‌ای نیز دستگیر شدند.

× دکتر رویا طلوعی، یک فعال حقوق بشر زن و دو روزنامه‌نگار به نام‌های اجلال قوامی و ساعد سعیدی، از جمله کردهایی بودند که در ماه اوت دستگیر شدند. تمام دستگیرشدگان با پرداخت وثیقه در ماه اکتبر آزاد شدند و به قرار گزارشات با اتهامات سیاسی که می‌تواند مجازات مرگ داشته باشد روبرو هستند.

اقلیت‌های مذهبی

اعضای اقلیت‌های مذهبی ایران صرفاً به خاطر مذهبشان دستگیر شده‌اند.

× حمید پورمند که ۲۵ سال قبل از اسلام به مسیحیت گرویده بود، در ماه فوریه به اتهام فریب دادن نیروهای مسلح ایران در ارتباط با مذهبش و "اقدامات علیه امنیت ملی" توسط یک دادگاه نظامی به سه سال حبس محکوم گردید. در ماه مه او از اتهام ارتداد تبرئه شد.

× دست کم ۶۶ بهایی دستگیر شده و در پایان سال هنوز دو نفر از آنان در زندان بودند. مهران کوثری و بهرام مشهدی در ارتباط با یک نامه سرگشاده به محمد خاتمی در نوامبر ۲۰۰۴ به ترتیب به سه سال و یک سال زندان محکوم شدند.

مدافعان حقوق بشر

روند ثبت نام برای سازمان‌های مستقل غیر دولتی، همچنان مانعی برای نتیجه بخش بودن فعالیت‌های این سازمانها بود و فعالان حقوق بشر همچنان با خطر اقدامات تلافی جویانه در ارتباط با کارشان روبرو بودند.

× در ماه ژوئیه، عبدالفتاح سلطانی وکیل دادگستری و یکی از موسسین مرکز دفاع از حقوق بشر، دستگیر شد. به قرار گزارشات، وی متهم به فاش کردن "اطلاعات مخفی و محرمانه ملی، در ارتباط با دفاع از یک پرونده جاسوسی شده است. وی تا پایان سال با تماس محدود با خانواده اش وبدون هیچگونه تماسی با وکیلش همچنان در بازداشت بود.

× اکبر گنجی یک زندانی عقیدتی و روزنامه نگار محقق که دست داشتن مقامات دولتی در قتل روشنفکران و روزنامه نگاران در دهه ۱۹۹۰ را برملا کرد، همچنان به گذراندن دوره محکومیت ۶ سال زندان ادامه داد. او در ارتباط با اتهاماتی که مبهم بود از

تظاهرکنندگان علیه نامه‌ای شعار میدادند که گفته می‌شد یکی از مشاوران رئیس جمهور نوشته بود و در آن سیاست‌هایی به منظور کاهش جمعیت عرب خوزستان پیشنهاد شده بود. البته مشاور رئیس جمهور نامه را جعلی خواند. موج دستگیریها در سراسر سال ادامه داشت بخصوص پس از انفجارهای بمب در اهواز در ماه‌های ژوئن و اکتبر و حملات به تاسیسات نفتی در ماه‌های سپتامبر و اکتبر.

× دست کم ۸۱ نفر در ماه نوامبر، هنگامی که در یک اجتماع فرهنگی عرب که مهائیس خوانده می‌شود، دستگیر شدند. از جمله دستگیرشدگان زهرا ناصر- طرفی، مدیر مرکز فرهنگی الامجد اهواز بود که به قرار گزارشات قبل از اینکه با پرداخت وثیقه تاهنگام محاکمه آزاد شود، در بازداشت شکنجه و کتک خورده و تهدید به اعدام- تجاوز جنسی و سایر سوء رفتارهای جنسی شده بود.

ترک‌های آذری

در پایان ماه ژوئن، عده زیادی از ترک‌های آذری که در مراسم سالانه فرهنگی در قلعه بابک در کلیبر، شرکت کرده بودند دستگیر شدند. دست کم ۲۱ نفر از این عده به حبس‌های ۳ ماه تا یک سال که بعضی از آنها حبس تعلیقی بود محکوم شدند. عده‌ای هم برای ۱۰ سال از آمدن به کلیبر محروم شدند.

× عباس لیسانی، یک قصاب ترک آذری، در جریان حادثه قلعه بابک دستگیر شد. وی در ماه ژوئیه با پرداخت وثیقه آزاد شد. در ماه اوت او به یک سال زندان به صورت تبعید داخلی محکوم گردید. جرم وی "اشاعه تبلیغات" و "مشوب کردن اذهان عمومی" خوانده شد. گفته می‌شود او تقاضای تجدید نظر در حکم را کرده است.

کردها

در ماه ژوئن، زد و خورد بین نیروهای امنیتی و کردهایی که اتفاقات عراق را جشن گرفته بودند زخمی شدن مامورین پلیس و دستگیری دهها تظاهر کننده انجامید. در ماه ژوئیه، پس از آنکه نیروهای ایرانی شوانه قادری، یک فعال مخالف کرد را به ضرب گلوله کشتند و به قرار گزارشات جسد او را که در پشت یک جیب به زمین کشیده می‌شد در خیابانها گرداندند هزاران کرد در اعتراض به خیابانها ریختند. به قرار گزارشات نیروهای امنیتی ۲۱ نفر را کشته و عده زیادی را مجروح کردند. دست کم ۱۹۰ نفر

در سال ۲۰۰۵، دست کم ۹۴ نفر از جمله حد اقل ۸ نفر که هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشتند اعدام شدند. شمار زیادی هم محکوم به مرگ شدند از جمله دست کم ۱۱ نفر که زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشتند. رقم واقعی ممکن است که به مراتب بیشتر باشد. مجازات مرگ همچنان برای جرایمی که با کلمات مبهم توضیح داده می‌شد مانند "فساد در زمین" ادامه داشت.

× در ماه اکتبر، یک زن طبق گزارشات محکوم به مرگ با سنگسار گردید اگرچه در سال ۲۰۰۲ صدور حکم سنگسار موقتا متوقف شده بود. در ژانویه کمیسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد، ایران را ترغیب کرد که بلافاصله اعدام جوانانی که هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشتند را به حال تعلیق درآورد. با وجود اینکه ایران گفته بود که مجازات مرگ برای مجرمین زیر ۱۸ سال را موقتا متوقف می‌کند ایمان فرخی در همان روزی که کمیسیون به گزارش ایران رسیدگی می‌کرد اعدام شد. هنگامی که گفته می‌شد او یک سرباز را در درگیری کشته، تنها ۱۷ سال داشت. در پی اعتراضات داخلی و بین المللی، مجازات برخی از زنان و مردانی که هنگام ارتکاب جرمی که به آنها نسبت داده شده بود کمتر از ۱۸ سال داشتند لغو شد یا به حال تعلیق درآمد.

آزادی بیان و اجتماعات

آزادی بیان و اجتماعات همچنان به شدت محدود بود. روزنامه‌نگاران و وبلاگ نویسان بازداشت و زندانی شده و روزنامه‌ها بسته شد. خانواده‌های بازداشتی‌ها یا کسانی که مقامات در تعقیب آنها بودند همچنان با خطر آزار و اذواء یا ارباب روبرو بودند. در ماه اکتبر، دادگاه‌های مطبوعاتی دوباره به راه افتادند که از سه قاضی و یک هیئت منصفه که قوه قضائیه انتخاب می‌کرد تشکیل می‌شد. برخی از تشکیلات روزنامه نگاران از ترکیب هیئت منصفه انتقاد می‌کردند.

× در ماه ژانویه، محمدرضا نسب عبداللهی، دانشجویی که برای حقوق بشر مبارزه می‌کرد و سردبیر یک روزنامه بود به اتهام "توهین به رهبر کشور و پروپاگاندای ضد دولتی" به ۶ ماه حبس محکوم شد. وی در ماه اوت آزاد شد. همسر باردار او نجمه امیدپرور، در ماه مارس به خاطر گذاشتن پیامی در وبلاگ خود که ظاهرا محمد رضا عبداللهی قبل از دستگیری نوشته بود ۲۴ روز زندانی شد.

حقوق زنان

جمله "اقدام علیه امنیت ملی" مجرم شناخته شده بود. در پی اعتصاب غذای وی که در اعتراض به محروم بودن از مداوای پزشکی مستقل در خارج از زندان بود در ماه ژوئیه او موقتا از زندان آزاد شد. در ماه سپتامبر او به زندان بازگشت و برای ۶ هفته در زندان انفرادی بود. همسر او می‌گوید که اکبر گنجی را نیروهای امنیتی در بیمارستان کتک زده‌اند.

اعمال شکنجه و تنبیهات ظالمانه - غیرانسانی و خفت‌آور

در بسیاری از زندانها و بازداشتگاه‌ها شکنجه همچنان یک موضوع عادی بود. دست کم ۵ نفر در بازداشت جان خود را از دست دادند. در بعضی از این موارد شکنجه یا بد رفتاری ممکن است موجب مرگ شده باشد. محروم نگاهداشتن زندانیان سیاسی از مداوای پزشکی برای تحت فشار قرار دادن بیشتر آنان به طور فزاینده‌ای دیده می‌شد. در ماه ژوئیه در یک گزارش قوه قضائیه، موارد نقض حقوق بشر از جمله شکنجه زندانیان و بازداشتی‌ها با جزئیات شرح داده شد. در این گزارش گفته شد که تدابیری برای رفع این مشکلات اتخاذ شده است ولی توضیح بیشتری داده نشد.

× در ماه سپتامبر، آرزو سیاهی شهریور، که عکاس است به اتفاق ۱۴ زن دیگر که در مراسم یادبود "کشتاردر زندان" اوین در تهران در سال ۱۹۸۸ شرکت کرده بودند دستگیر شدند. در این زندان هزارها زندان سیاسی اعدام شده‌اند. آرزو شهریور، را در حین بازداشت از سقف به طور معلق آویزان کرده و با سیم برق شلاق زده و به او تجاوز جنسی کردند. یک مرد اهل شیراز در سال ۲۰۰۴ به اتهام فعالیت‌های همجنس گرایانه به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شد. گفته می‌شود که این مرد شکنجه شده و نیروهای امنیتی او را تهدید به مرگ کرده بودند.

دست کم سه مورد حکم قطع عضو به اجرا گذاشته شد. برای دادگاه‌ها صدور حکم مجازات شلاق همچنان یک رویه عادی باقی ماند.

تازه ترین اطلاعات درباره زهرا کاظمی

در ماه نوامبر، دادگاه تجد نظر حکم تبرئه یک مقام وزارت اطلاعات را که متهم به قتل زهرا کاظمی روزنامه نگار و عکاس ایرانی - کانادایی، در حین بازداشت در ژوئیه ۲۰۰۳ شده بود را ابرام کرد. انجام تحقیقات تازه درباره قتل اعلام شد.

مجازات مرگ

دارفور، توجهات گهگاهی و اقدام ضعیف سازمان ملل و اتحادیه آفریقا به طور رقت‌انگیزی پایین‌تر از حد نیاز بوده است.» در سال ۲۰۰۵، عراق در گردایی از خشونت فرقه‌ای فرو رفت. خانم خان اظهار کرد: «وقتی قدرتمندان آن قدر به خود مغرورند که استراتژی خود را مورد ارزیابی مجدد قرار نمی‌دهند، سنگین‌ترین بهای آن را تهیستان و بی‌قدرتان می‌پردازند - در این مورد زنان و مردان معمولی و کودکان عراقی».

اسراییل و اراضی اشغالی در سال ۲۰۰۵ از برنامه جهانی بیرون افتادند، و این امر به تعمیق اضطراب و ناامیدی فلسطینیان و ترس اهالی اسراییل منجر شد.

خشونت و شدت حملات گروه‌های مسلح در سال ۲۰۰۵ به سطوح تازه‌ای رسید و قربانی زیادی از جان انسان‌ها گرفت.

خانم خان گفت: «تروریسم اعمال شده از سوی گروه‌های مسلح توجیه ناپذیر و غیر قابل قبول است. مرتکبان باید به مجازات برسند - ولی از طریق یک دادگاه عادلانه و نه با شکنجه یا بازداشت‌های مخفیانه. متأسفانه، روند فزونی خشونت در اتفاقات مزبور در سراسر جهان در سال گذشته یادآور این واقعیت تلخ است که "جنگ با ترور" نامؤثر بوده است و تا آن گاه که حقوق بشر و امنیت انسانی بر منافع محدود امنیت ملی مقدم شناخته نشود هم‌چنان بی‌تأثیر خواهد بود.»

«ولی نشانه‌های روشن امید در سال ۲۰۰۵ با ناامیدی در کشمکش بوده است.» سال گذشته شاهد یکی از بزرگترین بسیج‌های جامعه مدنی در مبارزه علیه فقر و پیکار برای حقوق اقتصادی و اجتماعی بوده است. کنفرانس سران سازمان ملل، که پیشرفت اجرای اهداف توسعه هزاره را مورد بازنگری قرار داد، قصور ملالت‌بار حکومت‌ها در وعده به قول را به نمایش گذاشت. برای نمونه، حکومت‌ها در مورد حقوق زنان قول لفظی دادند ولی در تأمین اهداف بین‌المللی برای دسترسی برابر دختران به آموزش کوتاهی کردند. در ۲۰۰۵، فراخوان اجرای عدالت به یک موفقیت دیگر رسید و دادگاه بین‌المللی جنایی اولین ادعای خود را در مورد جنایات ضد بشری و جنایات جنگی در اوگاندا صادر کرد. در آمریکای لاتین، با قرار گرفتن آگوستو پینوشه در بازداشت خانگی و صدور حکم جلب بین‌المللی برای آلبرتو فوجیموری، مصونیت سران گذشته کشورها خدشه برداشت.

گزارشگر سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان در ماه‌های ژانویه و فوریه از ایران بازدید کرد. وی از دستگیری خودسرانه شکنجه و بدرفتاری با زنان از جمله زنان فعال در زمینه حقوق بشر انتقاد کرد و از ایران خواست که یک طرح اقدام ملی برای پیشبرد و حمایت از حقوق بشر که به خشونت علیه زنان پایان دهد را به اجرا بگذارد. وی همچنین بخصوص از قوانین تبعیض آمیز و کوتاهی‌ها در اجرای عدالت، که خود موجب در امان ماندن خطاکاران و تثبیت تبعیض و خشونت علیه زنان شده است، انتقاد کرد. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حق برخورداری از مسکن مناسب، اعلام کرد که تبعیض علیه زنان در ارتباط با مسکن وجود داشته و برای زنانی که قربانی خشونت هستند خانه‌های امن وجود ندارد.

گزارش سالانه ۲۰۰۶ عفو بین‌الملل در مورد سایر کشورها

تهیستان و محرومان جهان بهای جنگ با ترور را می‌پردازند



(لندن) سال ۲۰۰۵ سالی پرتناقض بود، سالی که در آن نشانه‌های امید برای حقوق بشر از طریق فریبکاری و قول‌های عمل نشده حکومت‌های قدرتمند رو به تحلیل رفت. این امر در گزارش سازمان عفو بین‌الملل که امروز منتشر شد، بیان شده است.

آیرین خان، دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل، در مراسم نشر گزارش سالانه ۲۰۰۶ عفو بین‌الملل اظهار داشت که برنامه امنیتی قدرتمندان و امتیازداران، انرژی و توجه جهان را از بحران‌های شدید حقوق بشری در سایر نقاط منحرف کرده است.

خانم خان اظهار داشت: «حکومت‌ها مشترکاً و به صورت انفرادی نهادهای بین‌المللی را از کار انداختند و منابع عمومی را برای پیگیری منافع محدود امنیتی مصادره کردند، اصول را به نام "مبارزه با ترور" قربانی کردند و در برابر موارد گسترده نقض حقوق بشر چشم‌های خود را بستند. در نتیجه، جهان از طریق فرسایش اصول بنیادین و خسارت سنگینی که به زندگی و سامان مردم عادی وارد شده بهای بزرگی پرداخته است.»

خانم خان با اشاره به کشمکشی که هزاران نفر تلفات و میلیون‌ها آواره داشته و جنایات جنگی و جنایات ضد بشریت هم‌چنان به وسیله همه اطراف دخیل در آن ادامه دارد اظهار داشت: «در

می‌کند. این کار به مرتکبان نقض حقوق بشر در این کشورها و سایر کشورها اجازه می‌دهد که با مصونیت به کار خود ادامه دهند. «وقتی حکومت بریتانیا در مورد بازداشت خودسرانه و بدرفتاری در گوانتانامو خاموشی می‌گزیند، وقتی ایالات متحده ممنوعیت مطلق شکنجه را نادیده می‌گیرد، وقتی حکومت‌های اروپایی در مورد کارنامه خود در بازگردانی، نژادپرستی یا پناهندگی خاموش می‌مانند، آنان اعتبار اخلاقی خود را برای دفاع از حقوق بشر در سایر نقاط جهان زیر سؤال می‌برند.

«در سالی که سازمان ملل وقت زیادی برای اصلاح و عضویت نهادهای کلیدی خود مصرف کرد، از توجه به کارکرد دو عضو کلیدی خود - چین و روسیه - باز ماند که پیوسته اجازه داده‌اند منافع محدود سیاسی و اقتصادی آنان بر نگرانی‌های حقوق بشری در سطح داخلی و بین‌المللی چیره شود.

«آنان که بزرگترین مسئولیت در حفظ امنیت جهانی را در شورای امنیت سازمان ملل به عهده دارند، در سال ۲۰۰۵ نشان دادند که بیش از همه آماده‌اند کار شورای امنیت را مختل کنند و نگذارند تا در مورد حقوق بشر اقدام مؤثری انجام دهد.

«حکومت‌های قدرتمند به بازی خطرناکی با حقوق بشر دست زده‌اند. کارنامه کشمکش‌های طولانی و موارد فراوان نقض حقوق بشر در برابر چشم همگان قرار دارد.»

سال ۲۰۰۵ شاهد آغاز تغییری در گرایش عمومی بود. خانم خان تأکید کرد: «فشاری که اکنون پدیدار می‌شود، باید برای این به کار گرفته شود که مسئولیت بین‌المللی را به عمل تبدیل کند.»

خواست‌های کلیدی عفو بین‌الملل در سال ۲۰۰۶ عبارتند از:

سازمان ملل و اتحادیه آفریقا به حل کشمکش در دارفور بپردازند و به نقض حقوق بشر در آنجا خاتمه دهند؛

سازمان ملل مذاکراتی را برای انعقاد یک قرارداد مربوط به تجارت اسلحه برای کنترل تجارت سلاح‌های سبک به عمل آورد تا از کاربرد این سلاح‌ها در ارتکاب نقض حقوق بشر جلوگیری شود؛

دولت آمریکا اردوی بازداشتگاه خلیج گوانتانامو را ببندد و نام و محل زندانیان "جنگ با ترور" در نقاط دیگر را اعلام کند؛

شورای جدید حقوق بشر سازمان ملل بر موازین برابر احترام به حقوق بشر از همه حکومت‌ها اصرار بورزد، چه در دارفور باشد یا گوانتانامو، چین یا چین.

حکومت‌های قدرتمندی از طریق دادگاه‌ها و نهادهای عمومی خود آن کشورها به پاسخگویی فراخوانده شدند. عالی‌ترین دادگاه بریتانیا برنامه حکومت برای استفاده از شواهد به دست آمده تحت شکنجه را رد کرد. شورای اروپا و پارلمان اروپا تحقیقات خود را در باره نقش اروپا در برنامه "بازگردانی" آمریکاییان آغاز کردند که بر اساس آن زندانیان را به صورت غیر قانونی به کشورهایی منتقل می‌کرده‌اند که خطر شکنجه یا بدرفتاری‌های دیگر در مورد آنان وجود داشت.

افشاگرهای متعدد، دامنه همکاری حکومت‌های اروپایی را با عمل مجرمانه آمریکاییان بر ملا کرد که حاوی نقض ممنوعیت کامل شکنجه و بدرفتاری با زندانیان و واگذاری امر شکنجه به دیگران از طریق انتقال زندانیان به کشورهایی مانند مصر، اردن، مراکش، عربستان سعودی و سوریه بود که به ارتکاب شکنجه شهرت دارند. خانم خان اظهار داشت: «متأسفانه، به جای پذیرش و استقبال از تلاش دادگاه‌ها و قانونگذاران برای بازتأسیس احترام به اصول بنیادین حقوق بشر، برخی از حکومت‌ها به دنبال راه‌های جدیدی برای فرار از تعهدات خود بوده‌اند.»

بریتانیا برای این که بتواند افرادی را به کشورهایی که ممکن است آنان را تحت شکنجه قرار دهند برگرداند از آن‌ها «اطمینان دیپلماتیک» - یا ضمانت روی کاغذ - گرفته است.

قانون‌گذاری در آمریکا ممنوعیت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را علیرغم مخالفت رییس جمهور بوش مورد تأیید مجدد قرار داد، ولی در عین حال حق بازداشتی‌های گوانتانامو را مبنی بر این که وضعیتشان در دادگاه‌های فدرال مورد بازنگری قرار گیرد به شدت محدود کرد.

خانم خان گفت: «همان طور که ما باید حملات تروریستی به شهروندان غیر نظامی را به شدیدترین وجه محکوم کنیم، باید در برابر ادعای حکومت‌ها که می‌توان از طریق شکنجه با ترور مبارزه کرد بایستیم. این ادعاها گمراه‌کننده، خطرناک و نادرست است - نمی‌توان آتش را با بنزین خاموش کرد.»

«صحبت‌های دوگانه و استناداردهای دوگانه از سوی حکومت‌های قدرتمند به این دلیل خطرناکند که توانایی جامعه جهانی را برای بررسی مشکلات حقوق بشری مانند آن چه که در دارفور، چین، کلمبیا، افغانستان، ایران، ازبکستان و کره شمالی می‌گذرد، تضعیف

۱- این پروتکل برای امضاء هر کشوری که میثاق (حقوق مدنی و سیاسی) را امضاء کرده است، مفتوح می باشد.

۲- این پروتکل تابع به تصویب هر کشوری است که میثاق (حقوق مدنی و سیاسی) را تصویب کرده است و یا با آن موافقت کرده اند. اسناد مصوب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۱- این پروتکل برای ورود و ملحق شدن هر کشوری که میثاق (حقوق مدنی و سیاسی) را تصویب و یا قبول کرده است، مفتوح می باشد

۴- ورود و ملحق شدن بوسیله سپردن سند الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به اجرا درمی آید.

۵- دبیر کل سازمان ملل متحد کلیه کشورهایی که این پروتکل را امضاء کرده اند و یا به آن ملحق شده اند را از سپردن هر سند تصویبی یا الحاقیه ای، آگاه خواهد کرد.

ماده نهم

۱- پیرو به قدرت اجرائی درآمدن میثاق، این پروتکل سه ماه پس از تاریخ سپردن دهمین سند تصویب یا الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد، قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد.

۲- برای هر یک از کشورهایی که بعد از سپردن دهمین سند تصویب یا الحاقی، این پروتکل را تصویب کرده اند و یا به آن ملحق شده اند، سه ماه پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاقی آن کشور، قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد.

ماده دهم

مقررات این پروتکل، بدون هیچگونه محدودیت و یا استثنائی به کلیه واحدهای تشکیل دهنده کشورهای متحده (فدرال) گسترش و توسعه خواهد یافت.

ماده یازدهم

۱- هر کشور عضو این پروتکل می تواند اصلاحیه ای پیشنهاد کند و آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. سپس دبیر کل اصلاحیه های پیشنهادی را به کشورهای عضو این پروتکل ابلاغ خواهد کرد و درخواست می کند که آنها به او اطلاع دهند که آیا مایل هستند کنفرانسی از کشورهای عضو با هدف بررسی کردن و اخذ رای طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد؟ هر گاه حداقل یک سوم کشورهای عضو مایل به تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر

بقیه در صفحه ۱۴

خانم خان اعلام کرد: «اعتبار سیاسی و اخلاقی حکومتها به طور فزایندهای بر اساس موضع آنان در مورد حقوق بشر در داخل و خارج کشورهایشان مورد قضاوت قرار می گیرد. بیش از هر موقع، جهان نیاز دارد که کشورهای دارای قدرت و نفوذ بین المللی - اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل و آنهایی که به دنبال چنین موقعیتی هستند - با مسئولیت و احترام به حقوق بشر رفتار کنند. حکومتها باید از بازی با حقوق بشر دست بکشند.»

بقیه از صفحه ۳۳

تنها برای خود زندگی بهتر می سازند، بلکه عوامل توسعه، اقتصاد، جامعه و فرهنگ در کشورهایی هستند که به آنجا رفته و در آن کار می کنند، و همچنین در کشور خودشان به هنگام بازگشت برانگیزاننده افکار جدید و دانش فنی خواهند بود. برای هر کشور، بازی در جام جهانی موضوعی است که به گونه ای مطلق به غرور ملی ربط دارد. برای کشورهایی که برای نخستین بار به جام جهانی راه یافته اند، مانند کشور من غنا، این موجب افتخار است. برای آنان که پس از سالهای توام با نامالیامات در جام جهانی شرکت می کنند مانند آنگولا، حسی همراه با نوسازی ملی به ارمغان می آورد و برای آنها که در حال حاضر درگیر نبرد هستند، اما تیم جام جهانی شان یک سمبل منحصر به فرد و قدرتمند از وحدت ملی است، مانند ساحل عاج، چیزی کمتر از امید به تجدید تولد ملی را القا نمی کند. آنچه شاید بیش از همه برای تمامی ما در سازمان ملل نسبت به جام جهانی حسادت برانگیز است اینکه، جام جهانی مناسبی است که در آن عملاً می بینیم هدفها جامه عمل می پوشند. تنها درباره گل هایی که به حساب کشوری گذاشته می شود صحبت نمی کنم منظورم مهم ترین هدف است یعنی حضور در آنجا به عنوان بخشی از خانواده ملل و مردمان، بزرگداشت بشریت مشترکمان است. تلاش می کنم هنگامی که غنا با ایتالیا در هانور در ۱۲ ژوئن بازی می کند همه چیز را به خاطر بسپارم. البته نمی توان قول بدهم که موفق خواهم بود.

بقیه از صفحه آخر

بوسیله منشور سازمان ملل و یا دیگر اسناد و میثاق های بین المللی (منعقد شده) تحت نظر سازمان ملل متحد یا موسسات تخصصی به آنها اعطا شده است را محدود نمی کند.

ماده هشتم

زیر چادر بدست می گرفت تا هم حجاب اسلامی رعایت شود و هم باتوم زیاد تو چشم نزنند. دیروز هم حجاب برتر(حجاب) کنار گذاشته شد و هم حجب و حیاها ریخته شد. بازداشت چند خیرنگارزن(از جمله مسیح علی نژاد) و دبیرکل ادوار تحکیم وحدت(مهندس موسوی) بازداشت های صبح را کامل کرد. گزارش شده است که جمعا بیش از یکصد تن در این ماجرا بازداشت شده اند، که جمعی به اوین و عده ای به عشرت آباد منتقل شده اند. سرکوب خیابانی نیز بیش از یکساعت ادامه یافت. سرکوب بود، زیرا زنانی که برای حقوق خود اجتماع کرده بودند نه باتومی داشتند و نه ابزار دیگری که بتوانند با پلیس درگیر شوند و اساسا برای درگیری هم جمع نشده بودند. یک تجمع مسالمت آمیز بود که غیر مسالمت آمیز با آن برخورد شد.

برخی پلیس های زن، در ماجرای دیروز اسپری رنگ و فلفل زیر چادرهایشان داشتند و به محض یافتن فرصت به روی تجمع کنندگان باز می کردند. به آنها دستور داده شده بود با زنان وارد بحث نشوند، اما صحنه هائی از تظاهرات دیروز ثبت شده که این بحث و حتی نوعی همدردی بین دو گروه زنان تظاهر کننده و زنان پلیس بوجود آمد. مخالفت با چندهمسری، حق طلاق یکطرفه مرد، حق ولایت و حضانت بر فرزند توسط پدر بدون در نظر گرفتن نقش مادر، حقوق نابرابر در ازدواج، سن کیفری ۹ سال برای دختران، حق شهادت نابرابر و قراردادهای موقت کار اعلام نمودند. درد مشترک هر دو گروه است. هرچند عده ای پلیس باشند و عده ای تظاهر کننده!

بت خاکستری

تجمع زنان در نطفه خفه شد

ساعت ۴:۴۰ فضای سبز پایین میدان ۷ تیر پر از آدم و بیش از آن ها لباس شخصی و پلیس. پلیس به بقیه اجازه نمی داد وارد فضای سبز شوند و سعی داشت زنان و بقیه را متفرق کند. هنوز تجمع شروع نشده بود که تقریبا همه را متفرق کردند. مردم چند دسته شدند و هر دسته به گوشه ای از میدان با کتک راهنمایی شدند! عملا هیچ کاری انجام نشد جز این که حدود سه مینی بوس زن را گرفتند. کلی زن کتک خورد و ...

نکته های جالب:

پلیس: عامل اصلی اغتشاش

زنان پلیس: آرتیدی های(۱) نیروی انتظامی

یورش به تجمع زنان در میدان ۷ تیر



مقابله امنیتی با تجمع روز گذشته زنان، که با بازداشت چند تن از دعوت کنندگان و فعالان این تجمع، صبح دیروز در خانه هایشان شروع شده بود، بعد از ظهر دیروز با ورود پلیس زن، تحت پوشش حمایتی پلیس مرد و لباس شخصی های وابسته به سپاه پاسداران به صحنه کامل شد. آنچه که اتفاقا افتاد، بارها تکرار شده و اکنون دیگر به شناسنامه این نوع تجمعات تبدیل شده است. هم برپا کنندگان و دعوت کنندگان این نوع تجمع ها می دانند با چه مقابله ای روبرو هستند و هم حکومت می داند از فردای این مقابله با سیل اخبار و انتقادات و محکومیت ها روبروست. شاید یگانه نوآوری مقابله روز گذشته با تجمع زنانی که خواهان حقوق قانونی و انسانی خود هستند، آن باشد که عده ای صبح درخانه هایشان دستگیر شدند و بعد از ظهر پلیس باتوم به دست وارد صحنه شد. نسل دوم و یا شاید سوم زهرا خانم ابتدای انقلاب و در برابر دانشگاه تهران را باتوم بدستش داده اند! حکومت یکپارچه جدید، تاب کوچکترین تجمع و اعتراض خیابانی را ندارد. ریشه های ترس از هر تجمعی به بیم و هراس از دامنه یافتن آنها و تبدیل شدن به تظاهرات وسیع و خیابانی است که کنترل آن بسیار دشوارتر از مقابله ابتدائی خواهد بود. همه محکومیت ها را به جان می خرند تا گرفتار آن تظاهرات خیابانی نشوند. مقابله با اعتراض ها و تظاهرات دانشجویی، مقابله با رانندگان اتوبوسرانی شهری، مقابله با تجمع کارگران و دانشجویان آذربایجانی در مقابل مجلس و اکنون مقابله با تجمع محدود و عاری از خشونت زنان همگی یک ریشه دارد و از یک سرچشمه آب می خورد: وحشت از تبدیل شدن جویبارها به سیل!

از صحنه های دیدنی دیروز، بی حجاب شدن پلیس باتوم بدست بود. پیش تر و حتی در جریان تقابل دیروز نیز پلیس زن باتوم را

نیروی انتظامی: بددهن، لات و

زنی هیکل مند با قدی حدود ۱۸۵ پادون چادر با مانتو و مقنعه و کاور پلیس باتوم را در دست می چرخاند، کتک می زد و زنان را می انداخت داخل مینی بوس.

مردان پلیس هل می دادند، لگد می زدند و فحش می دادند.

حرف های زیادی برای گفتن هست ولی در این تجمع هم تنها چیزی که دستگیرم شد این بود که ما مردم سزاوار بیش از این نیستیم.

چیزهایی که فراموشم شد...

ژیلا بنی یعقوب بازداشت شد.

(۱) - (آرتیدی ها نیروهای ایتالیایی بودند در جنگ جهانی اول که از بین زندانی ها و خلاف کارها انتخاب می شدند، آموزش می دیدند و قبل از عملیات نیروهای اصلی تحت تاثیر مواد مخدر دست به عملیات پاک سازی منطقه می زدند.)

آسیه امینی (روزنامه نگار)

صدای آزادی خیلی نزدیک است!

ساعت پنج رسیدم به پارک. انگار خبری نبود. ولی بود. خبر زیر پوست پارک نشسته بود روی نیمکتها. من هم نشستم. و تازه دوروبرم رو دیدم. خلیپها بودن. در گروه های ثونفری و چند نفری. آمدند. با باتوم. راست سراخ ما. با خانم مقدم و بقیه حرف



می زدیم. گفتند لند شید. گفتیم کاری نمی کنیم! فقط نشسته ایم اینجا. گفتند بلندشید!

گفتیم نشستن در پارک جرم نیست! گفتند با زبان خوش می گوییم بلند شید! وگرنه... و فرصت گفت و گو تا همین حد بود. حرف مشترکی با هم نداشتیم و هر دو طرف این را خوب می دانست. زدند. یعنی که شوخی نداریم! و ما همچنان نشسته یا ایستاده گفتیم چرا؟! از پارک بیرونمان کردند. به ضرب و زور. راه رفتیم. آرام و مسالمت آمیز. دور پارک را. بیرونمان کردند. وزدندهم. کسی داد زد: "من مادرتم، خجالت بکش!" جواب این بود: "من مادر پتیاره ای مثل تو ندارم!" و چنان هلش داد که صدای هوی جمعیت بلند شد. رفتیم - ما رابردند! - دور میدان. کاغذهایی را به دست گرفتیم که روی آن نوشته بود: "قوانین ضد زن را عوض

کنید!" "ما حق یم انسان کامل را می خواهیم" و ... شروع کردیم به زمزمه که "ما زنیم، انسانیم، اما حقی نداریم!" و "ای زن ای حضور زندگی..." و این بار از هر طرف زدند. فقط مرد هم نبودند. زنهای چادری که داد می زدند: با پلیس جر و بحث نکن! و کار که به جر و بحث می کشید، فحش و لگد بود که از زیر چادرها بیرون می ریخت!

دور میدان چرخیدیم. کاغذها را گرفتند و پاره کردند. و از جمعیت دختران و زنانی را که شعار می دادند، کشان کشان به سمت مینیوسهای آماده بردند. جمعیت نگذاشت. مقاومت کرد. اجازه نداد دوستانشان، دخترانشان و مادرانشان از آنها کنده و برده شوند. ولی تعداد آنها بسیار بود. ناگهان هر عابری ماموری شد انگار. بارها و بارها شنیدم که به هم می گفتند: "بابا ما از خودتونیم!" ولی نمی دانم واقعا چند نفر از ما بودند؟ کم نبودیم، کم نیستیم و بیشتر هم خواهیم شد ولی مگر میدان هفت تیر چقدر جا دارد؟

پر بود میدان! از هر طرف. کلی آشنا و دوست دیدم که مدتها بود بی خبر بودم ازشان. همان وقتها بود که ژیلا را بردند؛ با دستبند! بهمین همسرش را هم. و بعد شنیدم ترانه خواهرش را هم. مینی بوسها پر شدند و حرکت کردند. دوستان ما را بردند و نمی دانیم به کجا. در یکی ۱۹ نفر جا گرفت (یکی از زنها همانجا به سرعت شمرد) و دیگری ۹ تا و موسوی خوئینی را آن سوی میدان کشان کشان بردند. آنها(ادوار تحکیم) دیروز با یک لیست ۱۱ نفره حمایتشان را اعلام کرده بودند.

چند اسم دیگر را هم شنیدم که بردند ولی جون مطمئن نیستم اسم نمی آورم که نگرانی ایجاد نشود. ولی می دانم که خیلی ها را بردند. حتا بچه هایی که ما نمی شناختیمشان. شاید دانشجو بودندو شاید زنان خیلی عادی که به جمع معترضان پیوستند.

من و بسیاری دیگر طبق قرار قبلی راس ساعت ۶ هفت تیر را ترک کردیم. و به همه توصیه کردیم نمانند تا برخوردهای بعدی به حساب زنان گذاشته نشود.

خبرها پشت هم می رسد. سرم درد می کنم و پایم که لگد خورده است و پشتم که باتوم خورده است و دستم که کشانده ام. اما دلم درد نمی کند. در دلم غوغایی است که غم را پس می زند.

روز خوبی بود. صدای آزادی نزدیکتر از آن بود که شنیده نشود!

الهه حبیبی

غوغایی بود، بیا و ببین



ما که رسیدیم به هفت تیر، تجمع کوچکی از مردم متعجب گوشه میدان ایستاده بودند. باعجله رفتیم به سمت شان. عکاس ها و فیلم بردارها هم قاطی شان ایستاده بودند. هنوز ساعت ۵ نشده بود. نگاهی انداختم به پارک آن طرف خیابان که قرار بود آنجا جمع شویم. از دور فقط کلاه پلیس دیده می شد و عده ای که جمع شده بودند. به دلیل حضور مردم عابر جرات پیدا کردم و رفتم آن طرف خیابان. پسری در حال رفتن گفت: "نرو می گیرنت". اما تعجب کرد از جسارت ما که می رفتیم در دل جمعیت دست عاطفه را محکم توی دستم گرفته بودم و جلو جلو می رفتم. عاطفه هم با اصرار با من آمده بود. می ترسیدم و نگران بودم برایش اما بالاخره آمد. به داخل پارک که رسیدیم پر بود از پلیس های زن و مرد که بلند فریاد می زدند و مردم را تهدید می کردند که متفرق شوند. صدای جیغ زن پلیس که افتاده بود روی زنی که محکم نشسته بود روی صندلی و داد و فریاد های او را به پیشیزی هم نگرفته بود، باعث شد بدوم به سمت شان. ما بودیم. همان هایی که قرار بود جمع شویم. نمی گذاشتند اما. همه مان را هدایت کردند به سمت مترو و بعد هم پیاده رو. هیچ وقت این همه مردم را یک جا ندیده بودم. همه دهن شان حاج و واج و مانده بود. می زدند با باتوم. زن های پلیس هم جیغ می زدند و مو می کشیدند. این را جدی می گویم اگر فکر کردید شوخی بود. ما همچنان شعار می دادیم، اول چون قاطی مردم بودیم پلیس فقط می گفت متفرق شوید. اما بعد شروع کردند به زدن که یکی اش هم نصیب من شد. اما در مقابل کتک هایی که آن جلویی ها خوردند اصلا چیز خاصی نبود. ما با فشار پلیس به جلوی مترو رانده شده بودیم که یک دفعه پلیس حمله کرد و خواست شعار ها را که روی کاغذ نوشته بود بگیرد. درست یک لحظه فوق العاده بود. نمی دانم کی همه کاغذ ها را با هم ریخت هوا. تمام کاغذ ها توی هوا رقصید و آرام نقش زمین شد. مردم که نمی دانستند چه خبر است ریختند و کاغذ ها را جمع کردند که رویشان را بخوانند. درگیری ایجاد شد. تعداد زیادی از مردم مرد بودند. صدایشان از

گوشه و کنار می رسید که می گفتند: "زنید، نامردها، زن اند". فهمیدم دارند یکی از بچه ها را کتک می زنند. آن ها که قدشان بلند تر بود می گفتند گرفته اند ش به باد مشت و لقد. خلاصه همه مان را هدایت کردند به پیاده رو. ما توی پیاده رو حرکت می کردیم و شعار می دادیم: "ما زنیم، انسانیم، اما حقی نداریم. قوانین ضد زن منسوخ باید گردد." هر لحظه تعداد جمعیت زیاد تر می شد. نیروهای پلیس تعدادشان از کسانی که بلند و با شجاعت شعار می دادند بیشتر بود. مردم نمی دانستند باید چی کار کنند. هیچ کس جرات اعتراض نداشت به جز عده ی کمی. مردی که در روی پلیس زن که مردم را تهدید می کرد در آمد و با او در گیر شد و مردم هم به پشتیبانی اش در آمدند. ترس دستگیری نمی گذاشت یک جا بایستم. یکی یکی بچه ها را دستگیر کردند. هر کسی را که می گرفتند ما بلند فریاد می زدیم: ولش کن ولش کن کن" و مردم هم با ما همراه می شدند. وقتی ما را توی پیاده رو گیر انداختند. از جمعیت شعار دهنده، جدا شده بودیم. یکی از بچه ها گفت: بچه شعاریدید. بعد سه نفری با هم شروع کردیم. مردم نگاه مان می کردند. شروع کردیم به حرکت که نگیرندمان که ناگهان یکی از نیروهای مرد پلیس بازوی دختر و کوله عاطفه را گرفت. ولم کن! ولم کن. من دوییدم و عاطفه و دختر را که من را گرفته بودند با خود کشیدم. مردم شروع کردند به هو کردن پلیس. بین ما و دختر فاصله افتاد. ما آمدیم این طرف جمعیت. نگاه که کردیم همه را توی مینی بوس سفید و شیک پلیس دیدیم که دستگیر شده بودند.

پلیس از پس مردم بر نمی آمد. این طرف بودیم آن طرف شلوغ می شد. آن ها را می گرفتند این طرف شلوغ می شد. به نظرم مهمتر از همه این بود که مردم با پلیس درگیر شدند و به حمایت زنان بلند شدند. هر چند عده ای کوتاه نظر حتی زنان از مردم عادی با ما درگیر شدند و می گفتند بس است دیگر. تمام اش کنید. اما امروز ما توانستیم در میان مردم مطرح شویم و خودمان را به گوش همه برسانیم.

عاطفه حبیبی

یادداشت های کوچکترین زن تجمع کننده

هر دومون فردا امتحان داریم. اما نتوانستیم بمونیم تو خونه و مثل بچه ی خوب درس بخونیم. نزدیک های هفت تیر که بودیم اونقدر اضطراب داشتم که دست هام که توی دست الهه بود همین طور

آنها حتی حاضر نیستند از زبان خود زنان بشنوند که دلیل حضورشان چیست... گوششان پر از جملاتی است که به بی رحم بودنشان کمک می کند... آنها با تصور اینکه این زنان بی حجابی می خواهند و شعار سیاسی می دهند باتوم و اسپری در دست دنبالشان می دوند و بی محابا می زنند. اینها همان پلیس هایی هستند که در دانشکده افسری درس خوانده اند؟

- بعضی معتقدند تجمع ۲۲ خرداد امسال نباید برگزار می شد... به خاطر جو متشنج... به دلیل بی رحم شدن نیروها و به خاطر اینکه خیلی از مسوولان از حضور و کنارهم قرار گرفتن حتی دو نفر به شدت می ترسند. این ترس و جو باعث می شود که کسی رحم نکند و به خاطر حفظ امنیت ملی، یک تجمع بدون مجوز را حرکت در جهت برهم زدن این امنیت ترجمه کنند.

- امروز خیلی ها کتک خوردند. ژیلای بنی یعقوب و خواهرش و بهمن احمدی را گرفتند. وقتی با شخص مسوول صحبت شد، گفتند که هر کسی کارت خبرنگاری داشته باشد، آزاد می شود. اما زنان و دخترانی که کارت ندارند، معروف نیستند و فقط با دل پرجرات آمده اند تا با یک حرکت زنانه همراه شوند، چی؟ آنها بازداشت می شوند. امشب... بازجویی هم می شوند... انگ هم می خورند... اما چه کسی می تواند تلفن بزند و خواهش کند که آزادشان کنند؟

گزارش سرپایی از کافی نت میدان هفت تیر

الان از کافی نتهی در میدان هفت تیر این مطالب رو می نویسم. تجمع امروز ۲۲ خرداد ماه زنان که با عنوان «تجمع مسالمت آمیز زنان در اعتراض به قوانین زن ستیز» انجام



می گرفت با دخالت نیروی انتظامی پایان گرفت. من درست موقعی به میدان هفت تیر رسیدم که ماشین های متعدد نیروی انتظامی و نیروهای پلیس مشغول متفرق کردن جمعیت بودند. نکته قابل توجه تعدد نیروهای پلیس زن بود که در مواقعی هم متوسل به خشونت می شدند. تقابل زن هایی که برای اعتراض جمع شده بودند با زن های نیروی انتظامی خیلی جالب بود. یکی از دخترهای معترض در حالی که یکی از زنان پلیس با باتوم دنبالش کرده بود بهش می گفت: «یعنی برات مهم نیست که شوهرت دو تا زن بگیره؟». یکی دیگه هم از برخورد نامناسب و خشن نیروی انتظامی شاکی بود و علناً بهشون دری وری می گفت.

می لرزید. حق هم داشتم بترسم. هنوز کلی مانده بود که برسیم الگانس ها و گاردهای پلیس آدم را می ترساند. به میدان که رسیدیم از تجمع خبری نبود. فهمیدم پلیس ها کار خودشان را کرده اند. ساعت ۵ بود. و شروع تحصن. زنان را پلیس ها متفرق کرده بودند و همه دور خودشان می چرخیدند در میدان. جز چند نفر که نشسته بودند روی صندلی و از جایشان تکان نمی خوردند. دست هامان توی دست هم بود و هیچ کدام به روی هم نمی آوردیم که ترسیده ام از پلیس هایی که حالا شروع به زدن زنان کرده بودند. از این طرف میدان به آن طرف می رفتم. پلیس ها هم چنان مردم را متفرق می کردند و داشتند شعارها را از دست زنان می گرفتند. یادداشت ها پخش شد روی هوا و مردم سعی می کردند کاغذها را بردارند. خیلی ها هنوز نمی دانستند که قضیه چیه. خیلی ها می پرسیدند به خاطر بد حجابیه. توجه همه جلب شده بود. همه ی زنان و مردانی که دلشان شور میزد برای کسانی که کتک می خوردند. اعتراض می کردند به پلیس که زنید زن ها رو. همه مان راه می رفتم توی پیاده روی هفت تیر و من زنم انسانم اما حقی ندارم را می خواندیم. ما جدا ماندم از زنانی که بحث می کردند با مردم و کسانی که اعتراض داشتند به این تجمع. خصوصاً زنان. شروع کردیم با هم شعار دادن: قوانین زن ستیز منسوخ باید گردد. صدایمان بلند بود و تابلو شدیم توی جمعیت. پلیس ها آمدند تا ساکتمان کنند. آن یکی مان را از پشت می کشیدند و کوله من را هم گرفته بودند. دست دختر روی بازوهایم بود و دست من به دست الهه. شکه شده بودم. دست دختر از روی دستم برداشته شد. دختر را گرفتند و بردند. سرو صداها خوابیده بود از وقتی که تعداد زیادی از زن ها را گرفتند و بردند. کتابم را گذاشته ام جلویم که مثلاً درس بخونم نمی شود. فکر دختری که دستش روی بازویم بود و کسانی که دهان به دهان می چرخید که پلیس گرفته شان، فکر شعارها، شلوغی ها، ولش کن ولش کن ها نمی گذارد درس را بخوانم.

آزاده عصاران

زنان، با باتوم زنان هم کتک خوردند

- مفهوم پلیس زن آرام آرام در ذهن مردم شکل می گیرد؛ پلیس زن یعنی جسم بی روح و سردی که هر وقت از او خواستند باتوم سبزی تیره اش را دور سر بچرخاند و فریاد بزند: "می زنم کثافت ها.. برید و گرنه می زنم..."

این جمع ۳۰ نفره کم کم پلاکاردها را به دست گرفتند: "ما خواهان لغو حق طلاق یکطرفه مرد هستیم." "حضانت بر فرزند حق مشترک و برابر زن و مرد است" در همین حال از سرازیری شمال میدان ۷ تیر رو به پایین، خودروهای پلیس و گشت ارشاد مستقر شده بودند؛ اما آنچه بیش از پیش مشهود بود حضور زنان پلیس در کنار همکاران مرد خود در خودروها و در اطراف بود.

زنان، در ضلع غربی میدان در حال خواندن سرودی آرام بودند که نخست مردی با محاسن سیاه و چند زن برافروخته به سوی آنان آمدند. ماموران دست و ماتو زنان تظاهرکننده را می کشیدند و از آنها می خواستند آنجا را ترک کنند. مرد، بلند بلند می گفت: "بلند شوید به خر هم بگوییم هش بلند شو، بلند می شود." او سپس در پاسخ به خانمی گفت: "ما برای شما شهید داده ایم اما مگر شما دین دارید؟"

تهاجم زنان پلیس

با امتناع زنان سرود خوان از بر خاستن، درخواست زنان پلیس یا ارشاد گر برای متفرق کردن آنها جنبه تهاجمی تری گرفت. نخست با پا بر پهلو و گرده آنها کوفتند. در همان حال ماموران زن بیشتری باتوم و اسپری به دست به سوی محل گردهمایی گسیل شدند. برخورد این پلیس های چادر به سر به شدت تهاجمی بود. عده ای از آنها شروع به پاشیدن اسپری به سر و روی جمع زنان کردند. اسپری آنها اثری از رنگ بر روی روسری و مقنعه زنان بجا می گذاشت. هر چند گویا کوشش شده بود در بدو امر از اسپری رنگ موقت برای ترساندن و متفرق کردن معترضین استفاده شود.

حتی از لحظه اول نشانه ای از زبان خوش و در خواست آرام دیده نمی شد. یکی از زنان باتوم به دست، چابک تر عمل می کرد چرا که چادر به سر نداشت.

از آنجا که میدان ۷ تیر یکی از میادین اصلی و پر رهگذر تهران است حرکت آرام ۳۰ نفره زنان بر اثر عکس العمل خشن پلیس، یگان های ویژه و غیره به زودی تبدیل به تجمع رهگذران و به ویژه جوانان شد. کم کم از این سو به آن سوی میدان، سیاهی زنان چادری پلیس و گشت نمایان تر شد. زنانی که چادر بر سر و باتوم در دست خود را دوان دوان به نقاط تجمع و درگیری می رساندند. هرگونه برخورد لفظی منجر به دستگیری می شد. و همزمان جمعیت رهگذران فریاد می زدند: ولش کن، ولش کن.

به هر حال دستگیری ها زیاد بوده و من چند تایی ماشین دیدم که پر از زن و مرد بودند. وضعیت میدان هفت تیر تقریباً به هم ریخته و خیلی از مردم هم جمع شدن که ببینن چه خبره.

۷۰ نفر بازداشت شدند

کریمی راد، سخنگوی قوه قضاییه، تعداد دستگیر شدگان تجمع روز گذشته زنان در میدان ۷ تیر را ۷۰ نفر اعلام کرد و گفت: ۴۲ نفر آن ها خانم و ۲۸ نفر از آقایان بودند و اتهام آنها نیز تجمع غیرقانونی بوده است. در حالی که شاهدین و تصاویر منتشره حکایت از برخورد تند ماموران با تجمع کنندگان دارند، کریمی راد گفت: "هیچ ضابطی حق کتک زدن فردی را ندارد و من این مسأله را پیگیری می کنم." از میان بازداشت شدگان می توان از نوشین احمدی خراسانی، ژیلای بنی یعقوب، شهلا انتصاری، بهاره هدایت، علی اکبر موسوی خوئینی، بهمن احمدی امویی و... نام برد. شهلا انتصاری پیش از برگزاری تجمع بازداشت شد. در ساعات پایانی دیشب، پس از اتمام تجمع، نیروهای امنیتی با حمله به منزل این فعالان از جمله نوشین احمدی خراسانی، شهلا انتصاری، پروین اردلان و... اقدام به تفتیش و نیز تخریب اموال شخصی و منزل مسکونی آنان کردند.

مهتری حقانی

اگر زنان حرف بزنند

امروز میدان هفت تیر میعادگاه زنان برای خرید ماتو یا گشت و گذاری از سر فراغت و وقت کشی نبود. حدود ساعت پنج بعد از ظهر هنگامی که هرم سوزان آفتاب می رفت تا کم کم خود را به آخرین ساعات روز ۲۲ خرداد بسپارد حدود ۲۰ تا ۳۰ زن در ضلع غربی میدان ۷ تیر بر محوطه فضای سبز روی زمین نشسته بودند و همچنان که سرودی در وصف حقوق زنان می خواندند کم کم نیز پلاکاردها و پارچه نوشته هایی را از کیف های دستی خود بیرون می کشیدند.

این تجمع از چند روز پیش و در پی امضای بیانیه ای از سوی تعدادی از فعالان سیاسی و اجتماعی که "از همه شهروندانی که به نقض حقوق زنان در قوانین موجود اعتراض دارند" خواسته بودند تا "در پیگیری قطعنامه ۲۲ خرداد سال گذشته در برابر دانشگاه تهران خواسته های مشخص خود را در مورد قوانین مدنی و جزایی و حقوق اولیه زنان بار دیگر تکرار کنند." برگزار می شد.

همچنان این روند ناعادلانه تداوم یافته است. اکنون ما شاهد آن هستیم که بن‌بست‌های قانونی و قوانین تبعیض‌آمیز، زندگی زنان جامعه ما را دچار مشکلات بسیاری کرده است و موقعیت آنان را چه در خانواده و چه در جامعه متزلزل ساخته است. این قوانین تبعیض‌آمیز خود منجر به تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های ناعادلانه‌ی گسترده‌تری از جمله قانون قرارداد موقت کار شده که فشار آن عمدتاً بر زنان وارد می‌شود.

ما زنان در ۲۲ خرداد سال گذشته اعتراض خود را به کلیه قوانینی که حقوق زنان را نقض کرده، ابراز داشتیم اما همچنان مطالبات به‌حق ما همچنان بی‌پاسخ مانده است. آن روز اعلام کردیم که "تا دستیابی به حقوق برابر و انسانی از تمام شیوه‌های مسالمت‌آمیز بهره می‌جوییم تا با یاری یکدیگر صدای اعتراض خود را به قوانین تحقیرآمیز موجود هرچه رساتر اعلام کنیم". از این‌روست که در سالروز ۲۲ خرداد دوباره گردهم خواهیم آمد و خواسته‌های مشخص خود را اعلام خواهیم کرد، خواسته‌هایی ابتدایی که عدم دستیابی به آنان، زندگی ما زنان از فارس و کرد و بلوچ و ترک و عرب و.... را دچار بن‌بست‌های جدی کرده است. از این‌رو مطالبات ابتدایی‌مان را بار دیگر با صدای رسا اعلام می‌کنیم و می‌گوییم:

۱ - ما خواهان حق برابر طلاق با مردان هستیم. در قوانین ما دقیقاً ذکر شده است که "مرد هر وقت که بخواهد می‌تواند زنش را طلاق بدهد" اما تقاضای طلاق از سوی زن چنان مشروط به مواردی خاص شده است که گاهی زنان ۱۰ سال برای گرفتن طلاق باید در دادگاه‌ها سرگردان شوند و از سوی دیگر تجربه‌ی زندگی زنان نشان داده است که قانون "شروط ضمن عقد" نه تنها نمی‌تواند بار مشکلات زنان را حل کرد، بلکه در بسیاری موارد در همان اوایل ازدواج، منجر به درگیری‌ها و سوء تفاهم‌های بسیاری می‌شود.

۲ - ما خواهان ممنوعیت تعدد زوجات هستیم و می‌خواهیم در قانون صریحاً چندهمسری ممنوع اعلام شود.

۳ - ما خواهان حقوق برابر در ازدواج هستیم از جمله لغو قانون مشروط شدن شغل زن به اجازه‌ی مرد، بالا بردن سن ازدواج دختران (از ۱۳ سال) و پسران به ۱۸ سالگی، لغو اجازه پدر و جد پدری در ازدواج دختران، لغو قانون تمکین، لغو مشروط کردن سفر و خروج از کشور زنان متأهل به اجازه‌ی مرد، لغو قانونی که

یکی از زنان پلیس فریاد می‌زد: اگر شلیک شد مقصر خودتان هستید، از اینجا بروید. این مامورین در صورت مشاهده دوربین عکاسی، فیلمبرداری و حتی هرگونه خودکار و کاغذی در دست خبرنگاران به شدت با آنها برخورد می‌کردند. کارت آنها ضبط می‌شد، و در همان آغاز عکاس یکی از روزنامه‌ها را دستگیر کردند. آنچه در میدان بی در و پیکر هفت تیر، میدانی که از یکسو دروازه ورود به منطقه تجاری و مرکز تهران است، در کارنامه تجمعات گروه‌های مستقل، دانشجویی، و زنان چندان بی سابقه نیست. تنها چگونگی حضور پلیس زن در عقبه همکاران مرد آنها بود که رنگ متفاوتی به این برخورد می‌زد. زنانی که در گردی صورتهای عصبی آنها، نهفته در حجاب کامل اسلامی و چادرهای سیاه، خبری از لطف و رأفت و ارشاد نبود. آنها با یک دست چادرهای خود و با یک دست با توأم‌های خود را نگه داشته بودند. این مأموران در نخستین مأموریت‌های خود نشان می‌دادند که علاقه‌ای به خواندن هیچ کدام از پلاکاردها و دانستن تقصیر زنان حاضر ندارند. حال آنکه به قول خانم سالخورده‌ای که در میدان بود این‌ها به طور حتم خود از کسانی هستند که به مسائلی چون حق نابرابر در حضانت فرزند پس از طلاق، دیه نابرابر، حق شهادت نابرابر، خشونت پنهان پدیده چند همسری، حق نابرابر طلاق و سرگشتی و آوارگی زنان در دادگاه‌های خانواده گرفتارند و شاید هم اعتراض دارند. لختی بعد هنگامی که اغلب مانع فروش‌ها کرکره‌های خود را پایین کشیده بودند، هنوز می‌شد روی پلاکاردهای پاره‌ای که در پیاده‌روها و گوشه‌های خیابان پخش بود، کلماتی مانند حق، نان و عدالت را دید. دختر جوانی گریه کنان می‌گفت اگر مثل بعضی نقاط جهان که در فیلم‌های خبری می‌بینیم، این چند زن هم می‌توانستند سرودشان را بخوانند، به آرامی پلاکاردهای خود را به اهتزاز در آورند، چه می‌شد؟ اگر پلیس هم برای حفظ نظم در گرداگرد آنها می‌ایستاد و تنها مأموریت داشت از هرگونه خشونت‌ی جلوگیری کند، حقی بیان می‌شد و مسؤولی نیز پاسخی می‌داد، چه می‌شد؟

بیانیه‌ی ای که هرگز خوانده نشد

از زمان صدور فرمان مشروطیت تاکنون یکصدسال می‌گذرد. در طول این صد سال که در کشور ما، قوانین مدون شده حقوق انسانی زنان نادیده گرفته شده است و از همان زمان، زنان ایرانی برای دستیابی به حقوق برابر و انسانی تلاش‌های بسیار کرده‌اند. اما

همگان شاهد تلاش نهادهای امنیتی، قضایی و انتظامی حاکمیت برای به سکوت کشاندن صدای آزادیخواهانه نخبگان، دانشجویان، اساتید، زنان، کارگران و سایر فعالان مدنی در طلب حقوق قانونی، عرفی و مشروعشان بودند. برخوردی که این بار با به کارگیری علنی و آشکار خشونت، تهدید و ارباب مداوم و نقض حقوق بدیهی شهروندان همراه بوده و نهادهایی که بنا بود حافظ امنیت شهروندان باشند خود به عامل اصلی ناامنی و عدم آرامش فرزندان ایران زمین بدل شدند.

هنوز خاطره تلخ برخورد با فعالان کارگری که حق مسلم برخورداری از سندیکای مستقل برای حفظ حقوق صنفی خود را طلب می کردند در اذهان باقی مانده بود که به ناگاه نوک تیز حملات متوجه دانشجویان و دانشگاہیان و اساتید شد و پس از بازداشت دکتر رامین جهاننگلو، استاد دانشگاه به اتهام موهن ارتباط با بیگانه، حکم به اخراج محترمانه اساتید پراسابقه دانشگاه داده شد. در ادامه پروژه حذف انجمن های اسلامی دانشجویان این تنها نهادهای مدنی مستقل حاضر در دانشگاهها از طریق جلوگیری از برگزاری انتخاباتشان کلید خورد.

نتیجه مقاومت مدنی دانشجویان در برابر این پروژه و پایبندی آنان به برگزاری انتخابات آزاد، برخورد و بازداشت آدم ربایی گونه آنان از سوی نهادهای امنیتی و شبه امنیتی بود که تنی چند تن از آنان همچنان در زندان به سر می برند. در ادامه این حرکت ناآرامی های قومی بهانه لازم برای برخورد با جمعی دیگر از شهروندان را فراهم ساخت که مطابق اعلام رسمی خبرگزاری های کشور منجر به فوت چندتن از شهروندان ایرانی شد و در حالیکه حاکمیت می توانست با فهم به موقع اعتراضات و شناخت مطالبات به رفع مشکل بپردازد. بار دیگر اصل بدون تغییر پاک کردن صورت مساله راهنمای عمل تصمیم گیرندگان حاکمیت قرار گرفت. اصلی که در کمال تاسف در تمامی موارد بالا مبنای برخورد و تصمیم گیری حاکمیت قرار گرفته است و با نسبت دادن اعتراضات مدنی مردم به دست های بیگانه و نگاه توطئه انگار به تمای فعالیت های مسالمت آمیز کوشندگان راه دموکراسی و حقوق بشر اعم از اساتید، دانشجویان، زنان، کارگران و... برخورد های خشن، غیر قانونی و غیر انسانی با آنان صورت گرفته است. اکنون در آخرین نمونه از برخوردها برای سرکوب و حذف جامعه مدنی، تجمع مسالمت آمیز فعالان حقوق زنان که با هدف

ریاست خانواده را به طور مطلق در اختیار مرد قرار می دهد و عدم مشروط شدن تابعیت زنان و فرزندان به تابعیت شوهر و...

۴ - ما خواهان حضانت و به ویژه ولایت فرزند توسط پدر و مادر به طور مساوی هستیم. در قانون مدنی ما مادر، هیچ وقت نمی تواند سرپرست فرزندش باشد و حتی در صورت نبود پدر و جد پدری نیز سرپرستی فرزندان به مادر تعلق نمی گیرد و زن می تواند تنها قیم فرزند خود باشد. از این رو ما می خواهیم سرپرستی و اداری امور مالی، تصمیم در مورد تحصیل، محل زندگی، اجازه خروج از کشور، اظهار نظر و اجازه در مورد مسائل درمانی کودک و بسیاری از موارد دیگر برعهده پدر و مادر به طور مشترک قرار گیرد و مادر نیز مانند پدر حق ولایت و سرپرستی بر فرزند خود را داشته باشد.

۵ - ما خواهان آن هستیم که سن مسئولیت کیفری برای دختران و پسران به ۱۸ سال تغییر یابد. یعنی اگر دختری ۹ ساله و پسری ۱۵ ساله مرتکب خطایی شود او را مانند یک فرد بزرگسال مجازات نکنند، چون طبق قوانین حقوق بشری و نیز کنوانسیون حقوق کودک، افراد زیر ۱۸ سال کودک به حساب می آیند. از این رو ما می خواهیم که مسئولیت سن کیفری هم برای دختران و هم پسران به ۱۸ سال تغییر یابد.

۶ - ما خواهان حق شهادت برابر با مردان و حق قضاوت برای زنان در دادگاهها هستیم. ما می خواهیم در همه موارد، شهادت ما در مجامع قضایی مانند یک مرد پذیرفته شود و زنان از حق قضاوت برخوردار باشند و بتوانند مانند مردان در دادگاهها رای صادر کنند و نه صرفاً به عنوان مشاور استخدام شوند.

۷ - و بالاخره ما خواهان آن هستیم که "قراردادهای موقت کار" که زندگی زنان شاغل را بیش از مردان دچار تزلزل و فروپاشی می کند به سرعت لغو گردد و زنان و مردانی که استخدام می شوند با قراردادهای رسمی کار، آینده‌ی شغلی شان تضمین گردد.

و در نهایت اعلام می کنیم که چنانچه به خواسته‌های برحق ما زنان پاسخ داده نشود به اعتراض مسالمت آمیز خود ادامه خواهیم داد.

صدای پای فاجعه می آید

بیانیه سازمان ادوار دفتر تحکیم وحدت پیرامون سرکوب اعتراض زنان فاجعه در راه است، ایران در هفته های اخیر، یکی از سنگین ترین و پردامنه ترین پروژه های سرکوب و برخورد با فعالان مدنی و مدافعان دموکراسی و حقوق بشر از سوی حاکمیت را، نظاره کرد.

خود را به رسمیت شناخته شدن حقوق انسانی زنان اعلام کرده اند. نشستگان بر مسند قدرت زنان دیگری را اجبر شده به سروقتشان می فرستند تا با باتوم بر سر خواهران و مادران خود بکوبند. باید گریست بر حال مملکتی که در آن نماینده سابق مجلس و دبیرکل سازمانی قانونی که با هدف اعتلای کشور برپا شده اینچنین با بی حرمتی و تهدید و خشونت بازداشت می شود. باید گریست بر حال کشوری که در آن سکوت و تملق برتر از تلاش برای بهبود و اصلاح امر است و باید گریست بر ملکی که بهترین فرزندان آن از دانشجو و استاد گرفته تا وکیل و نویسنده و کارگر و هر آنکه قلبش برای سرفرازی و توسعه ایران می تپد عامل بیگانه و بدخواه کشور و امنیت آن شناخته می شود. به راستی که جامعه زعامت به قامت نمی پوشند و باده قدرت به حرمت نمی نوشند آنانکه که می پندارند می توان با تهدید و حبس فعالان خوشنام و شناخته شده و به اضمحلال کشانیدن نهادهای مدنی شناسنامه دار و پرسابقه، خواسته های جامعه را به محاق برد و نظرات خود را به جبر و زور بر مردم تحمیل کرد و به آنان که چنین می اندیشند و در پی رقم زدن فاجعه حاکم کردن انسدادهای فضای کشور و سکوت گورستانی مبتنی بر وحشت در جامعه هستند، اعلام می کنیم تنها نتیجه این سیاست انباشت شدید مطالبات اجتماعی و بروز این خواسته ها در شکل حرکت های انفجاری و کنترل ناپذیر خواهد بود. آن زمان دیگر «صدای مردم را شنیدن» دیر است.

سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار دفتر تحکیم وحدت) ضمن ابراز مراتب اعتراض شدید خود نسبت به بازداشت دبیرکل سازمان و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، جناب آقای مهندس موسوی خویینی و نیز سرکار خانم سمیرا صدری عضو شورای سیاست گذاری سازمان و نیز خانم ها و آقایان بهاره هدایت، شهلا انتصاری، اردلان، معصومه لقمانی، عاطفه یوسفی، ژیلای بنی یعقوب، امین قلعه ای، علی روزبهانی، لیلا محسنی نژاد، دلارام آرام فر، دلارام علی، بهمن امویی، وحید میرجلیلی و سایر بازداشت شدگان تجمع مسالمت آمیز مدافعان حقوق زنان و نیز محکوم کردن برخورد خشونت آمیز و غیر انسانی صورت گرفته با حاضرین در این تجمع اعلام می کند با تمام قوا و با استفاده از مجاری قانونی مختلف از خواسته ها و حقوق شهروندی شان دفاع می کند و خواستار آزادی فوری ایشان است. و نیز در صورت عدم اعتنا

اعتراض به قوانین تبعیض آمیز جنسیتی و دفاع از حقوق انسانی زنان صورت گرفته بود طی برخوردی کم سابقه از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی به شدت سرکوب شد و در حالیکه دست اندرکاران امر می توانستند با نگاهی خردمندانه و با محترم انگاشتن حقوق شهروندان ایرانی در قانون اساسی برای برگزاری تجمعات آزاد و مسالمت آمیز مانع از شکل گیری این فاجعه شوند، ترجیح دادند تا بار دیگر با ابزار برخورد قهرآمیز به پاک کردن صورت مساله بپردازند و پنجه آهنین نشان دهند و در ادامه با بازداشت تعداد زیادی از شرکت کنندگان در این تجمع پروژه خود را تکمیل کنند.

در میان بازداشت شدگان نام مهندس سید علی اکبر موسوی (خویینی)، دبیر کل سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی و نماینده دوره ششم مجلس شورای اسلامی و خانم سمیرا صدری عضو شورای سیاست گذاری سازمان نیز در کنار تعداد زیادی از مدافعان حقوق زنان (ژیلای بنی یعقوب، بهمن احمدی امویی، اردلان، ترانه بنی یعقوب)، اعضای دفتر تحکیم وحدت (بهاره هدایت، عاطفه یوسفی، امین قلعه ای، دلارام علی، معصومه لقمانی، عاطفه یوسفی) و دیگر فعالان دانشجویی و مدنی به چشم می خورد. بازداشت گسترده صورت گرفته در این تجمع که توأم با به کارگیری گسترده خشونت و ضرب و شتم شرکت کنندگان در تجمع توسط باتوم و گاز اشک آور و توهین و هتک حرمت آنان و حضور بسیار گسترده نیروهای انتظامی، امنیتی، لباس شخصی و... بود در نظر گرفتن سایر حوادث اشاره شده نشان از وجود اراده ای برای شکل گیری انسدادهای کامل در فضای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور است که به جای به رسمیت شناختن حقوق شهروندان به نفی و نادیده انگاشتن این حقوق می اندیشد. اراده ای که آزادی را دشمن امنیت، مردم و شهروندان را دشمن حاکمیت، فعالان مدنی را عامل بیگانه و سکوت گورستانی را برتر از فضای نقد و اعتراض مسالمت آمیز می داند و اینک پس از به دست آوردن تمامی کرسی های قدرت به ریشه کن کردن نهال آزادیخواهی با سیاست النصر بالربع از طریق احضارهای متعدد، ضرب و شتم و در صورت لزوم بازداشت و دستگیری آنان نظر دارد. به راستی باید گریست به حال سرزمینی که در آن زنان و خواهران و مادران جامعه به تاوان مطالبه حقوقشان ناجوانمردانه ضرب و شتم می شوند، به محبس می افتند و در حالیکه مطالبه

صادر کرده است که متن آن به این شرح است: خشونت طلبان که خود را حق مطلق می‌پندارند و هیچ حقی برای غیر خود قائل نیستند پاسخ تجمع مسالمت آمیز زنان در میدان هفت تیر را با باتوم، گاز اشک آور و گاز فلفل دادند تا بار دیگر ثابت کنند که هیچ اعتراضی را بر نمی‌تابند. تجمع زنان در میدان هفت تیر قرار بود آرام و بدون خشونت باشد همانطور که ذات زنانه چنین اقتضا می‌کند اگر برهم زندگان امنیت، آرامش و آسایش که قرار است برقرارکنندگان امنیت و آرامش باشند می‌گذاشتند. عجیب آنکه برهم زندگان امنیت این بار زنان را در مقابل زنان قرار دادند تا دست پروردگان پدرسالاران حاکم با فریاد «یا زهرا» بی‌رحمانه بزنند، بپرند و سرکوب کنند آنان خشونت را از چه کسانی آموخته اند که زن چنین خشونت ورز نیست. روابط عمومی انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران ضمن محکوم کردن رفتار غیر عقلانی و غیر مدنی برهم زندگان تجمع اخیر خواستار آزادی هرچه سریع‌تر تمامی بازداشت شدگان این تجمع مسالمت آمیز و عذر خواهی مسئولان ذریبند نسبت به رفتار صورت گرفته است و با اعلام حمایت خود از خواسته های جنبش زنان درتجمع مدنی و مسالمت آمیز ۲۲ خرداد در لغو قوانین ضد زن همچنان خواستار پیگیری مطالبات زنان تا دستیابی به حقوق بر حق زنان می‌باشد.

روابط عمومی انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران (طیف دموکراسی خواه)

بقیه از صفحه ۱۴

صرف نظر از تذکرات موجود در بند ۵ ماده ۸ این پروتکل، دبیر کل سازمان ملل تمام کشورهای مذکور در بند I ماده ۴۸ میثاق را از امور ویژه زیر آگاه خواهد کرد:

- الف: امضاءها، مصوبه ها و الحاقیه ها طبق ماده ۸
ب: تاریخ قدرت اجرائی پیدا کردن این پروتکل طبق ماده ۹ و تاریخ قدرت اجرائی پیدا کردن اصلاحیه ها طبق ماده ۱۱
ج: خاتمه عضویت ها (خروج از میثاق) طبق ماده ۱۲

ماده چهاردهم

۱- متن های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی این پروتکل از اعتبار مساوی برخوردار است و در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت گواهی شده این پروتکل را به تمام کشورهای مذکور در ماده ۴۸ میثاق ارسال خواهد نمود.

مراجع ذریبند، با تداوم اعتراضات مدنی مسالمت آمیز، پی گیر آزادی دبیرکل، اعضا و سایر افراد بازداشت شده که برای به رسمیت شناخته شدن حقوق انسانی نیمی از جامعه ایران در این تجمع حاضر شده بودند، خواهد شد.

سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار دفتر تحکیم وحدت)

اطلاعیه روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت پیرامون سرکوب تجمع زنان همچنین روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت نیز در اعتراض به برخورد خشونت آمیز نیروهای انتظامی و لباس شخصی به تجمع روز دوشنبه در میدان هفت تیر تهران اطلاعیه ای صادر کرد که در آن آمده است: تجمع مسالمت آمیز زنان در میدان هفت تیر تهران به شدت سرکوب شد. ضرب و شتم شدید، فحاشی و بازداشت شرکت کنندگان در این تجمع نشان از عدم عقلانیت نیروهای انتظامی حاضر در صحنه داشت. نیروهای لباس شخصی در کنار نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی که پیش از این نیز با بی‌تدبیری رفتارها و اعتراضهای مدنی مردم را بارها و بارها منکوب کرده بودند، این بار نیز نشان دادند متأثر از دکم اندیشان بی‌توجه به حقوق بشر، شیوه‌های مدنی را نمی‌شناسند.

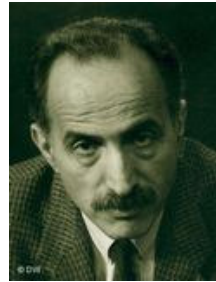
مگر نه آنکه تجمع امروز برای دفاع از حقوق زنان و در اعتراض به قوانین تبعیض آمیز شکل گرفته بود. عجباً که حاکمان و حلقه‌به‌گوشان آنان تاب تحمل هیچ اعتراضی را ندارند. نسبت به حاضرین در تجمع تعرض می‌کنند و پاسخ اعتراض را با باتوم و بازداشت می‌دهند. روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت ضمن تأکید مجدد بر ادامه تجمعات و اعتراضات مسالمت آمیز مدنی خواهان آزادی هر چه سریع‌تر بهاره هدایت (مسئول کمیته زنان دفتر تحکیم وحدت)، عاطفه یوسفی (دبیر انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف)، علی روزبهانی (عضو انجمن اسلامی دانشگاه شریف)، امین قلعه‌ای (عضو شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت)، مهندس علی اکبر موسوی (دبیرکل سازمان ادوار تحکیم وحدت)، سمیرا صدری (دبیر کمیسیون زنان سازمان ادوار دفتر تحکیم وحدت) و دیگر بازداشت شدگان در این تجمع مسالمت آمیز مدنی می‌باشد. روابط عمومی شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت

اطلاعیه روابط عمومی انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی در رابطه با سرکوب تجمع زنان

روابط عمومی انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی در رابطه با سرکوب تجمع زنان در میدان هفت تیر تهران اطلاعیه ای

واکنش‌های بین‌المللی نسبت به ضرب و شتم زنان در ایران

ضرب و شتم فعالان حقوق زنان در اجتماع مسالمت آمیز ۲۲ خرداد در میدان ۷ تیر تهران که با دستگیری تعدادی از آنان از سوی نیروهای امنیتی همراه بود، واکنش‌های زیادی را در مجامع مدافع حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان



موجب شد. از جمله سازمان "دیده بان حقوق بشر" و همچنین "فدراسیون بین‌المللی جوامع حقوق بشر" نیز با نشر بیانیه‌ای سرکوبی این تظاهرات را محکوم کردند. دکتر عبدالکریم لاهیجی، نایب رئیس این فدراسیون در گفتگویی با شیرین جزایری در این مورد شرکت کرده است:

شیرین جزایری: آقای لاهیجی، فدراسیون بین‌المللی جوامع حقوق بشر از جمله نهادهای حقوق بشری بوده که نسبت به ضرب و شتم فعالان حقوق زنان در اجتماع مسالمت‌آمیز ۲۲ خرداد میدان هفت تیر تهران واکنش نشان داده. محتوای این بیانیه‌ای که شما منتشر کرده‌اید چه هست؟

عبدالکریم لاهیجی: اجازه بدهید بعنوان مقدمه عرض بکنم که حق گردهمایی نه تنها در اعلامیه جهانی حقوق بشر، نه تنها در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران عضو این میثاق هست، حتا در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد شناسایی قرار گرفته که می‌گوید، گردهمایی بدون حمل سلاح به شرط اینکه مخل به مبانی اسلام نباشد مجاز است. با توجه به اینکه هیچکسی مسلح نبوده، من می‌خواهم سوال کنم که آیا مطالبه‌ی حقوق بطور کلی با مبانی اسلام سازگاری دارد یا نه؟ و تبعیض حقوقی کنونی که زن ایرانی با آن گرفتار است، از حق زندگی گرفته تا حق کار، حق خروج از کشور، حق سرپرستی کودک، حق برابر در مسئله طلاق، حق تک‌همسری و منع ازدواج مجدد، حق ارث و تمام این وضعیتی که متأسفانه زنان ایران قربانی آن هستند، آیا با تعهدات بین‌المللی ایران، با توجه به اینکه عرض کردم ایران متعاقد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی- سیاسی هست، سازگاری دارد؟ آیا با مقتضیات کنونی جامعه ایران در نخستین سالهای قرن بیست و یکم سازگاری دارد؟ اینها مسایلی است که ما در نظر داشتیم در موقع تدوین این اطلاعیه و بنابراین نتیجه می‌گیریم که چون در چارچوب قوانین اساسی جمهوری اسلامی راهپیمایی مسالمت‌آمیز

نیاز به گرفتن اجازه ندارد، چیزی که معمولاً جمهوری اسلامی و مسئولان آن به آن متوسل شده‌اند برای سرکوب مردم و بازداشت آنها، از نظر حقوقی جلوگیری از برگزاری راهپیمایی از سوی ماموران انتظامی به منظور جلوگیری شهروندان از اعمال حقوقشان بوده که خود این عمل جرم است. ضرب و شتم آنها جرم دوم است و بازداشت بیش از ۷۰ تن از آنها جرم سوم است، چون از مصادیق بازداشت‌های خودسرانه است. اینجاست که ما خواسته‌ایم هرچه زودتر اینها بدون قید و شرط تمام بازداشت‌شده آزاد بشوند و بعد هم مسئولان ضرب و شتم، مسئولان بازداشت‌های خودسرانه در پی یک تحقیق قضایی مورد پیگرد قرار بگیرند.

شیرین جزایری: به نظر شما علت برخورد خشونت‌آمیزی که نسبت به این تجمع شده، مطرح شدن خواست‌های ویژه‌ی زنان است یا هر تجمع آزادیخواهانه‌ای از این قبیل می‌توانست مورد هجوم نیروهای انتظامی واقع بشود؟

عبدالکریم لاهیجی: در گذشته ما دیده‌ایم که تجمع‌های دانشجویان به همین صورت هست، در مورد کارگرها طی ماههای اخیر دیدیم و هنوز مسئول سندیکای کارگری در زندان است. اینجاست که من عرض می‌کنم مطالبه‌ی حقوق بطور کلی امروز در جمهوری اسلامی ممنوع است و سزای آن یا ضرب و شتم است یا بازداشت است و دیدیم که مواردی حتا زندانهای طولانی. بنابراین مردم ایران حق ندارند حتا در چارچوب تعهدات و قوانین ... وقتی تعهدات می‌گویم، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی الان در ایران تأثیرش از قوانین داخلی هم بیشتر است، برای اینکه نه فقط در پارلمان ایران به تصویب رسیده، بلکه دولت ایران متعهد به اجرای آن است. بنابراین در چارچوب این میثاق حتا در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی هم مردم نمی‌توانند حقوق خودشان را مطالبه بکنند.

شیرین جزایری: آقای دکتر لاهیجی، چه اقدامات دیگری سازمان شما در جهت آزادی دستگیرشدگان یا اعتراض به این نحوه‌ی برخورد خشونت‌آمیز با مدافعان حقوق زنان و حقوق بشر در ایران انجام می‌دهد یا در نظر دارد انجام بدهد؟

عبدالکریم لاهیجی: ببینید، اقدام بعدی ما در ارتباط با نهادهای شورای حقوق بشر است. البته کمیساریای حقوق بشر منظوم است، برای اینکه شورای حقوق بشر از روز دوشنبه آینده کارش

انعکاس خبری پیدا خواهد کرد. اما برای دانشجویان عادی از همان ابتدا شروع درگیری‌ها و تحرکات دانشجویی مشکلاتی پیش آمده که متأسفانه هیچکدام از سازمانها و نهادهای دانشجویی آمار دقیقی از آن در دست ندارند.

بهنام باوندپور: آقای مومنی، در رسانه‌ها اینطور منعکس شده که دستگیری بسیاری از افراد توسط لباس شخصی‌ها بوده که البته مسلح به سلاح گرم بودند و در بعضی از این موارد هم از بعضی از دانشجویان اطلاعی در دست نیست و بعضی هم که دستگیر شده‌اند به مکان نامعلومی رفته‌اند. ممکن است در این مورد توضیح دقیق‌تری بدهید؟

عبداله مومنی: دوستان دانشجویی شناخته‌شده و مشخص است و اعلام هم شده که به‌رحال این دوستان دستگیر شده‌اند. چون شواهدی وجود داشته دال بر اینکه نیروهای لباس شخصی و نیروهایی که مأموریت داشتند از ناحیه نیروهای امنیتی اقدام به دستگیری کردند و در عین حال دوستان دانشجویی که همراه آن دوستان دستگیر شده بودند مراتب را گزارش کردند. اما دیگر دوستانی که به‌رحال وضعیت آنها مبهم و ناروشن هست، به دلایل اینکه کسی شاهد و ناظر بر دستگیری آنها نبوده، هیچ خبر و اطلاعی از آنها در دست نیست. اصلاً جایی که متأسفانه این شیوه‌های دستگیری شیوه‌هایی است که از سالها پیش رویه شده و هیچ استناد قانونی برای اینگونه دستگیری‌ها وجود ندارد و بدون احضار قبلی و بدون برگزاری دادگاه و تفهیم اتهام توسط نیروهای لباس شخصی که نیروهای وابسته به نهادهای امنیتی و سپاه پاسداران هستند، این مشکلات بوجود می‌آید. در جایی که هیچ مرجعی پاسخگوی این شیوه‌های دستگیری و این برخوردها با دانشجویان نیست، خوب، وقتی مشکلی برای دانشجویان پیش بیاید، مگر آنکه کسانی شاهد و ناظر بر ماجرا بوده باشند و آن را گزارش کنند، در غیراینصورت ما هیچ مدرک و دلیلی برای اثبات دستگیری دوستان دانشجویی مان نداریم.

بهنام باوندپور: آقای مومنی، من نام چند نفر را اینجا ذکر می‌کنم. شما بعنوان فردی مطلع در مسایل دانشجویی آیا این خبرها را تایید می‌کنید یا نه، خبر دستگیری‌ها را: از جمله آقای یاشار قاجار، آقای پویا هیبت‌اللهی، آقای فرید هاشمی (عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران)، آقای هومن کاظمیان و پیمان پیران (دستگیری مجددش اعلام شده از طرف کمیته

را آغاز خواهد کرد. در کمیساریای حقوق بشر می‌دانید که یک نهادی هست بنام «نهاد تحقیق درباره بازداشت‌های خودسرانه»، اگر تا روز شنبه آینده، چون می‌دانید امروز و فردا کم و بیش در، یعنی فردا تمام روز و امروز هم نیمه روز در ایران تعطیل است، اگر تا روز شنبه آینده بازداشت‌شدگان آزاد نشوند، ما ظرف یکماه از تاریخ بازداشت تکلیف داریم که از این هیات تحقیق درخواست رسیدگی بکنیم و در اینصورت هست که باید یک شکوائیه‌ای را به آن هیات تحقیق بدهیم و آنها مشغول تحقیق و رسیدگی بشوند و منتظر پاسخ جمهوری اسلامی به شکوائیه‌ای که ما تقدیمشان خواهیم کرد باشیم.

احیای جنبش دانشجویی، تهدیدی برای حیات و بقای رژیم

در هفته‌های گذشته کمتر روزی بوده که شاهد حرکات اعتراضی دانشجویی در ایران و در عین حال، احضار و یا دستگیری فعالان دانشجویی نبوده باشیم. اما، این



دستگیریهایی چند روز گذشته بوضوح سیری صعودی داشته است. رسانه‌های نزدیک به محافل دانشجویی خبر می‌دهند که یکشنبه (۷ خرداد) نیز در جریان تجمع دانشجویان آذری در برابر مجلس شورای اسلامی، تعدادی از دانشجویان با دخالت نیروی انتظامی دستگیر شده‌اند. در رابطه با موج دستگیری دانشجویان و نیز برخورد نیروی انتظامی با تجمع دیروز دانشجویان در مقابل مجلس، عبدالله مومنی فعال دانشجویی و سخنگوی «ادوار دفتر تحکیم وحدت» به پرسشهایی در این زمینه پاسخ داده است.

بهنام باوندپور: آقای مومنی، اخبار نگران‌کننده‌ای از بازداشت دانشجویان در تهران، آذربایجان، زنجان و کرمانشاه در رسانه‌ها منتشر شده. آیا شما اطلاع دقیق‌تری از میزان صحت این اخبار و هویت و تعداد بازداشت‌شدگان دارید؟

عبداله مومنی: آنچه در رسانه‌های جمعی پیرامون سطح و گستره‌ی دستگیری‌ها انعکاس پیدا کرده، دقیقاً همان چیزی است که دوستان ما و ما در مجموعه‌ی سازمانهای دانشجویی از آنها اطلاع داریم و دانشجویانی که در قالب تشکلهای سازمانهای دانشجویی فعالیت می‌کنند اگر مشکل و یا عواقبی متوجه‌شان باشد، طبیعی است که

تحول خواهی در ایران خواهد شد و حیات و بقای اقتدارگرایان را به خطر خواهد انداخت.

بهنام باوندپور: آقای مومنی، دیروز تعدادی از دانشجویان آذری در مقابل مجلس تجمع کردند. شما چه اطلاعی از دستگیری دانشجویان آذری و رفتار نیروهای انتظامی با دانشجویان دارید؟ چون اخبار متناقضی در این مورد هست، بعضی ها خبر از دستگیری می دهند، اما نیروی انتظامی اعلام کرده کسی دستگیر نشده!

عبداله مومنی: بنا به اطلاعی که به ما رسیده و دوستان همفکرمان اطلاع داده اند، مثل اینکه برخوردها و شیوه های مواجهه با این فعالین هویت طلب آذری بهیچوجه شیوه های مناسبی نبوده و اساسا از یک خشونت عریان خبر می دادند که دستگیری هایی را هم در برداشته و نهایتا منجر به متفرق شدن تجمع شدگان شده که متاسفانه علی رغم اینکه این اعتراضات و این برخوردها به گونه ای بود که با یک رویکرد کاملا مسالمت آمیز و مدنی صورت گرفته بود، اما خشونت و برخوردهای عریان و تهدید و ارباب و بازداشت های گسترده حکومتگران نه تنها توانست مسئله را فیصله بدهد، بلکه به نظر می رسد بیش از پیش هم می تواند دامن بزند به تشدید تبعیض قومی و بروز حوادث خطرناکتری که قطعا عواقب جبرانناپذیری را ممکن است برای منافع ملی و همبستگی عمومی ایران بوجود بیاورد.

دانشجویی گزارشگران حقوق بشر)، آقای سجاد نیکنام (دبیر انجمن اسلامی دانشگاه ارومیه)، آقایان محسن الموتی و مهدی حسن زاده از دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه، هاشم میرزاده (فعال دانشجویی در تبریز) و یاشار حکاک پور در مراغه. آیا شما این خبرها را شنیده اید و یا صحت این خبرها را تایید می کنید؟

عبداله مومنی: بله! اسامی که اشاره داشتید، آقای قاجار دبیر انجمن اسلامی دانشگاه پلی تکنیک در معرض دید دوستان بود که دستگیر شد و دیگر دوستانی که اسم بردید، آقای نیکنام از فعالین دانشجویی دانشگاه ارومیه و از دوستان دانشگاه رازی کرمانشاه اینها بخاطر نشریات دانشجویی بازداشت شده اند و آقای حکاک پور که بخاطر فعالیت های هویت طلبی مناطق ترک نشین دستگیر شده اند و همینطور دوستان دمکراسی خواه دانشگاه تهران آقای فرید هاشمی و آقای حبیب الهی...

بهنام باوندپور: عذر می خواهم، آقای هیبت الهی یا حبیب...

عبداله مومنی: حبیب الهی صحیح است. سایت «ادوارنیوز» هم اشتباه انعکاس داده اند. همگی افرادی که در سایت «ادوارنیوز» یا دیگر سایتهای خبری که برخورد گسترده با فعالین دانشجویی را انعکاس داده اند، بنوعی این اسامی مورد تایید است، و ما نگرانی مان بیشتر از بابت افرادی است که وضعیت شان نامعلوم و مبهم هست و طبیعی است که این موجبات نگرانی فعالان دانشجویی و دوستان و خانواده های این افراد را فراهم می آورد.

بهنام باوندپور: آقای مومنی، به نظر شما افزایش فشارها و موج بازداشت فعالان دانشجویی چه علت یا عللی می تواند داشته باشد؟

عبداله مومنی: از آنجایی که ظرفیت بالقوه دانشگاه در چند روز گذشته بالفعل شد و تحرکی که در جامعه دانشگاهی ایران بوجود آمد و زمینه اعتراضاتی را رقم زد، خوب، نگرانی هایی بوجود آمد مبنی بر اینکه مبدا دانشگاه دوباره خودش را باز تولید کند، آن رفتارهای نقادانه، اعتراضی و مطالبات موجودش را و بتواند زمینه ساز، تقویت و تعمیق حرکت دمکراسی خواهی در جامعه بشود. خوب، اینگونه برخوردها با جامعه دانشگاهی بیشتر از بابت زهر چشم گرفتن و ضرب شصت نشان دادن و ایجاد فضای رعب و وحشت میان فعالان دانشجویی است که مبدا به فکر احیای این جنبش منزوی شده و منفعل شده باشند، که قطعا نتیجه احیای جنبش دانشجویی به نفع حرکت اصلاح طلبی و دمکراسی خواهی و



جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

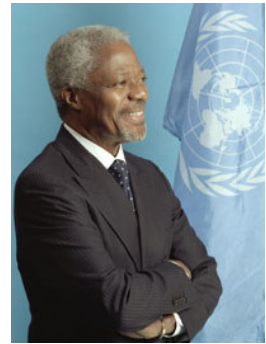
Society of Human Rights in Iran

- از آنجا که هر فردی میتواند بدون هیچگونه تبعیضی از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر بهره مند گردد.
- از آنجا که هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادیهای را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر گردیده است، تامین نماید و آنها را بموقع اجراء گذارد.
- از آنجا که حقوق انسانی را باید با وضع و اجرای قانون حمایت کرد تا بشر بعنوان آخرین علاج به قیام برضد سلطه انسان بر انسان مجبور نگردد.
جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران تامین حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای مردم ایران و وجهه کوشش و همت خود قرار میدهد.

از مقدمه اساسنامه جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

کوفی عنان

ای کاش جام جهانی حقوق بشر هم داشتیم



ممکن است تعجب کنید از اینکه دبیرکل سازمان ملل درباره فوتبال مقاله‌ای می‌نویسد. اما حقیقت امر این است که جام جهانی موجب شده حسادت ما در سازمان ملل به شدت برانگیخته شود.

به عنوان نقطه اوج تنها مسابقه واقعا جهانی، که در تمامی کشورها به وسیله تمامی نژادها و مذاهب بازی‌های مربوط به آن انجام شده است.

جام جهانی یکی از چند پدیده نادری است که مانند ملل متحد جنبه جهان شمولی دارد. حتی می‌توانید بگویید که جهان شمول‌تر است زیرا فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) ۲۰۷ عضو دارد و اعضای ملل متحد تنها ۱۹۱ است.

اما دلایل بسیار بهتری نیز برای برانگیخته شدن حسادت وجود دارد.

نخست اینکه، جام جهانی مناسبتی است که در آن هرکس از جایگاه تیم خود و اینکه چگونه آن را کسب کرده، آگاه است. می‌دانند که چه کسی، چگونه و در دقیقه چندم از بازی امتیاز داده است، می‌دانند چه کسی دروازه خالی را از دست داده است، می‌دانند چه کسی نگذاشته پالتی تبدیل به گل شود.

آرزو می‌کنم از این گونه مسابقات در خانواده ملل بیشتر داشته باشیم. ممالک آشکارا بر سر بالاترین جایگاه در مراتب احترام به حقوق بشر با یکدیگر رقابت کنند و تلاش نمایند از یکدیگر در افزایش ارقام بقای کودک یا ثبت نام در آموزش متوسطه پیشی بگیرند. کشورها چگونه عملکرد خود را برای تمامی جهان به نمایش بگذارند. دولت‌ها درباره اینکه چه حرکت‌هایی آنان را به چنان نتیجه‌ای رهنمون شده پاسخگو باشند.

دوم اینکه، جام جهانی مناسبتی است که همه کس روی کره ارض علاقه‌مند است درباره آن صحبت کند. به دقت بررسی کنند تیم آنان چه حرکات درستی انجام داده و می‌توانست چه حرکات متفاوتی انجام دهد. بدون آنکه ذکر از تیم مقابل نمایند.

مردم در هر کجا از بوینس آیرس گرفته تا پکن در حالی که در رستوران‌ها نشسته‌اند مدت مدیدی درباره امتیازات بهتر بازی‌ها با

یکدیگر بحث می‌کنند، دانش عمیقی نه تنها از تیم ملی خود بلکه همچنین از بسیاری تیم‌های دیگر ابراز می‌دارند و مطالبشان را درباره موضوع با روشنی و اشتیاق مطرح می‌سازند.

نوجوانانی که معمولا حرف نمی‌زنند به ناگهان با فصاحت و اعتماد به نفس به گونه‌ای خیره‌کننده به متخصصانی تحلیل‌گر تبدیل می‌شوند. ای کاش از این گونه گفت و گوها در سراسر جهان بیشتر داشته باشیم.

شهروندان به این موضوع بپردازند که چگونه کشورشان می‌تواند روی شاخص توسعه انسانی، یا کاهش میزان انتشار کربن یا عفونت‌های جدید ناشی از ویروس ایدز عملکرد بهتری داشته باشد. سومین نکته اینکه، جام جهانی مناسبتی است که در آن سطح میدان بازی به گونه‌ای است که تمام کشورها با شرایط برابر فرصت شرکت در آن را دارند.

تنها رعایت دو عامل در بازی مهم است: استعداد و کار گروهی. ایکاش در عرصه جهانی نیز مساوات طلبان بیشتری به همین گونه داشتیم. مبادلات آزادانه و منصفانه بدون دخالت دادن سوبسیدها، موانع یا تعرفه‌ها.

به دست آوردن فرصتی واقعی برای هر کشور به منظور اینکه توان خود را در صحنه جهانی به میدان آورد.

چهارم اینکه، جام جهانی مناسبتی است که منافع چند قطبی بودن بین مردم و کشورها را به تصویر می‌کشد. تیم‌های ملی بیشتر و بیشتری در حال حاضر از مرزهایی از دیگر کشورها که شیوه‌های جدید تفکر و بازی را ارائه می‌دهد، استقبال می‌کنند.

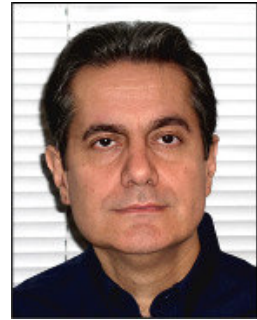
همین امر درباره تعداد بیشتر بازیکنانی صحت دارد که در فاصله جام جهانی‌ها نماینده باشگاه‌هایی هستند که دور از کشورشان است. آنان کیفیت جدید به تیم جدید خود تزریق می‌کنند، از این تجربه رشد می‌کنند و قادرند هنگامی که به کشور خود باز می‌گردند تشریک مساعی بیشتری بنمایند. در این روند معمولا در کشوری که در آن پرورش یافته‌اند، به قهرمانانی تبدیل می‌شوند و به گشودن دلها و گسترده‌گی افکار مدد می‌دهند.

ایکاش نگرستن به موضوع مهاجرت انسان و این امر که در مجموع می‌تواند سه عامل برنده ایجاد کند نیز برای همه به همین سادگی بود یعنی برنده بودن برای مهاجران، برای کشوری که از آن آمده‌اند و برای جوامعی که به آن پیوسته‌اند. آن مهاجران نه

بقیه در صفحه ۲۰

فلسفه‌ی حقوق بشر (گفتار هفدهم)

اعتبار اخلاقی حقوق بشر به چه معناست؟



منظور از اعتبار اخلاقی حقوق بشر چیست؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، باید خاطر نشان ساخت که حقوق، ادعاهای توجیه شده یا توجیه پذیر از طرف دارنده یا حامل حقی نسبت به مخاطب خود بر پایه‌ی مبانی حقوقی است. در

مناسبات حقوقی، مبانی حقوقی، سرچشمه‌ی ادعاهای حقوقی می‌باشند. حقوق قانونی ادعاهایی شکایت پذیر در چارچوب قوانین یک کشور هستند که خدشه دار کردن آنها می‌تواند با اقدامات تنبیهی ارگانهای دولتی روبرو گردد. حقوق قانونی از همهی اعضای یک جامعه‌ی معین، رعایت و فرمانبری می‌طلبند.

اما حقوق اخلاقی بر خلاف حقوق قانونی، ادعاهایی بر پایه‌ی مبانی صرفاً اخلاقی و مدعی اعتباری جهانشمول هستند. به عبارت دیگر، حقوق اخلاقی برای همه‌ی انسانها تعهد و الزام به همراه می‌آورند. حق، با احترام به خویشتن در پیوند است، چرا که آدمی به واسطه‌ی آن، احترام نسبت به اراده‌ی خویشتن را مدعی می‌شود. حقوق اخلاقی، چنین ادعایی را از همگان در مقابل همگان انتظار دارند. (مانند احترام برابر برای همگان).

حقوق بشر، زیر مجموعه‌ای از حقوق اخلاقی است. حقوق بشر جزو حقوق عمومی به حساب می‌آید که انسان به مثابه انسان از آن برخوردار است. این حقوق مانند حقوق موضوعه، لزوماً در ارتباط با مناسبات اجتماعی میان انسانها قرار ندارد. جایگاه حقوق بشر مستقل از کنشها و قراردادهای در مناسبات اجتماعی است. حقوق بشر را نمی‌توان از هیچ انسانی دریغ کرد و بنابراین یکی از اصلهای عمومی آن این است که هر انسانی حق دارد مانند همه‌ی انسانهای دیگر از احترام برابر برخوردار باشد، چرا که جزو خانواده‌ی بزرگ بشری محسوب می‌شود.

شاید بتوان گفت که حقوق بشر نیز مانند سایر حقوق، حقوقی اعطا شده است، اما نه از طرف ذاتی مافوق طبیعی یا اخلاقی، بلکه نهادی که آن را اعطا می‌کند خود انسان است. این خود ما هستیم که خود را تحت اخلاق احترام برابر و جهانشمول قرار می‌دهیم. این «جبر» اخلاقی ماست که شالوده‌ی حقوق بشر را می‌ریزد. حقوق

بشر ادعاهایی معین و از منظر اخلاقی موجه نسبت به چیزی است که نمی‌توان آن را از هیچ انسانی دریغ ورزید. خدشه دار کردن این اصل، از منظر عقلانی توجیه پذیر نیست.

حقوق بشر بر پایه‌ی اخلاقی جهانشمول و یکسان در مورد احترام برابر استوار است. به این معنا باید هر انسانی را از جایگاهی بیطرفانه به مثابه فردی برابر و خودمختار به رسمیت شناخت. انسانها از این حق اخلاقی برخوردارند که با آنها با احترام رفتار شود. موضوع احترام متقابل و برابر، چیزی جز خودمختاری یا خودآیینی فرد نیست.

امروزه هر اندیشه‌ی سیاسی که ادعای معقول بودن داشته باشد، نمی‌تواند آغازه‌ی خود را بر تصور برابری میان انسانها قرار ندهد. در عصری که دریافتهای متافیزیکی، دینی و سنتی اعتبار خود را در این زمینه از دست داده اند، غیرممکن است که بتوان بدون به رسمیت شناختن امر برابری میان انسانها، به توافقی در خواسته‌های مشترک سیاسی دست یافت.

هنجارها و حقوق عمومی تنها زمانی از منظر اخلاقی مستدل هستند که از طرفی بصورت متقابل توجیه پذیر باشند، یعنی از فردی نسبت به فرد دیگر چیز بیشتری مطالبه نکنند، و از طرف دیگر از عمومیت برخوردار باشند، یعنی مورد پذیرش عموم واقع گردند. احترامی را که انسانها بصورت متقابل مدیون یکدیگرند، احترام به خودمختاری فرد را طلب می‌کند. این امر به مثابه مشروعیت اخلاقی، در خودمختاری فرد آن نهادی را می‌بیند که در مقابل آن قاعده‌ها، هنجارها و حقوق عمومی نیازمند توجیه هستند. تنها چنین قواعدی می‌توانند از منظر مشروعیت و حقانیت معتبر باشند. اما موضوع به اینجا خاتمه نمی‌یابد. حقوق بشر به مثابه فراخوانی خطاب به فاعل اخلاقی، باید از حقوق اخلاقی صرف به حقوق موضوعه و قانونی فراروید و در یک دولت حقوقی نهادینه شود، بصورتی که خدشه دار کردن آن با تنبیهات متکی بر ابزار جبر دولتی روبرو گردد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حقوق بشر تنها می‌تواند در آن نظامهای سیاسی متحقق گردد و پاسداری شود که بر مدار قانون می‌چرخند و از حقانیت برخوردارند.

افزون بر آن، فروکاستن حقوق بشر به اخلاق صرف نیز درست نیست، چرا که این حقوق فقط با ارزشگذاری اخلاقی در مورد کنشهای داوطلبانه‌ی فردی سروکار ندارد که هر کس خود جداگانه درباره‌اش تصمیم بگیرد و مسئول آن باشد. حقوق بشر

تثبیت مناسباتی عادلانه باشد. به این اعتبار، تثبیت حقوق بشر به مثابه هسته‌ی مرکزی حقوق قضایی، باید یکی از هدف‌های اساسی دولت باشد. البته معنای این سخن آن نیست که همه‌ی حقوق معتبر باید تبدیل به حقوقی اخلاقی شوند، بلکه اینست که برای توجیه حقوق بشر و هسته‌ی اخلاقی و انتزاعی آن که باید در حقوق اساسی مشخص و نهادینه شود، استدلال‌های اخلاقی ضروری است.

در قوانین اساسی کشورهای دموکراتیک، همین حقوق بشر بنیادین است که صورت حقوق اساسی را به خود می‌گیرد. حقوق بشر، چارچوب میدان بازی برای تصمیمات مشروع دموکراتیک را ترسیم می‌کند. در همین چارچوب هنجاری است که روندهای دموکراتیک از طرفی قادر می‌شوند تفسیرهای ضرور حقوقی و مشخص کردن حقوق بشر را عملی سازند و از طرف دیگر، بر پایه‌ی معیارهای عملی و اخلاقی، نظام سیاسی را نهادینه و تنظیم کنند. قوانین و برنامه‌ها تنها هنگامی به مفهوم حقوق بشری عادلانه هستند که در چنین چارچوبی قرار گیرند و بر پشتوانه‌ی یک قانون اساسی عادلانه متکی باشند. بدینسان حاکمیت سیاسی از طریق حقوق اساسی مدون در قانون اساسی و این دومی از طریق خصلت اخلاقی حقوق بشر، بصورتی هنجاری محدود شده است.

حقوق بشر با خود وظایف اخلاقی دیگری نیز به همراه می‌آورد. از جمله اینکه انسانها را موظف می‌سازد تا به یاری کسانی برخیزند که علیرغم پاسداری دولتی، در حق آنان از طریق گونه‌ای حق کشی ظلم شده است. این وظیفه‌ی به یاری دیگران برخاستن، متوجه همه افراد به مثابه اعضای یک همبود اخلاقی است و از آنان می‌طلبد تا به مثابه شهروند جهانی یا «جهانوند»، از طریق ایجاد نهادهایی، اینگونه حق کشی‌ها را بطور مؤثر مانع شوند. چنین نهادهایی می‌توانند صورتهای گوناگونی به خود گیرند. مثلاً از طریق تغییر نهادهای درون دولتی، برای عادلانه‌تر کردن آنها و پاسداری از موازین حقوق بشری. در چنین موردی، افکار عمومی جهان، سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان ملل و زیرنهادهای آن، دادگاههای بین‌المللی و جامعه‌های مدنی فراگیر، نخستین مخاطبین چنین مطالباتی هستند.

اگر چنین نهادهای درون دولتی به سرعت قابل تحقق نباشند، دولت‌های دیگر جهان باید سریعاً به یاری قربانیان بشتابند و از

بیشتر در زمینه‌ی یک آموزه‌ی ویژه‌ی عدالت قابل فهم است که نظم بنیادین جامعه، یعنی نهادهای گوهرین آن و بویژه قانون اساسی و مناسبات اجتماعی و اقتصادی را موضوعیت می‌بخشد. در رابطه با چنین نظم بنیادینی، برای هر فرد تنها سهم کوچکی در مسئولیت اخلاقی شخصی و میدان تنگی برای هدایت و مانور باقی می‌ماند. با این حال همه‌ی افراد در کل خود دارای یک مسئولیت جمعی اخلاقی هستند. برای پاسخ مناسب به چنین مسئولیتی، به نهادهای دادگستر در یک نظم بنیادین دولتی و سیاسی نیاز است. و این همان استدلال گوهرین اخلاقی یا عدالتخواهانه برای تثبیت نهادها و ساختارهای اساسی دولتی برای جوامع سیاسی است.

در دولتهای مدرن دموکراتیک، نهادها با میانجی حقوق موضوعه هدایت می‌شوند. هنگامی که در روند قانونگذاری، حقوق اساسی با الهام از حقوق بشر تدوین می‌گردد، ما همزمان با روند تبدیل حقوق اخلاقی به حقوق قانونی دولتی روبرو هستیم. به این ترتیب، از نظر مفهومی عنصر تازه‌ای وارد مناسبات حقوقی می‌گردد که معنای آن چنین است: از حق قانونی برخوردار بودن، همواره به این معناست که ادعایی مؤثر و قابل اجرا برای پاسداری از این حق مطرح است. در همین سطح دولتی است که حقوق بشر می‌تواند به عنوان حقوقی دادخواهانه پیگیری شود. در اینجا است که حقوق بشر به حقوق اساسی تبدیل و تضمین می‌گردد. البته این امر به معنای آن نیست که از آن پس دیگر حقوق بشر هرگز نقض نمی‌شود، بلکه صحبت از سازوکارهایی است که در مقیاسی خردگرایانه بطور مؤثر زمینه‌ای فراهم می‌آورد که افراد بتوانند به حق بشری خود برسند.

بنا بر ملاحظات فوق می‌توان گفت که حقوق بشر صرفاً از جنبه‌ی مبانی تاریخی خود نیست که دولتهای حقوقی را مخاطب قرار می‌دهد، بلکه از این جنبه که برای انسانها این ضمانت کانونی را فراهم می‌آورد تا آن را از مطالبات اخلاقی انتزاعی، به ادعاهای مشخص حقوقی تبدیل سازند.

باید به نکته‌ی دیگری نیز اشاره کرد و آن این است که حق موضوعه نیز باید از نظر اخلاقی مشروع باشد. به عبارت دیگر، ادعاهای موجه افراد برای احترام برابر، اجازه ندارد خدشه‌دار شود. بنابراین هر جبر حقوقی باید بصورت متقابل و عمومی قابل توجیه و پیروی از آن ناشی از بصیرت افراد باشد. یک همبود انسانی تنها هنگامی دارای یک نظام بنیادین عادلانه است که هدف آن عمدتاً

پاسخ انجمن قلم بین‌المللی به ناصر زرافشان



همایش هفتاد و دومین کنگره‌ی پن بین‌المللی، برلین، ۲۲-۲۸ مه ۲۰۰۶ به خانم کارین کلارک، رئیس کمیته‌ی نویسندگان در بند پن، اختیار پاسخ به پیام ناصر زرافشان را تفویض کرد. خانم کلارک پاسخ زیر را برای ناصر زرافشان ارسال کرده است.

دکتر ناصر زرافشان

زندان اوین - تهران - ژوئن ۲۰۰۶

دکتر ناصر زرافشان عزیز،

تمام حاضران در همایش هفتاد و دومین کنگره‌ی پن بین‌المللی در برلین عمیقاً تحت تأثیر نامه‌ی شما قرار گرفتند و بدین وسیله امتنان قلبی خود را از شما و هم‌بندان شما به خاطر پیام امیدبخش و جسارت‌بخش شما ابراز می‌دارند.

در این کنگره تصمیم‌های مهمی اتخاذ شد که در مجموع به رشد تأثیر سازمان ما کمک و ما را در انجام مهم‌ترین کارهایمان تقویت خواهد کرد: دفاع از آزادی بیان و پشتیبانی از هم‌قطاران مصیبت‌زده و تحت آزار ما در سراسر جهان. این همایش قطعنامه‌های چندی را در محکومیت تبعیض و استثمار و محکومیت بازداشت، سرکوب، شکنجه و قتل نویسندگان به خاطر بیان مسالمت‌آمیز نظریاتشان در کشورهای متعدد تصویب کرد.

به شما و هم‌بندان شما اطمینان می‌دهیم که کماکان توجه جهانیان را به هرگونه نقض حق آزادی بیان جلب خواهیم کرد، یعنی حقی که در ماده‌ی ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است، و عامه‌ی مردم را از وضع آن دسته از هم‌قطارانی که به علت زیر پا گذاشته شدن این حقوق بنیادی در کشورشان تحت ستم به سر می‌برند، آگاه خواهیم ساخت.

پیام شما در حقیقت امر جرأت ما را بیشتر کرده و بر امید ما افزوده است. به امید این که شما و هم‌بندان شما به زودی نزد خانواده‌هایتان باشید و به امید دیدار در آینده‌ی بسیار نزدیک در صلح و آزادی. با بهترین آرزوها.

کارین کلارک (رئیس کمیته‌ی نویسندگان در بند پن بین‌المللی، لندن)

نامه به گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل

جناب لوئیز آربور

گزارشگر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

با تقدیم احترام

اخیراً دولت جمهوری اسلامی ایران دور جدیدی از برخوردهای امنیتی و مداخله‌گرانه را با دانشگاه و فعالین دانشجویی آغاز کرده است. مهمترین محورهای این برخوردهای محدود کننده و مغایر با آزادی‌های آکادمیک و حقوق مدنی عبارتند از:

× کار شکنی و مداخله در فرایند انتخابات انجمن‌های اسلامی

دانشجویان به عنوان نهادهای منتخب دانشجویان

× اخراج و محرومیت از تحصیل فعالین دانشجویی منتقد به دلایل

سیاسی و عقیدتی

× بازداشت خود سرانه فعالین دانشجویی توسط نهادهای امنیتی

× اخراج و بازنشستگی اجباری اساتید دانشگاه‌های تهران و علامه

طباطبایی به دلایل غیر علمی و آموزشی

× احضار دانشجویان به کمیته‌های انضباطی و محاکم دادگستری و

صدور حکم زندان، محرومیت موقت و دائم از تحصیل

× دخالت در نوع پوشش و نوع لباس دانشجویان بویژه دانشجویان

دختر

× بازداشت دکتر رامین جهاننگلو، محقق و استاد دانشگاه

با عنایت به موارد فوق که از مصادیق بارز نقض حقوق بشر هستند

و امضاء اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقاله‌های مربوطه از

سوی حکومت ایران، از آن مقام محترم درخواست می‌شود تا

تخلفات فوق را پیگیری کنند و حکومت ایران را جهت تخطی از

پای بندی به تعهدات خود در زمینه حقوق بشر مواخذه کنند. تا در

این صورت شرایط برای توقف این حرکات مساعد شود. بازدید از

ایران و تحقیق مستقیم از طریق گفتگو با فعالین دانشجویی، اساتید

دانشگاه، تشکل‌ها و مسئولین مربوطه و خانواده زندانیان دانشگاهی

بسیار مفید به نظر می‌رسد.

در پایان از آن مقام محترم می‌خواهیم برای آزادی فعالین

دانشجویی بازداشت شده در وقایع اخیر و بویژه آقایان یاشار قاجار

، عابد توانچه پیگیریهایی لازم را انجام دهند.

مدارک و مستندات در آینده نزدیکی ارسال خواهد شد.

علی افشاری - فاطمه حقیقت جو - اکبر عطری - محسن سازگارا - مهر انگیز

کار - نیره توحیدی

جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

5122,CDN - C.P. 49552, Montreal, QC H3T 2A5

بیانیه کانون مدافعان حقوق بشر

در مورد حوادث اخیر شهرهای آذری زبان و دانشگاه‌ها

کانون مدافعان حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای، تلاش جهت تعمیق دموکراسی و رعایت حقوق بشر در شرایط خطیر کنونی را راه‌حلی معقول و برگزیده در راستای کاهش تشنج و جلوگیری از سوءاستفاده دشمنان ملت ایران



دانست.

به گزارش "ایلنا" در این بیانیه آمده است: وقایع اخیر آذربایجان و استان‌های مجاور نشان داد که پایبندی به قانون اساسی و رعایت حقوق کلیه اقوام و نژادهای ساکن این مرز و بوم و نگرش منصفانه به آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و میثاق‌های بین‌المللی تا چه پایه حایز اهمیت است و عدم توجه به هریک از موازین مذکور عواقبی را برای ملت ایران به بار می‌آورد، به گونه‌ای که انسجام و وحدت و یکپارچگی کشور را می‌تواند مورد تهدید قرار دهد.

کانون مدافعان حقوق بشر ضمن توجه دادن مسوولان ذیربط در خصوص رعایت حقوق اقوام و اقلیت‌های گوناگونی که در این سرزمین پهناور از دیرباز سکنی گزیده‌اند، یادآور شد: با عنایت به اصول ۳۹، ۳۷، ۳۲، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۹ و ۱۵ قانون اساسی، رعایت کلیه حقوق و آزادی‌های فردی ملت ایران الزامی است. انتخاب مسوولان استانی از متخصصین بومی و پرهیز از کاستن اختیارات شوراها و تلاش در راستای تقویت نهادهای محلی می‌تواند در فروکش کردن جو کنونی نقش به‌سزایی داشته باشد.

در ادامه این بیانیه آمده است: تلاش‌های دولت فعلی در متمرکز نمودن بیش از پیش مدیریت‌ها و خنثی‌سازی تلاش‌های دولت قبلی جهت تمرکززدایی می‌تواند عواقبی را در پی داشته باشد. تحمیل هزینه سوء تدبیر برخی از مسوولان به مطبوعات از طریق توقیف غیرقانونی روزنامه (ایران) و تحت پیگیری قرار دادن تعدادی از کارکنان آن علی‌رغم عذرخواهی‌های مکرر ایشان، علاوه بر غیر منصفانه بودن می‌تواند بر التهاب جو موجود بیفزاید.

کانون مدافعان حقوق بشر در ادامه بیانیه خود با اشاره به حوادث اخیر برخی دانشگاه‌ها، آورده است: بازنشستگی اجباری و اخراج

تعدادی از اساتید مبرز دانشگاه‌ها و برخورد با تجمعات دانشجویی و دستگیری تعدادی از دانشجویان علاوه بر اینکه بیانگر نقض آشکار حقوق بشر است، می‌تواند شرایط فعلی را ملتهب‌تر نماید.

بوش از ماجراجویی نظامی علیه ایران دست بردارد

شیرین عبادی در سخنانی در لندن ابراز امیدواری کرد جورج بوش رییس جمهور امریکا برای یک بار هم که شده به حرف مردم خود گوش دهد و از ماجراجویی نظامی علیه ایران دست بردارد. عبادی پنجشنبه شب تصریح کرد مردم ایران و مردم امریکا هیچ کدام خواستار جنگ و خونریزی نیستند.

وی در اجتماعی که به دعوت نهاد علمی هسته‌ای کنفرانسهای پوگواش در محل انستیتو بریتانیایی رادیولوژی برگزار شد، افزود جنگ به نفع مردم نیست و فقط منافع فروشندگان اسلحه و کمپانیهای بزرگ صادر کننده تسلیحات در امریکا را تامین می‌کند. پوگواش از نهادهای معتبر علمی و مخالف توسعه جنگ افزارهای هسته‌ای در انگلیس و بسیاری کشورهای دنیا است.

تجمع عمل مجرمانه نیست

نرگس محمدی به خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران، گفت که کانون مدافعان حقوق بشر در جلسه‌ای با بررسی موضوع تجمع دوشنبه گذشته تاکید کرد که «به استناد قانون از جمله اصل ۲۷ قانون اساسی و ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، برگزاری تجمع از حقوق اساسی هر شهروندی است که با استناد به اصل ۹ قانون اساسی هیچ مقامی نمی‌تواند آن را سلب یا محدود کند حتی اگر قانون جدیدی وضع شود.»

محمدی با اشاره به سخنان کریمی‌راد، سخنگوی قوه قضائیه، مبنی بر این که اگر کسی از رفتار ضابطان شکایت داشته باشد، به شکایت وی رسیدگی می‌شود، گفت: با استناد به جرایم مشهودی که صورت گرفته حتی بدون شکایت شاکی خصوصی هم باید از طرف دادستان نسبت به این امر رسیدگی شود. طبق گفته محمدی، کانون مدافعان حقوق بشر با استناد به اصول مطروحه قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعتقاد دارد که تجمع کنندگان عمل مجرمانه‌ای مرتکب نشده‌اند و بنابراین باید به فوریت آزاد شوند.

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات
بارفتارظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار

گیرد. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

رومانی، محلی امن برای فعالیت تجارت زنان روسی



تجارت دختران و زنان رومانیایی در اروپا از سال ۱۹۸۹ با فروپاشی بلوک شرق ابعاد خاصی به خود گرفته است. علت این امر، گسترش فقر و وضع بسیار بد اقتصادی مردم این کشور و درخواست بازارهای فحشا در اروپا برای دختران جوان رومانیایی است. شبکه‌های بسیار مخرب و مافیایی وابسته به اتباع رومانی و نیز سایر کشورهای اروپایی، هر روزه در این کشور تشکیل می‌شود و در این راستا تجارت شرکت‌های جعلی و جاعلان ویزا و گذرنامه نیز بسیار پررونق است. رانندگان کامیون‌های رومانیایی بخشی از حمل و نقل دختران فراری رومانیایی را تقبل می‌کنند و دخترها سر از خانه‌های فساد اروپایی غربی درمی‌آورند.

در حال حاضر این نوع قاچاق در رومانی به گفته خانم آلكساندرا دومیترو، رییس مرکز ملی مبارزه با قاچاق انسان در رومانی به قدری ابعاد وسیع پیدا کرده که دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت و وی رومانی را یکی از مراکز اصلی قاچاق انسان قلمداد می‌کند. وی در این رابطه اذعان می‌دارد: آمار واقعی انسان‌های قاچاق شده بسیار فراتر از آمار رسمی اعلام شده، است. حوزه کار قاچاقچیان در رومانی تنها محدود به زنان و کودکان نیست، بلکه آنان فعالیت خود را در مورد معلولان نیز گسترش داده‌اند. به عبارتی قربانیان شبکه‌های قاچاق نه تنها به منظور به کارگیری در بازار فحشا، بلکه از بچه‌ها و افراد معلول برای تکدی‌گری و همچنین اعمال خلاف شئون اخلاقی استفاده می‌شوند. طبق آمار اعلام شده از سوی مقامات رومانیایی، طی کمتر از یک سال (آوریل ۲۰۰۵ تا مارس ۲۰۰۶) در حدود ۱۵۰۰ نفر از افرادی که از رومانی قاچاق شده و به این کشور بازگردانده شده‌اند، عمدتاً زنها بودند و تعداد ۲۲۵ نفر کودک و ۱۴ نفر معلول نیز در این میان به چشم می‌خورد.

از طرفی خط مرزی این کشور با سایر کشورهای اروپایی، نقطه امنی برای باندهای قاچاق است و روزی نیست که در این منطقه عملیات قاچاق مواد مخدر با همه انواعش و قاچاق زنان، به ویژه دختران که برای روسپی‌گری به سایر کشورهای اروپایی سفر

می‌کنند و به دنبال تکه نانی هستند، اتفاق نیفتد. به هر حال این تجارت در رومانی کار جدیدی نیست. اما تحقیقات نشان داده که رومانی در تجارت زنان و دختران فراری در جهان دارای رتبه تأسف باری است به طوری که این کشور واقع در منطقه بالکان به کانون توجه تجار مواد مخدر، تجارت زنان تبدیل شده است.

گروه‌های قاچاق زنان در روستاهای کوچک رومانی پرسه می‌زنند و دنبال زن‌های جوان و زیبا می‌گردند، چرا که مرزها در اروپا باز هستند یا به راحتی توسط یک گذرنامه جعلی باز می‌شوند. از طرفی در مرزهای رومانی و مجارستان، قاچاقچیان با افسرهای مرزی تباخی نموده و دختران را در قبال ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ یورو تحویل باشگاه‌های شبانه می‌دهند. به طوری که در بخارست، بوداپست، بلگراد، صوفیه و لوبلیانای اسلونی، آپارتمان‌های مخصوصی برای اسکان موقت این دخترها وجود دارد. در این آپارتمان‌ها، دختران را به مدت کوتاهی در شرایط غیرانسانی نگهداری کرده و سپس آنها را می‌فروشند، چراکه خریداران بسیاری از غرب در این شهرها به دنبال کالاهای خود (یا به عبارتی بهتر، شکار و طعمه) می‌گردند. امروزه همچنین چهره خانه‌های فساد رومانی، شکل خاصی به خیابان‌های شهرهای این کشور و به ویژه بخارست داده است و مکان‌هایی که با نام باشگاه سلامت یا سالن ماساژ خوانده می‌شود، مشتریان را به این مکان‌ها هدایت می‌کند. در حال حاضر رومانی به محلی امن برای فعالیت تجارت زنان روسی تبدیل شده است و آنچه ذکر شد تصویری شوم از وضعیت این تجارت کثیف در جامعه رومانی است. حال سوال اساسی از طرفداران حقوق بشر در غرب، این است که برای حفظ و صیانت از حقوق زنان در جنوب شرق اروپا و به ویژه در رومانی چه تدابیری اندیشیده‌اند؟

- سازمانهای کارگرمی و کارفرمایی را نمی‌توان با امکانات اداری منحل یا توقیف کرد.

- سازمانهای کارگرمی و کارفرمایی از حق تشکیل اتحادیه برخوردارند و حق آن را دارند که به سازمانهای بین‌المللی کارگرمی و کارفرمایی بپیوندند.

ماره ۳ و ۵ و مقاله نامه ۸۷ سازمان ملل متفر آزادی سندیکاها و

همایت از حقوق سندیکایی

هکتور پرستون نهاده شد. خانواده قربانیان می گریستند و مرثیه می خواندند.

آموس ماسوندو، شهردار ژوهانسبورگ، خطاب به تظاهرکنندگان گفت: "این رویداد، لحظه مهمی است که از بسیاری جهات، مبارزه ملی برای کسب آزادی را تحرک بخشید و آن لحظه نشان داد در زمانی که هزاران مرد و زن جوان آفریقایی جنوبی را ترک می کردند، برای تقویت جنبش آزادی بخش بیش از یک راه وجود دارد."

مردم سیاهپوست آفریقایی جنوبی قریب به دو دهه بعد از کشتار سووتو به آپارتاید پایان دادند ولی این واقعه به دلیل ضربه محکمش بر حکومت نژادپرستان در تاریخ این ملت جایگاه بلندی دارد.

در آن روز که در آفریقایی جنوبی زمستان بود، نوجوانان سووتو علیه استفاده از زبان آفریکانز بجای انگلیسی در مدارس به خیابانها ریختند، چرا که آن را "زبان سرکوبگران" می دانستند. پلیس نیز با قدرت مرگبار کوشید آنها را متفرق کند. در نتیجه بیش از ۵۰۰ نفر کشته شدند.

ماجاکاتا موکونا، یکی از رهبران دانش آموزان در سال ۱۹۷۶ می گوید: "مفهوم این روز برای من این بود که ما در آغاز پایان دادن به آپارتاید بودیم. پلیس بسوی مردمی غیرمسلح که دستان خود را به نشانه صلح بالا برده بودند، آتش گشود."

والتر سیسلو، نویسنده آفریقایی، یکبار نوشته بود که تاریخ آفریقایی جنوبی را نمی توان بدون در نظر گرفتن تاریخ سووتو درک کرد. سووتو این روزها تدریجا مدرن شده است.

هاپیلو سولو، مدیر بازاریابی برای سازمان گردشگری ژوهانسبورگ می گوید: "ما به گذشته ادای احترام می گذاریم. درباره این مساله تردیدی نیست. سووتو در تحولات سیاسی آفریقایی جنوبی نقش محوری ایفا کرده است، ولی سووتو جنبه دیگری دارد و آن، رشد است."

با این حال این شهرک همانند بسیاری از مناطق این کشور از فقر رنج می برد و این در حالی است که رهبران آفریقایی جنوبی فقر را برای کشورشان "بشکه باروت" خوانده اند.

یادبود قربانیان قیام سووتو



آفریقایی جنوبی سی امین سالگرد قیام سووتو را که به مرگ صدها دانشجو توسط پلیس انجامید، گرامی داشت.

تابو امبکی، رییس جمهور آفریقایی جنوبی، ساعتی بعد از سپیده دم، پیشاپیش صدها تظاهرکننده در خیابانهای سووتو، در حومه شهر ژوهانسبورگ، راهپیمایی کرد. آنها همان مسیری را می پیمودند که دانش آموزان و دانشجویان جوان سی سال پیش پیموده بودند.

در آن روز که در آفریقایی جنوبی زمستان بود، نوجوانان سووتو علیه استفاده از زبان آفریکانز بجای انگلیسی در مدارس به خیابانها ریختند، چرا که آن را "زبان سرکوبگران" می دانستند. پلیس نیز با قدرت مرگبار کوشید آنها را متفرق کند. در نتیجه بیش از ۵۰۰ نفر کشته شدند.

این قیام لحظه ای تعیین کننده برای مبارزه سیاهان با نظام نژادپرستی آپارتاید بود، هرچند سیاهپوستان آفریقایی جنوبی ۱۸ سال بعد توانستند به آزادی سیاسی دست یابند.

اهمیت آن تظاهرات در این است که این جوانان از سوی کنگره ملی آفریقا هدایت نشده بودند و حرکتشان خودجوش بود. آقای امبکی خطاب به ملت کشورش گفت که جوانان آفریقایی جنوبی با چالشهای سختی نظیر فقر، بیکاری و اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی وایدز مواجه اند.

آقای امبکی گفت: "همه ما می دانیم که هنوز برخی از کودکان با شکم گرسنه به سرکار می روند. ما می دانیم که هنوز بعضی از کودکان به مدرسی می روند که ساختمان نکبت باری دارد. ما همچنین می دانیم که وقتی جوانان ما به موسسات آموزش عالی می رسند، دشوار می توانند شغل بیابند."

در مراسم روز جمعه در قلب سووتو به یاد طفلی ۱۲ ساله ای که اولین کشته این شورش بود، دسته های گل روی بنای یادبود

ترجمه: ن. نوری زاده

پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ / قطعنامه A 2200 قدرت اجرائی

بنابر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶



کشورهای عضو این پروتکل

با توجه به دستیابی به اهداف حقوق مدنی و سیاسی (که از این پس میثاق نامیده میشود) و انجام مقررات آن، مقتضی است به کمیته حقوق بشر (که از این پس کمیته نامیده میشود) که بنا بر بخش چهارم میثاق دایر گردیده است، اختیار داده شود تا شکایات افرادی را که مدعی هستند قربانی نقض هر یک از حقوقی اند که در میثاق آمده است، را دریافت دارد و به طریقی که در این پروتکل مندرج است (آن شکایات) را مورد رسیدگی قرار دهد. بقرار زیر پذیرفته اند که:

ماده یکم

کشورهای عضو میثاق (حقوقی، مدنی) که طرف عضو این پروتکل میشوند، صلاحیت کمیته را در دریافت و رسیدگی کردن به شکایات افرادی که تابع (پیرو حوزه قضاوت آن کشور) خود می باشند و (آن افراد) مدعی هستند که قربانی نقض هر یک از حقوق مندرج در میثاق از طرف (آن) کشور شده اند را برسمیت بشناسند. کمیته شکایت هیچ کشوری را که عضو پروتکل نیست، مورد رسیدگی قرار نخواهد داد.

ماده دوم

پیرو مقررات ماده ۱، افرادی که مدعی هستند هر یک از حقوق آنان که در میثاق معین شده است نقض گردیده و آنها تمام مراحل (چاره اندیشی) موجود قوانین داخلی را طی کرده اند، می توانند شکایت کتبی خود را جهت رسیدگی به کمیته ارسال دارند.

ماده سوم

کمیته بموجب این پروتکل شکایت بدون نام (و امضاء) و یا (شکایتی را که) تشخیص دهد از حق ارائه این نوع شکایات، سوء

استفاده شده است و یا (شکایاتی که) با مقررات این میثاق مطابقت نداشته باشد را ناپذیرفتنی اعلام می دارد.

ماده چهارم

۱- پیرو مقررات ماده ۳، کمیته هر شکایت ارائه شده ای را بموجب این پروتکل و دعوی (فردی) که مدعی است مورد نقض هر یک از مقررات میثاق قرار گرفته است را به اطلاع کشورطرف پروتکل می رساند.

۲- ظرف ۶ ماه کشور دریافت کننده (شکایات) توضیحات و یا اظهارات روشن کننده موضوع و تدابیری را که احتمالاً در مورد آن اتخاذ کرده است را بطور کتبی به کمیته ارائه خواهد داد.

ماده پنجم

۱- کمیته نظر به تمام اطلاعات کتبی که بوسیله فرد و یا کشور عضو ارائه شده است، بموجب این پروتکل به رسیدگی (شکایت) خواهد پرداخت.

۲- کمیته هیچ شکایتی را مورد رسیدگی قرار نمیدهد مگر آنکه معلوم گردد که:

الف) همان موضوع تحت رسیدگی دیگر آئین دادرسی تحقیقات بین‌المللی یا آئین نامه ای قرار ندارد.

ب) فرد (شکایت کننده) کلیه تدابیر داخلی موجود را پیموده است. این قاعده در جائیکه درخواست چاره جوئی و (اجرای قوانین داخلی) بطور غیر معقولی طولانی می باشد، اجرا نخواهد شد.

۳- کمیته بموجب این پروتکل در مواقع رسیدگی به شکایات جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

۴- کمیته نظرات خود را به کشور عضو مربوطه و فرد (شکایت کننده) اطلاع خواهد داد.

ماده ششم

کمیته بموجب ماده ۴۵ میثاق خلاصه فعالیت‌های خود را تحت این پروتکل در گزارش سالانه خود منعکس خواهد کرد.

ماده هفتم

تا هنگامیکه دستیابی به اهداف قطعنامه (1514) (XV)، مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۶۰ در مورد اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم مستعمرات محقق گردد، مقررات این پروتکل به هیچ عنوان حق شکایتی را که این مردمان

بقیه در صفحه ۲۰